

فراخوان ارسال آثار

فصل‌نامه‌ی آموزشی تحلیلی پژوهشی «جوانه»، از کلیه‌ی صاحب‌نظران، نویسندگان، مترجمان و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی و اندیشمندان علاقه‌مند به مباحث تولید کتاب‌های آموزشی دعوت می‌کند، نوشته‌های خود را در زمینه‌های موضوعی زیر، برای دبیرخانه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی ارسال دارند:

۱. مطالعات تطبیقی (تجربیات سایر کشورها در تولید کتاب‌های آموزشی)
۲. کاربرد انواع فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید کتاب‌های آموزشی
۳. تبیین ویژگی‌ها، استانداردها و اصول زیباشناسی کتاب‌های آموزشی

۴. معرفی توصیفی کتاب‌های آموزشی مناسب و برتر
۵. معرفی نشریات، منابع علمی و بانک اطلاعات کتاب‌های آموزشی داخل و خارج از کشور
۶. آسیب‌شناسی تولید کتاب‌های آموزشی مناسب
۷. نیازسنجی آموزشی و مخاطب‌شناسی
۸. ارائه‌ی یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تجربه در زمینه‌ی فرایند تولید کتاب‌های آموزشی مناسب
۹. معرفی طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و مؤسسه‌های انتشاراتی موفق

۱۰. تبیین روش‌های نوین خودیادگیری و خودارزش‌یابی
۱۱. مدیریت و مشارکت در تولید کتاب‌های آموزشی
۱۲. تبیین راهبردهای برنامه‌ریزی، تولید و ارزش‌یابی کتاب‌های آموزشی

۱۳. دورنما و چشم‌اندازهای آینده‌ی تولید کتاب‌های آموزشی
۱۴. تبیین اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر تولید کتاب‌های آموزشی مناسب
۱۵. مباحث تحلیلی و کاربردی مربوط به کتاب، کتابخانه‌های آموزشگاهی و کتاب‌خوانی دانش‌آموزان

روش جوانه ۲۶۹۰/۲۷

فصلنامه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



دفتر انتشارات کمک آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: خسرو داودی
اعضای هیئت تحریریه: جمال‌الدین اکرمی،
خسرو داودی، محمود سالک، محمود معافی،
داود نجف‌زاده، علاء نوری،
مدیر داخلی: محمد حسین معتمدرداد
ویراستار: بهروز راستانی
عکاس: رضا بهرامی
طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک‌نژاد
سال انتشار: بهار و تابستان ۱۳۸۸
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

نشانی: تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی
پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۰۶۰۷۱ دورنما: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
آدرس اینترنتی: www.roshdmag.ir
پست الکترونیکی: samanketab@roshdmag.ir

راهنمای تهیهی آثار

نشریهی آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «رشد جوانه» با هدف اطلاع‌رسانی، اشاعه‌ی یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تبادل نظر و تجربه بین صاحب‌نظران در زمینه‌ی مباحث مربوط به فرایند تولید کتاب‌های آموزشی مناسب منتشر می‌شود تا از این طریق، پدیدآورندگان در راستای تحقق هدف‌های آموزش و پرورش، به صورت مستمر و پویا بر غنای دانش تجربه‌ی حرفه‌ای خود بیفزایند و با به کارگیری بهینه‌ی ظرفیت‌های موجود، کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی را ارتقاء بخشند.

راهنمای تهیهی آثار

از استادان، صاحب‌نظران و اندیشمندان محترم عرصه‌ی کتاب‌های آموزشی که به منظور همراهی با این فصل‌نامه، نوشته‌های خود را برای انتشار در «رشد جوانه» ارسال می‌دارند، تقاضا می‌شود، در حد امکان نکات زیر را رعایت فرمایند:

- حجم مطالب از ۸ صفحه‌ی تایپ شده و ۱۳ صفحه‌ی دست‌نوشته تجاوز نکند.
- نوشته حاوی مقدمه‌ای کوتاه، سابقه‌ی موضوع، نتیجه و جمع‌بندی موضوع باشد.
- نسخه‌ی اصلی نوشته ارسال شود.
- نوشته‌ی ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی همراه آن ارسال شود. چنان‌چه نوشته را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- نوشته در مجله یا نشریه‌ی دیگری به چاپ نرسیده باشد.
- محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌های و عکس‌ها، در متن مشخص شود.
- «رشد جوانه» در رد، قبول، ویرایش و تلخیص آثار رسیده آزاد است و از بازگرداندن آن‌ها نیز معذور است.
- آرای مندرج در «رشد جوانه» ضرورتاً مبین رأی و نظر «دبیرخانه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.
- اطلاعات منابع مورد استفاده برای تدوین اثر، به ترتیب زیر تنظیم شود:
- نام نویسنده، نام اثر، نام مترجم، (اگر ترجمه باشد). نام مجله یا نشریه، شماره‌ی مجله، سال نشر، شماره‌ی صفحه.
- نوشته را به ضمیمه‌ی نام و نام خانوادگی نگارنده یا مترجم، درجه‌ی علمی یا سمت، نشانی محل کار یا سکونت و شماره‌ی تلفن، به نشانی زیر ارسال فرمایید:

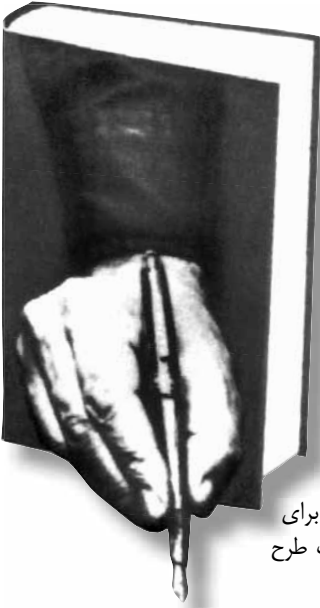
تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش،
پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، فصل‌نامه‌ی «رشد جوانه»

فهرست

• یادداشت سردبیر

- ۴ جوانه‌ی در حال رشد
- ویژه‌ی طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی
- ۶ طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی در یک نگاه
دبیرخانه‌ی سامان بخشی
- ۲۰ آسیب‌شناسی طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی
محمد حسین معتمد‌راد
- ۴۰ طبقه‌بندی درست کتاب‌های علمی - آموزشی یک ضرورت علمی است
جمال‌الدین اکرمی
- ۵۰ نگاه ناشران به طرح «سامان بخشی کتاب‌های آموزشی»
تدوین: نصرالله دادار / پرسشگران: فاطمه خرقانیان و یاسمن محمودی
- ۵۶ چهار پیشنهاد برای جشنواره‌های آینده
جمال‌الدین اکرمی
-
- ۶۰ چندوچون نیازسنجی در حوزه‌ی انتشار کتاب‌های کمک آموزشی
محمود سالک
- ۶۶ تمرین، تمرین و تمرین
(بای صحبت مهندس آرتور امیدآزری مؤلف برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد)
فاطمه خرقانیان
- ۷۴ رمزهایی از اساطیر ایران در شاهنامه (نقد و بررسی کتاب)
جعفر ربانی
- ۷۸ کنکور، جدی‌ترین مانع تولید کتاب‌های آموزشی مناسب است
(گفتگو با مهندس محمد حسین متولی مدیر انتشارات «الگو»)
نصرا... دادار
- ۸۸ چگونه یک کتاب را نقد و بررسی کنیم
محمود معافی





جوانه‌ی در حال رشد

مجله‌ی رشد جوانه، با برگزاری اولین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد که بخشی از طرح سامان‌بخشی کتب آموزشی است، متولد شد. ابتدا هدف مجله اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به دست‌اندرکاران نشر کتب آموزشی بود، اما کم‌کم به رسانه‌ای برای فرهنگ‌سازی در عرصه‌ی تولید و انتشار کتاب و توسعه‌ی اهداف طرح سامان‌بخشی تبدیل شد.

مخاطبان «رشد جوانه» ناشران، کارشناسان، مؤلفان، توزیع‌کنندگان و سایر دست‌اندرکاران نشر کتاب‌های آموزشی هستند. براساس اهداف و مأموریت‌های طرح سامان‌بخشی، منظور از کتاب‌های آموزشی آن دسته از کتاب‌هایی است که به نحوی به برنامه‌های درسی رسمی وزارت آموزش و پرورش مربوط می‌شوند.

در واقع، این کتاب‌ها مکمل کتاب‌های درسی هستند و به عنوان یک رسانه‌ی مکتوب و کاغذی، بخشی از اهداف برنامه‌ی درسی را پوشش می‌دهند.

از این شماره رشد جوانه از دو بعد محتوا و سازمان‌دهی اداری تغییر کرده است و زیرنظر هیئت تحریریه و سردبیر تدوین می‌شود. با توجه به تخصصی که هر یک از اعضای هیئت تحریریه دارند، امیدواریم این گروه بتواند شرایطی را فراهم آورد تا مجله به ابعاد گوناگون حوزه‌ی نشر کتب آموزشی بپردازد. در زمینه‌ی محتوایی نیز تلاش شده است به موضوع نقد و بررسی آثار، رویه‌ها و رویدادهای فرهنگی مرتبط، بیش از پیش بها داده شود. لذا در هر شماره یکی از کتاب‌های برگزیده‌ی جشنواره نقد خواهد شد و با یک ناشر و یک مؤلف برگزیده مصاحبه می‌شود تا علاوه بر بیان تجربیات، فرصت داشته باشند مواضع انتقادی خود را مطرح کنند.

هم‌چنین در این شماره، طرح سامان‌بخشی و جشنواره‌ی رشد مورد نقد و بررسی قرار گرفته و پیشنهاداتی برای برگزاری هر چه بهتر جشنواره ارائه شده است. امیدواریم بتوانیم این جهت‌گیری را در شماره‌های بعد نیز حفظ کنیم. از همه‌ی عوامل مرتبط با نشر کتب آموزشی دعوت می‌کنیم، نقدها و مواضع خود را در ابعاد گوناگون طرح سامان‌بخشی و جشنواره‌ی رشد از طریق همین مجله منعکس کنند.

رشد جوانه رسانه‌ی مناسبی است برای آن‌که ناشران و مؤلفان کتب آموزشی، تجربیات خود را در زمینه‌ی تولید آثارشان مطرح و با سایر همکاران خود تبادل کنند. این آمادگی وجود دارد که بخشی از مجله به تبادل اندیشه‌ها، نظرات و تجربیات این عزیزان اختصاص یابد. هم‌چنین، تاکنون به کتب آموزشی مرتبط با رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش کمتر پرداخته شده است. لذا از تمامی عوامل مرتبط با تولید آثار مربوط به این رشته دعوت می‌کنیم، نظرات و تجربه‌های خود را در این حوزه، در قالب شرح تجربه، نقد کتاب، مقاله و... برای درج در مجله ارسال دارند.

ویژه‌ی

طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی

طرح سامان بخشی

کتاب‌های آموزشی

طرح سامان بخشی

کتاب‌های آموزشی

طرح سامان بخشی

کتاب‌های آموزشی

طرح سامان بخشی

کتاب‌های آموزشی

طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی در یک نگاه



دبیرخانه‌ی سامان بخشی

اشاره

تولید کتاب‌های آموزشی مفید و مناسب، بر اساس برنامه‌های درسی آموزش و پرورش، برای ایجاد شرایط یادگیری مؤثر و پایدار دانش‌آموزان کشور، از اهمیتی ویژه برخوردار است. از این‌رو در سال ۱۳۷۸، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، «طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی» را تصویب و در دستور کار دفتر انتشارات کمک آموزشی قرار داد. هدف‌های این طرح عبارت‌اند از:

- سیاست‌گذاری، استاندارد سازی و هدایت تولید کتاب‌های غیر درسی مرتبط با برنامه‌های آموزشی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش؛
- نظارت، ارزیابی و بررسی علمی کتاب‌های آموزشی و انتخاب و معرفی کتاب‌های مناسب؛

- حمایت و تشویق ناشران، نویسندگان و معلمان به تولید کتاب‌های آموزشی مفید و مناسب بر اساس برنامه‌های درسی؛

- تبیین و اجرای سیاست‌ها، هدف‌ها، برنامه‌ها و انتظارات آموزش و پرورش در حوزه‌ی تولید کتاب‌های آموزشی؛

- فراهم آوردن امکان تبادل نظر و تجربیات میان اندیشمندان، صاحب‌نظران و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی، در راستای تدوین راهبردها و استانداردهای تولید کتاب‌های آموزشی مناسب؛

- ایجاد زمینه برای شناسایی نویسندگان و ناشران برتر در حوزه‌ی تولید کتاب‌های آموزشی که بیشترین نقش را در راستای تحقق و تعمیق هدف‌های آموزش و پرورش داشته‌اند.

۱۳۸۱/۲۶/۲۷

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۶

عملکرد سامان بخشی کتاب های آموزشی در طول ده سال گذشته

۱. برگزاری هفت دوره جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد با هدف هدایت ناشران و تولیدکنندگان کتاب‌های آموزشی مورد نیاز معلمان و دانش‌آموزان، منطبق با معیارها و استانداردهای آموزشی و شناسایی و معرفی آثار مناسب و برتر.

این جشنواره‌ها به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۹ (دوره‌ی ابتدایی)، ۱۳۸۰ (دوره‌ی راهنمایی)، ۱۳۸۱ (دوره‌های متوسطه نظری و فنی و حرفه‌ای)، ۱۳۸۳ (دوره‌های ابتدایی و راهنمایی)، ۱۳۸۴ (دوره‌های متوسطه نظری، پیش‌دانشگاهی، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش)، ۱۳۸۶ (دوره‌های ابتدایی و راهنمایی)، ۱۳۸۷ (دوره‌های متوسطه نظری، پیش‌دانشگاهی، فنی و حرفه‌ای و کار دانش)، برگزار شد. حوزه‌های مورد بررسی در این هفت جشنواره به تفکیک دوره‌های تحصیلی و سال‌های انتشار کتاب به شرح جدول (۱) بوده است.

جدول ۱. حوزه‌های مورد بررسی در هفت دوره‌ی برگزاری جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد

دوره‌ی ابتدایی (کتاب‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۵)	دوره‌ی راهنمایی (کتاب‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۹)	دوره‌ی متوسطه نظری (کتاب‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۰)	دوره‌ی متوسطه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش (کتاب‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۰)
مطالعات اجتماعی، تعلیم و تربیت دینی، ریاضی، علوم تجربی، قرآن، ریاضی، زبان آموزی، مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و روش تدریس و تربیت بدنی	تعلیم و تربیت دینی، ریاضی، عربی، هنر، علوم اجتماعی، علوم تجربی، زبان و ادبیات فارسی، جغرافیا، تاریخ، قرآن، آموزش زبان خارجی، آمادگی دفاعی، تربیت بدنی، عربی، هنر، حرفه و فن، مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، روش‌های تدریس و علوم تربیتی	ریاضی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی، شیمی، تعلیم و تربیت دینی و قرآن، زبان عربی، زبان خارجی، فیزیک، هنر، مکانیک، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، فلسفه و منطق، روان‌شناسی، اقتصاد و روش تدریس برای معلم در موضوعات متفاوت درسی	عمران، برق، مواد، مکانیک، هنر، حسابداری، کامپیوتر، مدیریت خانواده، کشاورزی، بهداشت و کودکیاری، علوم و فنون دریایی



۲. بررسی نزدیک به ۱۴۰۰۰ کتاب‌های آموزشی در ۳۲ حوزه‌ی آموزشی و تعیین کتاب‌های مناسب، تقدیری و برگزیده، بر اساس شاخص‌های عمومی و تخصصی در زمینه‌ی ارتباط برنامه‌ی درسی، معیارهای گزینش محتوا، سازمان‌دهی محتوا، اصول تصویرگری، اصول نوشتاری کتب آموزشی و ویرایش (جدول ۲).

با توجه به داده‌های جدول ۲:

■ طرح سامان‌دهی، بررسی و ارزیابی کتاب‌های آموزشی همه‌ی دوره‌های تحصیلی را به صورت ادواری مدنظر قرار داده است.

■ به طور متوسط بیش از ۴۰ درصد کتاب‌های مورد بررسی مناسب تشخیص داده شده‌اند که این امر حاکی از توجه نسبی ناشران به رعایت اصول و معیارهای تولید کتاب‌های آموزشی است.

■ حداقل یک دهم از کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی، به عنوان کتاب تقدیری و برگزیده انتخاب و پدیدآورندگان آن‌ها در هفت دوره جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی مورد تشویق قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. توزیع کتاب‌های مورد بررسی، مناسب، تقدیری و برگزیده در جشنواره‌های کتاب‌های آموزشی رشد

چاپ اول سال‌های تحت پوشش	تعداد عناوین کتاب‌های آموزشی			دوره‌ی تحصیلی	جشنواره (سال اجرا)
	مرتبط دریافتی	مناسب	تقدیری و برگزیده		
۶۸-۷۸ (۱۰ سال)	۱۱۸۴	۶۳۱	۴۸	ابتدایی	اول (۱۳۷۹)
۶۹-۷۹ (۱۰ سال)	۱۸۶۰	۹۸۴	۹۸	راهنمایی	دوم (۱۳۸۰)
۷۰-۸۰ (۱۰ سال)	۱۷۶۶	۶۸۶	۱۲۰	متوسطه‌ی نظری و پیش‌دانشگاهی فنی و حرفه‌ای و کار و دانش	سوم (۱۳۸۱)
	۳۶۷	۱۷۳	۵۷		
۷۹-۸۲ (۴ سال) ۸۰-۸۲ (۳ سال)	۱۳۰۸	۵۵۹	۶۰	ابتدایی	چهارم (۱۳۸۳)
	۱۰۱۹	۴۶۱	۶۵	راهنمایی	
۸۱-۸۳ (۳ سال)	۱۵۷۴	۵۰۷	۵۶	متوسطه‌ی نظری و پیش‌دانشگاهی فنی و حرفه‌ای و کار و دانش	پنجم (۱۳۸۴)
	۵۵۳	۱۳۷	۳۸		
۸۳-۸۵ (۳ سال)	۱۰۸۳	۴۳۶	۳۰	ابتدایی راهنمایی	ششم (۱۳۸۶)
	۶۲۵	۳۶۰	۲۹		
۸۴-۸۶ (۳ سال)	۱۴۵۴	۳۰۱	۱۴	متوسطه‌ی نظری و پیش‌دانشگاهی فنی و حرفه‌ای و کار و دانش	هفتم (۱۳۸۷)
	۷۱۲	۳۱۵	۱۸		
۶۸-۸۶	۱۳۵۰۵	۵۵۵۰	۶۳۳	جمع کل	



۳. تدوین و نشر استانداردها و معیارهای تولید کتابهای آموزشی برای دوره‌های پیش‌دبستانی، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه‌ی نظری و پیش‌دانشگاهی، فنی و حرفه‌ای و کار دانش، و نیز اصول تصویرگری و کتاب‌های سنجش و ارزش‌یابی، تحت عنوان «مجموعه راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی» در ۳۱ شماره.

۴. معرفی کتاب‌های آموزشی مفید و مناسب در پایان کتاب‌های درسی برای مطالعه‌ی دانش‌آموزان.

۵. انتشار ۲۵ شماره فصل‌نامه‌ی «جوانه» با محتوای آموزشی، تحلیلی و پژوهشی، با هدف اطلاع‌رسانی و ارائه‌ی یافته‌های علمی و ایده‌های نو، تبادل نظر و تجربه بین صاحب‌نظران، نویسندگان، برنامه‌ریزان و ناشران در زمینه‌ی مباحث مربوط به اصول و معیارهای تولید کتاب‌های آموزشی مناسب.

۶ انتشار کتاب‌نامه‌های رشد، با هدف معرفی و ارائه‌ی فهرست

توصیفی کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با محتوای برنامه‌ی

آموزشی و درسی برای دانش‌آموزان و معلمان سراسر کشور. تاکنون ۳۰ شماره‌ی کتاب‌نامه‌ی

رشد به دوره‌های تحصیلی ابتدایی (۱۰ شماره)، راهنمایی (۸ شماره)، متوسطه‌ی نظری (۶ شماره)

و فنی و حرفه‌ای و کار دانش (۶ شماره) تهیه شده است.

۷. انتشار خبرنامه‌ی آینه، هم‌زمان با برگزاری هفت دوره‌ی جشنواره‌ی

رشد با هدف آگاه‌سازی مخاطبان از برنامه‌ها و فعالیت‌های جشنواره‌ی

کتاب‌های آموزشی رشد و گشودن مسیر مراد و ارتباط بهتر با

صاحب‌نظران، برای استفاده از خرد جمعی و لحاظ کردن انتظارات آن‌ها،

به منظور بهبود کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی.

۸. به روز رسانی بخش کتاب وبگاه اطلاع‌رسانی دفتر به آدرس

www.saman.ketab.ir، به منظور پیام‌رسانی به روز در ارتباط با

کتاب‌های آموزشی و ایجاد ارتباط بهتر و دوسویه با گروه‌های مخاطب و

نهادهای ذی‌نفع.

۹. تولید چهار لوح فشرده (CD) تحت عنوان «بانک اطلاعات کتاب‌های

آموزشی» با هدف معرفی توصیفی ۵۵۵۰ کتاب آموزشی مناسب در دوره‌های متفاوت تحصیلی

و همین‌طور، ارائه‌ی محتوای اسناد و نشریات تولید شده توسط دبیرخانه‌ی سامان بخشی کتاب‌های

آموزشی.

نتایج کلی اجرای طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی

اجرای طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی، با وجود برخی کاستی‌ها، پیامدهای مثبت فراوانی داشته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. روشن شدن آسیب‌ها، تنگناها و کاستی‌ها در حوزه‌ی تدوین کتاب‌های آموزشی، از جمله:

۱-۱. از بین کتاب‌های آموزشی که در طول ۱۵ سال اخیر وارد بازار شده‌اند، بیش از یک سوم

مناسب و تنها یک دهم آن‌ها از استانداردهای مطلوب آموزشی برخوردار بوده‌اند.



از بین
کتاب‌های آموزشی
که در طول ۱۵ سال اخیر
وارد بازار شده‌اند، بیش از
یک سوم مناسب و تنها یک
دهم آن‌ها از استانداردهای
مطلوب آموزشی
برخوردار بوده‌اند



۱-۲. بیش‌ترین کتاب‌های تولیدشده، در زمینه‌ی کتاب‌های کار و تمرین و تست‌های چند گزینه‌ای هستند. نظام نمره‌گرایی، وجود کنکور و اغراق‌آمیز جلوه دادن کنکور و قبولی در دانشگاه‌ها، عامل اصلی گرایش تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، به استفاده از این کتاب‌هاست. اغلب این کتاب‌ها، حتی اصول اولیه را در طرح سؤال رعایت نکرده‌اند، بلکه به عکس، محتوای کتاب‌های درسی را به سلسله‌ای پرسش و پاسخ‌های حفظی و فاقد خلاقیت تبدیل کرده‌اند. فقدان نوآوری و نیز نگاه سنتی، در این نوع از کتاب‌ها کاملاً مشهود است. محتوا و شیوه‌ی ارائه نیز مشابه است. در مواردی، ساختار برخی از این کتاب‌ها، از جمله کتاب‌هایی که در زمینه‌ی زبان‌آموزی تألیف شده‌اند، نزدیک به چهل سال است که هیچ‌گونه تغییری نکرده است.

۱-۳. در برخی از حوزه‌ها مانند علوم تجربی، اجتماعی و جغرافیا، غلبه با کتاب‌های ترجمه‌ای است. در ترجمه‌ی این کتاب‌ها، گاه از واژگانی استفاده شده است که با سطح سنتی فراگیرنده متناسب نیستند و گاه نیز کتاب‌ها به دلیل بومی نشدن عکس‌ها و تصویرها، و

ناسازگاری آن‌ها با ارزش‌ها و فرهنگ‌های بومی، جنبه‌ی بدآموزی نیز داشته‌اند.

۱-۴. کمبود کتاب آموزشی برای معلم و یا دانش‌آموز در برخی از حوزه‌ها مانند علوم اجتماعی، تربیت بدنی، جغرافیا، روان‌شناسی، زبان‌آموزی، ادبیات و آموزش فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست‌شناسی، عمران، کشاورزی، ساختمان و فنی و حرفه‌ای، کاملاً چشم‌گیر است. از سوی دیگر، با توجه به موضوعات مطرح در این حوزه‌ها، نبود تنوع نیز به میزان زیادی دیده می‌شود.

۱-۵. در برخی از کتاب‌های آموزشی، از زبانی نامناسب و دور از فهم دانش‌آموز استفاده شده است. در حالی که در کتاب‌های کمک آموزشی باید اثر نثری ساده، روان و مناسب با خزانه‌ی واژگان کودک استفاده شود.

۱-۶. پدید آوردن اثری خوب نیازمند صبر، حوصله و سرمایه‌گذاری بیشتری است، در حالی که به نظر می‌رسد، ناشران تحت تأثیر انگیزه‌های اقتصادی و بازگشت سریع و سود حاصل از آن، کتاب‌های کمک آموزشی با کیفیت پایین وارد بازار کرده‌اند و یا به ترجمه‌ی بیش از تألیف توجه داشته‌اند. حل این معضل مستلزم تعمق بیشتری است.

۱-۷. در تألیف برخی از کتاب‌های آموزشی از جمله آموزش زبان خارجی، وجود واژگان غلط، ترجمه‌ی نادرست و در مواردی غلط‌های دستوری، موجب شده است که از ارزش این نوع کتاب‌ها کاسته شود. از سوی دیگر، روش آموزش زبان خارجی نیز در این کتاب‌ها، در مقایسه با موارد مشابه آن در سایر کشورها، چندان مطلوب نیست. می‌توان پرسید «آیا چنین کتاب‌هایی نباید قبل از انتشار بازبینی شوند؟»

۱-۸. کمبود کتاب‌های کمک آموزشی در موضوعات متفاوت در حوزه‌های گوناگون یادگیری، از دیگر نارسایی‌هایی است که می‌توان به آن اشاره کرد. برای مثال، در حوزه‌ی جغرافیا، غلبه با

از جمله
کتاب‌هایی که در زمینه‌ی
زبان‌آموزی تألیف شده‌اند،
نزدیک به چهل سال است
که هیچ‌گونه تغییری نکرده
است

کتاب‌هایی است که عمدتاً با جغرافیای طبیعی سروکار دارند و از سایر حوزه‌ها مانند جغرافیای انسانی و سیاسی غفلت شده است. در حوزه‌ی تاریخ، کتاب‌های کمک آموزشی در تاریخ معاصر، کمتر از سایر دوره‌های تاریخی هستند. کمبود کتاب در حوزه‌های آموزش فیزیک، ریاضی، شیمی، زبان خارجی، اقتصاد، روان‌شناسی و یا فلسفه، به زبان ساده و قابل فهم برای عامه، کاملاً چشم‌گیر است. در بخش دینی، در زمینه‌ی اخلاق، اعتقادات و سیره، کمبود کتاب‌های کمک آموزشی مشاهده می‌شود. احتمالاً عدم آگاهی ناشران از حوزه‌های گوناگون و موضوع قبولی در کنکور، بسیاری از فعالیت‌ها، سرمایه‌ها و انرژی‌ها را به سمت خاصی سوق داده است.

۹-۱. درحوزه‌ی فنی و حرفه‌ای، کمبود کتاب‌های کمک آموزشی در زمینه‌ی عمران، کشاورزی، مدیریت خانواده، علوم بهداشتی، متالوژی، سرامیک، صنایع شیمیایی، معدن، صنایع نساجی، صنعت سیمان، نقشه‌برداری، جواهرسازی، ناوبری، مکانیک موتورهای دریایی، الکترونیک، مخابرات دریایی، مواد و شاخه‌ی ساختمان، از جمله مواردی است که نمی‌توان به راحتی از آن چشم پوشید. به ویژه آن‌که در برخی از حوزه‌ها، حتی یک کتاب کمک آموزشی نیز برای بررسی ارائه نشده است.

در بخش
دینی، در زمینه‌ی اخلاق،
اعتقادات و سیره، کمبود
کتاب‌های کمک آموزشی
مشاهده می‌شود

۱۰-۱. برخی از کتاب‌های کمک آموزشی به دلیل آن‌که قبل از چاپ از سوی یک یا تعدادی از افراد متخصص ویرایش علمی نشده‌اند، اشکالات علمی دارند. همین امر موجب شده است که از ارزش و اعتبار آن‌ها کاسته شود.

۱۱-۱. محتوای اکثر کتاب‌ها به پرورش و تقویت فکر، خلاقیت و ابتکار دانش‌آموزان منجر نمی‌شود.

۱۲-۱. در برخی از کتاب‌ها، علاوه بر فقدان انسجام، هماهنگی و ارتباط منطقی میان قسمت‌های متفاوت، اشتباه علمی و ادبی وجود دارد.

۱۳-۱. در بیشتر کتاب‌ها، رنگ‌ها، شکل‌ها، طرح‌ها و حتی بیان پرسش‌ها در برانگیختن ذوق و شوق خواننده مؤثر نیستند و یا با گروه سنی مورد نظر مطابقت ندارند.

۱۴-۱. در انتهای کتاب‌ها، فقدان فهرست منابع و مآخذ دیده می‌شود.

۱۵-۱. بومی نبودن برخی از تصاویر و استفاده از طرح‌ها و عکس‌های خارجی از جمله ضعف‌های این کتاب‌هاست.

۱۶-۱. شباهت بسیار زیاد آثار تولید شده به یکدیگر، به ویژه از نظر نوع ساختار، نحوه‌ی گزینش و سازمان‌دهی محتوا، موجب شده است که از تنوع روشی و محتوایی این کتاب‌ها کم شود.

۱۷-۱. امکان بهره‌گیری آسان از منابع تصویری ارزان و رایگان، سبب روی گردانی ناشران از هنرمندان علاقه‌مند به فعالیت در زمینه‌ی تصویرگری کتاب‌های کودک، و نزول وضعیت تصویری کتاب‌های آموزشی، به ویژه کتاب‌های کمک درسی شده است. این معضل در کتاب‌های آموزشی حوزه‌ی زبان و ادبیات فارسی چشم‌گیرتر است. برخی از آسیب‌های چنین رخدادی عبارت‌اند از:

الف) شباهت کتاب‌ها از نظر تصویرگری به یکدیگر؛

ب) فقدان ارتباط بین تصاویر و محتوای کتاب‌ها؛

ج) ناهم‌خوانی فرهنگی تصاویر؛

د) ناهم‌هنگی تصاویر یک نوع کتاب از نظر نوع تکنیک تصویری، کیفیت، جذابیت، نوع

رنگ‌آمیزی و ...؛

هـ) تولید محتوا بر اساس تصاویر موجود.

۱۸-۱. در اغلب کتاب‌ها بی‌توجهی به قواعد رسم‌الخط و اصول نشانه‌گذاری و نحوه نگارش مشاهده می‌شود.

از جمله ویژگی‌های مورد انتظار در رابطه با شیوه نگارش کتاب‌های آموزشی، توجه به ملاحظات زبانی، ذخیره‌ی واژگان و معانی در ذهن مخاطبان، به کارگیری اصول نشانه‌گذاری و برقراری ارتباط مؤثر و برانگیزنده است که متأسفانه در بسیاری از کتاب‌های مورد بررسی وجود دارد.

۱۹-۱. پایین بودن سهم تولید بومی (تألیف) در برابر موج بسیار قوی واردات (ترجمه)، به ویژه در حوزه‌ی علوم تجربی و حرفه و فن، از روند کند تولید علم در کشور حکایت دارد.

۲۰-۱. کمبود کتاب درحوزه‌ی نهادهای خدمت‌رسان، نظیر اورژانس، انجمن حمایت از معلولین، حمایت از بیماری‌های خاص کودکان، پلیس و ... چشم‌گیر است.

۲۱-۱. موازی کاری و تألیف کتاب‌هایی شبیه به یکدیگر توسط ناشران متفاوت، به اتلاف سرمایه‌ها در این عرصه انجامیده است.
۲۲-۱. به مسائل ایمنی و بهداشتی و زیست‌محیطی در کتاب‌های حرفه و فن توجه کافی نشده است.

۲. روشن شدن ضرورت استانداردهای کتاب‌های آموزشی و ضابطه‌مند شدن تولید این کتاب‌ها. نبود این ضابطه‌ها و کتاب‌های الگو در حوزه‌های گوناگون موجب آن شده است که تنها یک دهم از کتاب‌های موجود در بازار، به استانداردهای مورد نظر نزدیک باشند.

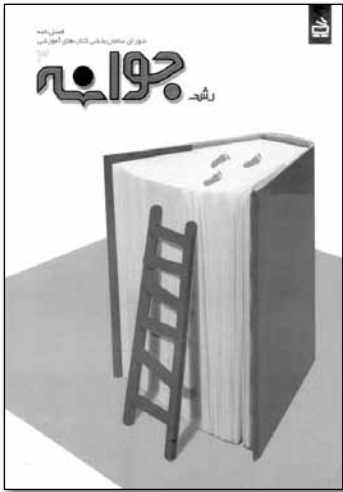
۳. شناسایی کتاب‌های آموزشی مطلوب برای معرفی به مدرسه‌ها، خانواده‌ها، دانش‌آموزان و حتی سایر ناشران. اگرچه برخی از ناشران در اظهارات و مصاحبه‌های خود، نگران ممیزی آثارشان از سوی سازمان پژوهش هستند، اما اکثر آن‌ها علاقه‌مندند که وزارت آموزش و پرورش ضوابط و استانداردهای کتاب‌های آموزشی را تدوین و در اختیار آن‌ها قرار دهد. برخی نیز علاقه‌مندی خود را به برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه‌ی استانداردهای تولید کتاب‌های آموزشی برای ناشران اظهار کرده‌اند.

۴. تولید سلسله‌ای از اسناد در خصوص ضوابط تولید کتاب‌های آموزشی، نشریات و کتاب‌نامه‌ها که مورد استقبال ناشران، مؤلفان و مدرسه‌ها قرار گرفته است. آن‌چه در خصوص ضوابط تدوین شده درباره‌ی تولید کتاب‌های آموزشی می‌توان اظهار داشت، جامع نبودن آن‌ها و نیز ناهماهنگی در ساختار آن‌هاست. به عبارت دیگر، صاحب‌نظران گاه سلیقه‌ای عمل کرده‌اند. با این حال، نباید از این نکته غافل بود که تولید این اسناد، به میزان زیادی به ایجاد و توسعه‌ی ادبیات لازم برای ضابطه‌مند کردن کتاب‌های آموزشی و تا حدی روشن شدن ابهامات در خصوص تعریف کتاب‌های آموزشی، هدف‌ها و ویژگی‌های انواع آن‌ها کمک کرد؛ اگرچه هنوز تا رسیدن به اهداف مورد نظر راهی طولانی در پیش داریم. از فرایند برگزاری جشنواره‌های رشد در هر سال، ارزش‌یابی جامعی صورت گرفته است، به طوری که نتایج آن به صورت گزارش‌های جداگانه از سوی **دفتر انتشارات کمک آموزشی** منتشر شده است. مهم‌ترین نتایج این نظرسنجی‌ها به قرار زیر بوده است:

■ به طور میانگین، ۷۵ درصد از پاسخ‌گویان، برگزاری این جشنواره‌ها را در سطح خوب و خیلی خوب ارزیابی کردند و برگزاری آن را برای رسیدن به مقاصد مورد نظر موفق دانستند.

■ روشن شدن استانداردهای تألیف کتاب‌های آموزشی و ضابطه‌مند شدن تولید این کتاب‌ها

موازی کاری و
تألیف کتاب‌هایی شبیه
به یکدیگر توسط ناشران
متفاوت، به اتلاف سرمایه‌ها
در این عرصه انجامیده
است



یک ضرورت است و موجب ارتقای کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی، و هماهنگ شدن فعالیت‌های پراکنده در حوزه‌ی تدوین و نشر کتاب‌های آموزشی شده است.

راهکارها و توصیه‌های راهبردی

برنامه‌ی درسی مدرن را باید هم‌چون سامانه‌ای دانست که اجزای متعددی دارد. کتاب‌های درسی، کمک آموزشی و کمک درسی، مجلات، فیلم‌های آموزشی، نرم‌افزارها، برنامه‌های تلویزیونی، فضاهای آموزشی (مانند موزه‌ها، مسجدها و کتاب‌خانه‌ها) و اینترنت، اجزای این سامانه هستند. این سامانه زمانی می‌تواند به هدف‌های خود دست یابد که اجزا با یکدیگر هماهنگ باشند. از آن‌جا که مواد آموزشی توسط بخش‌های متعددی تولید می‌شوند، ضرورت هماهنگی بین نهادهای تولیدکننده و یا نظارت‌کننده، نظیر سازمان پژوهش، ناشران بخش خصوصی و وزارت ارشاد، کاملاً احساس می‌شود.

اکنون این پرسش مطرح است که: «با توجه به نارسایی‌های ذکر شده، چه راهکارهایی از سوی این بخش‌ها برای نیل به هدف‌های آموزشی باید اتخاذ شود؟»

به منظور نیل به مقاصد طرح سامان‌بخشی و نظر به این‌که بخش عمده‌ای از کتاب‌های آموزشی بدون توجه به نیازهای مخاطبان و صرفاً متأثر از شرایط بازار و نیاز داوطلبان برای ورود به دانشگاه و یا قبولی در امتحانات منتشر شده‌اند، در بدو امر توجه به نکات زیر به سازمان پژوهش، ناشران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توصیه می‌شود:

الف) توصیه به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

۱. در خصوص نیازها و علاقه‌های فراگیرندگان، هدف‌های برنامه‌های درسی، موضوعات متفاوت دانش، نیازهای حال و آینده‌ی جامعه، و نیازهای منطقه‌ای و بومی، پژوهش جامعی با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان، آموزگاران، نهادها و مؤسسات و دانش‌آموزان صورت گیرد. بی‌توجهی به نیازها و خواسته‌های دانش‌آموزان، حاصلی جز کاشتن خلاقیت و استعداد آن‌ها ندارد. از آن‌جا که ناشران بخش خصوصی می‌توانند از حاصل این نوع پژوهش‌ها استفاده کنند، می‌توان هزینه‌های آن را به صورت بین بخشی پیش‌بینی کرد، اما اجرای آن را به سازمان پژوهش سپرد.

۲. تدوین استانداردها و ضوابط لازم در تولید کتاب‌های آموزشی ضرورت دارد. لازم است نحوه‌ی مشارکت بخش خصوصی در این کار نیز مشخص شود.

۳. در خصوص شناخت آسیب‌ها، تنگناها و کاستی‌های کتاب‌های آموزشی موجود در بازار، پژوهشی جامع‌تر صورت گیرد. این پژوهش را می‌توان با پژوهش نخست تلفیق کرد.

۴. تداوم طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و جشنواره‌های کیفیت‌بخشی کتاب‌های آموزشی، مستلزم نظارت، ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های مالی است. شایسته است که در برنامه‌های پنج‌ساله‌ی سازمان پژوهش، پیش‌بینی‌های لازم صورت گیرد.

پایین
بودن سهم تولید
بومی (تألیف) در برابر موج
بسیار قوی واردات (ترجمه)
به ویژه در حوزه‌ی علوم
تجربی و حرفه و فن، از روند
کند تولید علم در کشور
حکایت دارد

۵. برای ناشران، در زمینه‌ی تولید کتاب‌های آموزشی مناسب، کارگاه آموزشی برگزار شود. ناشران شرکت کننده در جشنواره، ضمن پذیرش مشکلات و آگاهی از نارسایی‌ها، برای غلبه بر مشکلات، درخواست رهنمود و راه‌حل داشتند. تولید استانداردها در زمینه‌ی کتاب‌های آموزشی و نیز برگزاری کارگاه آموزشی از سوی سازمان پژوهش، گام مثبتی برای حل این مشکل خواهد بود.

۶. تولید «کتاب‌نامه‌ی رشد» و نشریه‌ی رشد جوانه (نشریه‌ی دبیرخانه‌ی شورای سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی) تداوم یابد.

۷. کتاب‌های کمک آموزشی و کمک درسی نمونه و مناسب، به تفکیک رشته‌ها و پایه‌های تحصیلی تولید شوند. تولید کتاب‌های کمک آموزشی و درسی نمونه، گام ارزشمندی در زمینه‌ی جهت‌دهی به ناشران خواهد بود. نظر به این‌که آن سازمان داعیه‌ی سامان‌بخشی به وضعیت آشفته‌ی کتاب‌های آموزشی را دارد، شایسته است که از طریق تولید کتاب‌های نمونه، به هدایت و جهت‌دهی ناشران کمک کند.

۸. برنامه‌ی درسی ملی و راهنماهای جامع برنامه‌های درسی، با نگاهی به تحولات آینده و نیازهای رو به تغییر نظام اجتماعی و فرهنگی تهیه و تدوین شوند. چنان‌چه این امر که ضرورتی انکارناپذیر دارد، تحقق یابد، نقش هریک از دست‌اندرکاران، اعم از بخش‌های دولتی و غیر دولتی، در پیشبرد هدف‌های متعالی نظام آموزشی کشورمان مشخص خواهد شد.

۹. به منظور تنویر افکار عمومی در تهیه و تولید کتاب‌های آموزشی مناسب، از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار، صدا و سیما و سایت‌های اینترنتی مربوط، اطلاع‌رسانی صورت گیرد.

۱۰. سازمان پژوهش به سمت مدیریت بر تولید مواد آموزشی، به جای تصدی‌گری، حرکت کند.

۱۱. بین سازمان پژوهش و سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌ها، ارتباط مستمر و تشکیلاتی برقرار شود.

۱۲. به رایزنی با سازمان سنجش آموزش کشور، به منظور ایجاد تغییر در شیوه‌ی اجرای آزمون کنکور، با توجه به هدف‌ها و مقاصد برنامه‌های درسی، پردازد.

۱۳. لازم است فرهنگ استاندارد سازی تولید کتاب‌های آموزشی را در حوزه‌های داخلی و خارجی نظام آموزش و پرورش، تبیین و ترویج کرد.

۱۴. در مدرسه‌ها، استاندارد تعداد کتاب آموزشی برای هر دانش‌آموز تعیین شود. این استاندارد برای کشوری مانند ژاپن در حدود ۱۲/۸ جلد کتاب برای هر دانش‌آموز است، در حالی که برای مدرسه‌های ما بسیار پایین است. در ایران، در مدرسه‌های ابتدایی ۰/۹۸ جلد کتاب، در مدرسه‌های راهنمایی ۱/۵ جلد کتاب و در مدرسه‌های متوسطه ۲/۲۴ جلد کتاب برای هر دانش‌آموز وجود دارد. با نگاهی به داده‌های فوق که از کل ۹۲ هزار مدرسه در سراسر کشور استنتاج شده است، در می‌یابیم که نیازمند سرمایه‌گذاری، صرف انرژی و بودجه و برنامه‌ریزی گسترده هستیم.

۱۵. کتاب‌خانه‌های آموزشی نیز در صورتی که جایگاه خود را در نظام آموزشی بیابند، تحول عظیمی به وجود خواهند آورد. بدین مفهوم که از نظر فیزیکی، مدرسه‌ها باید کتاب‌خانه‌هایی با کتاب‌داران آموزش دیده یا متخصص و با کتاب‌های مناسب داشته باشند. از نظر برنامه‌ی درسی نیز، باید در طول سال تحصیلی و تعطیلات تابستانی، برای تمام پایه‌های درسی برنامه‌های

لازم است
فرهنگ استاندارد سازی
تولید کتاب‌های آموزشی را
در حوزه‌های داخلی و خارجی
نظام آموزش و پرورش
تبیین و ترویج کرد

مطالعاتی پیش‌بینی شود. طرح درس معلمان باید به گونه‌ای باشد که تدریس، پرسش‌های کلاسی، فعالیت‌های درسی و ارزش‌یابی‌ها، بر مبنای کتاب‌های درسی و آموزشی باشند و کتابخانه‌ی آموزشگاه از عناصر اساسی تدریس تلقی شود؛ به گونه‌ای که اگر از نظام آموزشی حذف شوند، آموزش نتواند راه خود را ادامه دهد. برنامه‌های درسی نیز باید به گونه‌ای طراحی شوند که فعالیت‌ها، پرسش‌ها و محتوایشان موجب فعالیت ذهنی، کنجکاوی و سوق یافتن دانش‌آموزان به خارج از کلاس درس، کتابخانه و آزمایشگاه شوند. علاوه بر این، درج سیاهه‌ی کتاب‌های مناسب در پایان هر بخش و اختصاص درس‌هایی در زمینه‌ی مطالعه، می‌تواند مؤثر باشد.

۱۶. بانک اطلاعاتی ایجاد شود و در آن، کتاب‌های مناسب به تفکیک موضوعات درسی و پایه‌های تحصیلی معرفی شوند. این کار، علاوه بر باز گذاشتن دست معلمان، موجب رونق بازار نشر و جهت دادن به انتشار کتاب‌های آموزشی مناسب می‌شود.

ب) توصیه به ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی

۱. در تولید کتاب‌های آموزشی، استانداردهای آموزشی به ویژه در بعد نیاز مخاطب، توانایی مخاطب، اعتبار علمی، توجه به خلاقیت و نوآوری، سودمندی، کمک به تعمیق یادگیری، استفاده از زبان قابل فهم، تناسب با فهم مخاطبان، توجه به ترویج روش‌های فعال، ارتباط با هدف‌های برنامه‌های درسی، و توجه به بعد هنری و چاپ، رعایت شوند.

۲. در تألیف کتاب‌های آموزشی، از زبان متناسب با سن کودکان، نوجوانان و معلمان استفاده شود. کتاب‌های کودکان غالباً توسط بزرگسالانی نوشته می‌شوند که در آن‌ها، ابعاد زبانی فقط قدری کوچک‌تر شده‌اند و تصور مؤلفان بر این است که آن‌ها را به زبان بچه‌ها نوشته‌اند؛ در حالی که این گونه نیست. کسی می‌تواند برای بچه‌ها بنویسد که به کودکی خویش برگردد و کودکی و نوجوانی خود را بشناسد و نیازهای مخاطب خود را بیابد. در انتقال تجربه با رخدادها و وقایع به کودکان، نباید از بالا به پایین نگاه کرد، بلکه مؤلف باید سطح زبان خود را زیرکانه، تا حد فهم مخاطب پایین بیاورد. هم‌چنین در نوشتن باید از زبانی استفاده کرد که آهنگ، حرکت و شتاب داشته باشد و به دنیای واقعی نزدیک‌تر باشد.

۳. گروه‌های کارشناسی و تألیف کتاب‌های آموزشی را تقویت شوند.

۴. شمارگان کتاب‌های آموزشی افزایش یابد. در حال حاضر، شمارگان یک کتاب آموزشی در کشور ما به طور متوسط در حدود سه هزار جلد است. این رقم با توجه به جمعیت دانش‌آموزی ما بسیار مایوس‌کننده است؛ به خصوص این که بخش کثیری از جمعیت با سواد ما را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند. کم بودن شمارگان کتاب، پیامدهای متعددی دارد، از جمله: خطر اقتصادی نبودن تولید کتاب‌های آموزشی. سود نبردن کافی از انتشار کتاب نیز موجب کشانده شدن سرمایه‌های فکری و فرهنگی به سوی حرفه‌های دیگر و در نتیجه، فقدان نویسندگان حرفه‌ای می‌شود.

۵. از پرداختن اغراق‌آمیز به آزمون کنکور سراسری پرهیز شود. مسئله‌ی کنکور بدون شک همه‌ی برنامه‌ریزی‌های انسانی و اجتماعی آموزش و پرورش را خنثی می‌کند.

۶. از شتاب‌زدگی در چاپ کتاب‌هایی که تلاش می‌شود، هم‌زمان با کتاب درسی به بازار بیایند، اجتناب شود. این گونه کتاب‌ها غالباً نقش حل‌المسائل را ایفا می‌کنند.

برای ناشران، در
زمینه‌ی تولید کتاب‌های
آموزشی مناسب، کارگاه
آموزشی برگزار شود

۷. کتاب‌هایی که از ابتدا تا پایان یکسان و فاقد تنوع هستند، مخاطب را خسته می‌کند. کوشش برای کاهش هزینه‌های آماده‌سازی موجب چاپ کتاب‌هایی شده است که فشردگی زیاد، خط بسیار ریز، فضای سفیدخوانی اندکی دارند. این امر به افزایش بی‌علاقگی و بی‌زاری خواننده می‌انجامد.

۸. تنوع بخشیدن به تولید کتاب‌های آموزشی از طریق تولید کتاب‌های یکنواخت با نام‌های متعدد از جانب ناشران متفاوت، نشانه‌ی پیشرفت و گستردگی حوزه‌ی عمل نیست، بلکه موجب هدر رفتن سرمایه‌ی ملی و نیروی انسانی می‌شود. فقدان تنوع در آثار تولیدی، هم به لحاظ موضوعی و هم از نظر سازمان محتوا، و دنباله‌روی کتاب‌های آموزشی از سطر به سطر کتاب درسی و تبدیل هر سطر آن به تست‌های چهار جوابی، چیزی جز نوعی انحراف در تولید کتاب‌های آموزشی نیست. این جریان زنگ خطر بسیار بزرگی است که ناشران محترم باید به آن توجه کنند. **بهره‌گیری از مطالب مناسب برای رفع خستگی دانش‌آموز، از جمله مطالب فکاهی، لطیفه، سخنان بزرگان، ضرب‌المثل و غیره، به بالا رفتن جذابیت کتاب‌های آموزشی منجر خواهد شد.**

۹. در اکثر کتاب‌ها، تولید دانش کمتر مورد توجه قرار گرفته و بیشتر انتقال دانش مورد نظر بوده است.

۱۰. به ارتباط محتوا با اهداف برنامه‌ی درسی باید توجه شود. عدم آگاهی برخی از تولیدکنندگان به هدف‌های کلی و سرفصل‌های مصوب برنامه‌ی درسی، به ویژه هدف‌های نگرشی و مهارتی، موجب شده است که کتاب‌های آموزشی، به لحاظ ارتباط با برنامه‌ی درسی یا پشتیبانی از آن، در حد متوسط به پایین ارزیابی شوند.

۱۱. کمبود کتاب‌های ویژه‌ی معلم کاملاً مشهود است. این نقص را، هم در حوزه‌ی کتاب‌های دانش‌افزایی و هم در روش‌ها و مهارت‌های تدریس، می‌توان مشاهده کرد.

۱۲. کمبود تصویر و نمودار در کتاب‌های آموزشی، به دلیل نگرانی ناشران از افزایش هزینه‌ها، موجب شده است که از کیفیت این‌گونه کتاب‌ها کاسته شود.

۱۳. توجه به مسائل ویرایشی (به لحاظ علمی یا دستوری) یک الزام است و شایسته است این موضوع مورد توجه معلمان نیز قرار گیرد.

۱۴. به تازه‌ترین پژوهش‌های علمی و ذکر دقیق منابع و مأخذ به کار رفته و رعایت امانت‌داری در نقل مطالب توجه شود.

۱۵. به تألیف در برابر ترجمه اولویت داده شود. توجه به این نکته، به روند بومی‌سازی دانش کمک خواهد کرد.

۱۶. در به کارگیری روش علمی در حل‌المسائل محیطی، اجتماعی روانی، کوشش‌های دانشمندان ایران و جهان، و پرورش قدرت تفکر مد نظر قرار گیرد.

۱۷. اهتمام در نشر کتاب‌هایی که نیاز حرفه‌ای هنرآموزان رشته‌های فنی و حرفه‌ای را تأمین کنند، ضرورت دارد.

۱۸. حق مالکیت معنوی و حقوق کپی‌رایت برای مؤلفان شمرده شود. این موضوع مانع کپی‌برداری‌های ناشایسته از اثرهای خارجی می‌شود و راه برای نوآوری در نگارش و تصویرگری کتاب و شکوفایی استعداد هموار می‌سازد.

در حال حاضر
شمارگان یک کتاب آموزشی
در کشور ما به طور متوسط در
حدود سه هزار جلد است. این رقم
با توجه به جمعیت دانش‌آموزی
ما بسیار مایوس‌کننده است



۱۹. به آموزش مفاهیم و کاربردها، با هدف درک بهتر از موضوع در کتاب‌هایی که به ارزش‌یابی از آموخته‌های فراگیرندگان و آماده کردن دانش‌آموزان برای آزمون سراسری می‌پردازند، توجه شود.

۲۰. برای بهبود کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی، پدیدآورندگان محترم قبل از تولید، اهداف، معیارها و استانداردهای تعیین‌شده در مجموعه راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی را که توسط «دفتر انتشارات کمک آموزشی» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) به چاپ رسیده‌اند و در وب‌سایت دفتر در دست‌رس است، مطالعه کنند.

۲۱. برای ارتقای کیفی آثار ترجمه‌ای، لازم است بومی کردن مثال‌ها و تصویرها، پیام نهفته در واژگان و تصویرها، سطح درک و فهم فراگیرندگان، ویرایش علمی و محتوای آن‌ها، و ارزش‌های فرهنگی ملی و مذهبی مورد توجه قرار گیرند.

۲۲. نظر به اهمیت ارتباط «زبان» و «اندیشه و تفکر»، و نقش کلیدی زبان در فهم سایر علوم و فرایند یاددهی - یادگیری، ناشران محترم به رعایت زبان معیار و قواعد رسم‌الخط و ویرایش کتاب‌ها توسط اهل فن و ادب، توجه خاص مبذول دارند.

۲۳. به منظور رعایت عنصر زیباشناختی و سواد بصری در انتشار کتاب‌های آموزشی، تأکید بر استفاده از شیوه‌های مدرن در تصویرگری، گرافیک و صفحه‌آرایی آثار، متناسب با نیازهای فرهنگی و تربیتی مخاطب، ضرورت دارد.

۲۴. به هویت اسلامی و ملی این مرز و بوم که جایگاه ویژه‌ای در گروه کتاب‌های دانش‌افزایی دانش‌آموزان در علوم گوناگون دارد، هرچه بیشتر توجه شود.

۲۵. ناشران محترم، از آثار علمی و اخلاقی که با روش خلاق، آموزه‌های دینی را به شیوه‌ای جذاب غیر مستقیم به مخاطب انتقال می‌دهند، حمایت کنند.

۲۶. برای تولید کتاب‌های آموزشی که به پرورش و تقویت روحیه‌ی علمی و فناوریانه، مسئله‌یابی و حل مسئله، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، مشاهده، انجام آزمایش، نتیجه‌گیری و نیز تقویت مهارت‌های تجربی و عملی، مهارت‌های اجتماعی و گروهی، طراحی و ساخت و ... بین مخاطبان می‌پردازند، برنامه‌ریزی شود.

۲۷. نیازهای مخاطبان در تولید کتاب‌های آموزشی منظور شوند. برای مثال، **حدادی** در پژوهش خود تحت عنوان «شناسایی نیازهای دانش‌آموزان دوره‌ی تحصیلی ابتدایی به کتاب‌های آموزشی غیر درسی» که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ به سفارش مؤسسه‌ی پژوهشی برنامه‌ی درسی و نوآوری آموزشی به انجام رساند، به نتایج زیر دست یافت:

۱. در پایه‌ی ابتدایی، نیاز دانش‌آموزان به کتاب‌های آموزشی غیر درسی به ترتیب اولویت به شرح زیر است:

■ **پایه‌ی اول:** کتاب‌های داستانی، کمک درسی ریاضی، کمک درسی فارسی، کمک درسی

از شتاب‌زدگی
در چاپ کتاب‌هایی که
تلاش می‌شود، هم‌زمان با
کتاب درسی به بازار بیایند
اجتناب شود. این‌گونه کتاب‌ها
غالباً نقش حل‌المسائل را
ایفا می‌کنند

علوم، با موضوعات دینی و با موضوعات علمی.

■ **پایه دوم:** کتاب‌های داستانی، کمک درسی ریاضی، با موضوعات دینی، کمک درسی علوم، کمک درسی فارسی، کمک درسی هدیه‌های آسمانی و با موضوعات علمی.

■ **پایه سوم:** کتاب‌های داستانی، کمک درسی ریاضی، با موضوعات دینی، کمک درسی فارسی، با موضوعات علمی، کمک درسی علوم، کمک درسی هدیه‌های آسمانی و کمک درسی اجتماعی.

■ **پایه چهارم:** کتاب‌های فعالیت و کار و تمرین ریاضی، مطالب تاریخی، کمک درسی فعالیت و کار و تمرین درس علوم، اطلاعات علمی، فعالیت و کار و تمرین در درس تاریخ و جغرافیه، رمان و داستان‌های تخیلی، فعالیت و کار و تمرین درس مدنی، فارسی، هدیه‌های آسمانی، سلامت جسمانی، مسائل فرهنگی و مطالب هنری.

■ **پایه پنجم:** کتاب‌های فعالیت و کار و تمرین درس ریاضی، داستانی و رمان، کمک درسی، فعالیت و کار در درس علوم، موضوعات و مطالب تاریخی، فعالیت و کار در درس تاریخ، جغرافیه، اجتماعی، مطالب هنری، فعالیت و کار و تمرین درس فارسی، هدیه‌های آسمانی، داستان‌های پلیسی، و سلامت و بهداشت جسمانی.

۲. بین نیازهای دانش‌آموزان دختر و پسر در پنج پایه‌ی تحصیلی دوره‌ی ابتدایی به کتاب‌های کمک درسی علوم، ریاضی، فارسی، اطلاعات علمی، تعلیمات دینی، رمان و داستان‌های بلند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد که در این زمینه‌ها، نیازهای دانش‌آموزان دختر بیش از پسران است.

۳. بین نیازهای دانش‌آموزان پنج پایه‌ی تحصیل دوره‌ی ابتدایی به کتاب‌های کمک درسی علوم، ریاضی، اطلاعات علمی، رمان و داستان‌های بلند تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در این زمینه، نیازهای دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم از سایر پایه‌ها بیشتر است.

۴. بین نیاز دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی به کتاب‌های کمک آموزشی غیر درسی (درس‌های فارسی و دینی، مطالب تاریخی، و رمان و داستان‌های تاریخی) با معدل درسی آن‌ها، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

جامعه‌ی این پژوهش، معلمان و دانش‌آموزان پایه‌ی اول تا پنجم دوره‌ی تحصیلی ابتدایی در مناطق و نواحی ۲۹ گانه‌ی سازمان آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران بود. حجم نمونه‌ی معلمان در این مطالعه، ۳۸۴ نفر و حجم دانش‌آموزان ۳۸۴ نفر در هر پایه در نظر گرفته شده بود.

ج) توصیه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱. بر کار انتشار کتاب‌های آموزشی، برای حصول اطمینان از انطباق آن با ضوابط و معیارهای مصوب از سوی وزارت آموزش و پرورش نظارت شود.
۲. به منظور تعیین سیاست‌ها و راهبردها، تدوین برنامه‌ها و انجام ارزیابی، پایگاه آماری و اطلاعاتی جامعی در رابطه با وضعیت تولید کتاب‌های آموزشی در کشور راه‌اندازی و از آن بهره‌برداری شود.
۳. فهرست یا شناس‌نامه‌ی کتاب‌های آموزشی «فیبا»، استانداردسازی و مشخصات کلی مخاطب، نوع کتاب و حوزه‌ی آموزشی مرتبط در آن درج شود.
۴. تدوین سیاست‌ها و راهبردهای ملی تولید کتاب‌های آموزشی مد نظر قرار گیرد. با توجه

با توجه به

این که در حال حاضر ۶۳۰
شهر در سراسر کشور داریم
تعداد زیادی از دانش‌آموزان ما
از دسترسی به کتابخانه‌های
مخصوص خود محروم‌اند



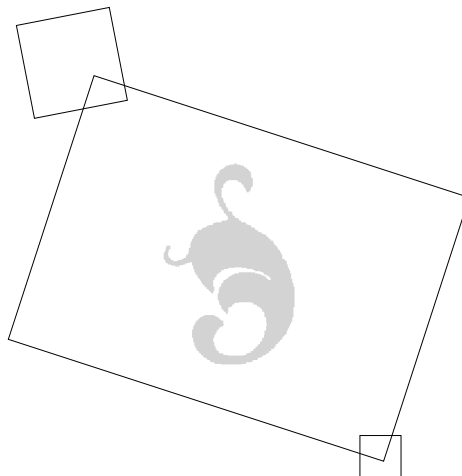


به این که در حال حاضر توزیع منابع و اعتبارات، لزوماً مبتنی بر آینده‌نگری و در جهت نیل به هدف‌های ملی نظام آموزشی نیست، بازنگری در این سیاست‌ها و راهبردها ضروری به نظر نمی‌رسد.

۵. در سامانه‌ی تولید کتاب‌های آموزشی، انسجام، همکاری و هماهنگی درونی ایجاد شود؛ به گونه‌ای که مأموریت دستگاه‌های فرهنگی دولتی و غیر دولتی کشور، شامل آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ناشران خصوصی و ... به درستی تعیین و تفکیک شده باشد.

۶. همایش‌هایی نظیر «نمایشگاه بین‌المللی» در زمینه‌ی تولید کتاب‌های کمک آموزشی بر پا شوند. این کار یکی از بهترین راهکارهایی است که دانش‌آموزان را با انواع کتاب‌های آموزشی آشنا می‌کند و می‌تواند انگیزه‌ی آنان را در یادگیری افزایش دهد. با وجود سیل مشتاق کودک و نوجوان در نمایشگاه کتاب نهم، تنها ۱۵/۳ درصد کتاب‌ها به آنان اختصاص داشت که این رقم بسیار ناچیز است و اگر کیفیت کتاب‌ها را در نظر بگیریم، پایین‌تر هم خواهد بود و نخواهد توانست جواب‌گوی علاقه‌های دانش‌آموزان کشور باشد.

۷. با توجه به ضعف کتابخانه‌های آموزشی و حضور کم‌رنگ بخش دانش‌آموزی در کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های دانش‌آموزی که امکانی برای دستیابی به منابع یادگیری هستند، گسترش یابند. در حال حاضر، حدود ۳۰۱ کتابخانه‌ی ثابت شهری، پنج کتابخانه‌ی سیار شهری، ۴۵ کتابخانه‌ی پستی و ۱۵ کتابخانه‌ی سیار روستایی به کودکان و نوجوانان اختصاص دارند که در مجموع، تعدادشان به ۳۶۶ واحد می‌رسد. با توجه به این که در حال حاضر ۶۳۰ شهر در سراسر کشور داریم، تعداد زیادی از دانش‌آموزان ما از دسترسی به کتابخانه‌های مخصوص خود محروم‌اند.





آسیب شناسی طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی

«اولین میزگرد هیئت تحریریه فصل نامه‌ی جوانه‌ی رشد»

محمد حسین معتمدراد

اشاره

گرچه در طول یک دهه‌ای که از عمر جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد می‌گذرد، کارشناسان طرح سامان بخشی، بارها به ارزیابی کم و کیف برگزاری جشنواره، و ضعف و قوت‌های آن دست زده‌اند، لیکن میزگردی که شرح گفت‌وگوهای آن در ادامه از نظرتان می‌گذرد، جلسه‌ی کارشناسانی است که هیئت تحریریه‌ی فصل نامه‌ی جوانه‌ی رشد برگزار نموده و در آن انتقاداتی جدی به طرز برگزاری جشنواره دارند و امید می‌رود، تحت‌تأثیر اصلاحات ناشی از همین انتقادات، در سال‌های آینده جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد به بهترین نحو برگزار شود. از آن جا که هر یک از اعضای هیئت تحریریه‌ی مجله‌ی رشد جوانه صاحب تخصص در امور مختلف مربوط به تولید کتب درسی، کمک درسی و کمک آموزشی هستند تصمیم گرفته شد یکی از جلسات هیئت تحریریه به صورت میزگرد با هدف بررسی و آسیب شناسی طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی تشکیل گردد. همکاران محترم که در این جلسه حضور داشتند، عبارت‌اند از:

خسرو داودی، کارشناس آموزش ریاضی

جمال‌الدین اکرمی، کارشناس امور هنری

دکتر محمود معافی، عضو کارگروه تدوین برنامه‌ی درسی ملی

داود نجف‌زاده، کارشناس دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

علاء نوری، کارشناس آموزشی

محمود سالک، مؤلف و مترجم

محمد حسین معتمدراد، کارشناس کتاب‌های آموزشی

۱۳۹۱/۲۶/۲۷

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۲۰

داودی: هدف این نشست و میزگرد عبارت است از، بررسی وضعیت جشنواره در ابعاد مختلف، از داوری و انتخاب کتاب‌ها گرفته تا نحوه‌ی اجرای کار جشنواره. در نهایت هم یک سری سلسله پیشنهاد و توصیه خواهیم داشت برای مسئولان جشنواره‌هایی که در آینده قرار است برگزار شوند.

اکرمی: من در مورد این موضوع خیلی فکر کرده‌ام. این طور به نظر می‌رسد که طرح موضوع در یک مقاله، مسئله را خیلی جزئی بیان می‌کند و بازدهی چندانی هم ندارد. تا کنون هفت دوره جشنواره برگزار شده است و از روز اول، خیلی حساب‌شده جلو رفته‌اند. منتها در خیلی جاها خلأهای خاصی وجود دارند که به نظر من، در کار ارزش‌یابی محسوس است؛ در گروه‌بندی داوران، در کارشناسی‌ها و مسائل دیگر.

من پیشنهاد می‌کنم که ببینیم برای آسیب‌شناسی و تشخیص خلأهایی که در اجرای طرح سامان‌بخشی می‌بینیم پروژه‌ای تعریف و مشکلات آن را فهرست کنیم. به این منظور لازم است که قراردادی با مجموعه بسته شود، چون اگر این موضوع در حد یک مقاله مطرح شود، ضمانت اجرایی ندارد و آسیب‌ها کنار زده نمی‌شوند. به نظر من، مقاله جایی به چاپ می‌رسد و بعد هم فراموش می‌شود.

بہتر است این کار را به صورت یک پروژه تعریف کنیم. برایش هدف بگذاریم و هزینه کنیم. بیان موضوع در قالب یک مقاله که در «رشد جوانه» و شاید یکی دو جای دیگر به چاپ برسد، کافی نیست. من معتقدم که در گفت‌وگوها، از خرد جمعی استفاده کنیم. اصلاً موضوع را چند بُعدی ببینیم و هر کس انجام بخشی از پروژه را تقبل کند. با توجه به توانایی‌ها تقسیم کار شود و محورهای گفت‌وگوها را هم مشخص کنیم. من تقریباً شش هفت مورد را درآورده‌ام که اگر مورد توافق بود، حداقل آن‌ها را مطرح کنیم.

داودی: خیلی ممنون. من فکر می‌کنم بهتر است قدم به قدم جلو برویم. مثلاً بخشی از فرصتمان را به بحث درمورد این پرسش اختصاص دهیم که: آیا روند کار اجرایی جشنواره، از وصول کتاب تا آماده شدن آن برای داوری، روند مطلوبی است؟ این را می‌شود یک بخش دانست. بخش داوری و اعلام نتایج هم بخش دیگری می‌شود و اتفاقات بعد از جشنواره بخش دیگری. اگر موافقت، روی این زمان‌بندی گام به گام برویم. در بحث اولمان به بخش اجرایی بپردازیم؛ یعنی از وصول کتاب تا آماده کردن آن برای داوری جشنواره. آیا در این روند مشکلی احساس می‌شود؟ اگر حرفی، پیشنهادی، توصیه‌ای هست، بفرمایید و هر کس نظر خودش را بگوید تا بعد برویم سراغ بخش بعدی.

نوری: در مورد وصول کتاب‌ها چند نکته‌ی مهم وجود دارد. یکی این که جشنواره می‌خواهد کتاب‌های چاپ اول را بررسی کند؛ آن هم در ظرف زمانی برگزاری جشنواره. شاید لازم باشد بررسی کنیم و ببینیم، چه سهمی از کتاب‌هایی که وارد جشنواره می‌شوند، چاپ اول هستند. اگر تعداد زیادی از کتاب‌ها در فرایند کار جشنواره قرار نمی‌گیرند، ببینیم چرا و فکری بکنیم که این کتاب‌ها بیشتر در فرایند کار جشنواره قرار بگیرند. یعنی ضروری است که مطمئن شویم، تمام



اکرمی

کتاب‌های چاپ اول دوره‌ی زمانی جشنواره، وارد چرخه‌ی بررسی شده‌اند. نکته‌ی دوم که در واقع مرحله‌ی اول بررسی محسوب می‌شود، این است که ببینیم ملاک‌های بررسی کدام‌اند. از ۱۱ سال پیش که جشنواره کار خود را شروع کرده تا حالا، چه روندی طی شده است؟ چگونه این کتاب‌ها انتخاب شده‌اند و چه کسانی با چه ویژگی‌هایی آن‌ها را انتخاب کرده‌اند؟ آیا ملاک‌های مشخصی داشته‌اند؟ احتمال دارد که ملاک‌های آن‌ها در طول این دوره‌ی ده ساله تغییر کرده باشد. اگر تغییر داشته، چرا و چگونه بوده است؟ نکاتی هم بود که فکر کردم اگر آماری وجود داشته باشد، به مرور می‌شود به صورت مقاله‌های اطلاع‌رسانی درباره‌ی وضعیت جشنواره، در جوانه چاپ کرد.

از طرف دیگر، خود داورانی که کار بررسی را انجام می‌دهند، با چه ملاک‌هایی انتخاب می‌شوند؟ به نظر می‌رسد که معمولاً از متخصصان و کارشناسانی که در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی کار می‌کنند، استفاده می‌شود. آیا این ملاک کافی است؟ خود آن متخصصان که در حوزه‌ی درسی کار می‌کنند، برای این داوری هیچ نیروی دیگری نیاز ندارند؟ آیا فقط توجه به برنامه‌ی درسی کافی است؟

عین همین سؤال‌ها برای مرحله‌ی بعدی مطرح است. یعنی از همان سال ۷۹ تا حالا، با چه ملاک‌هایی کتاب‌ها برگزیده شده‌اند یا مورد تقدیر قرار گرفته‌اند؟ این انتخاب‌ها با چه ملاک‌هایی بوده‌اند؟ آیا ما الان آماری داریم که بر اساس آن بتوانیم توصیف‌هایی ارائه دهیم که در طول اجرای جشنواره، چه کتاب‌هایی با چه ویژگی‌هایی بررسی شده‌اند؟

نکته‌ی دیگر اطلاع‌رسانی به مخاطبین واقعی جشنواره است؛ یعنی ناشرین کتاب‌های آموزشی. اگر از ناشرین پرسیدیم و معلوم شد که اکثر آن‌ها اطلاع درستی از جشنواره ندارند، این نشان می‌دهد که جشنواره از بازار نشر کتاب دور مانده است. یعنی نتوانسته است همه‌ی کتاب‌هایی را که به بازار آمده‌اند و لازم بوده است که در جشنواره هم بیابند، جذب کند. یعنی حداقل گروهی از تولیدکنندگان کتاب که ناشران باشند، جذب جشنواره نشده‌اند.

داودی: در مورد قسمت اول که شما فرمودید، من باز سؤالی مطرح کنم. اگر ما رفتیم و دیدیم کتاب‌های چاپ اول مثلاً هزار عنوان بوده‌اند و آن چه که به جشنواره رسیده، پانصد عنوان بوده است، یعنی نیمی از کتاب‌ها نرسیده‌اند، به نظر شما چه باید کرد؟ آیا لازم است که جشنواره کسی را به دنبال خرید کتاب بفرستد یا با ناشر تماس بگیرد که آقا کتابت را برای ما بفرست؟ یا این که بهتر است بگویید نه ما کار خودمان را می‌کنیم، هر کس خواست کتاب بفرستد، بفرستد. البته آسیب‌شناسی این موضوع که چرا کتاب‌ها نمی‌آیند، به جای خودش، اما آیا لازم است در این زمینه به اقدام اجرایی دست بزنند یا نه؟

نوری: من یک مقاله‌ی نسبتاً تحلیلی در این زمینه در شماره‌های اخیر جوانه داشتم. احساس می‌کنم که جشنواره‌ی رشد باید متولی اصلی کتاب‌های آموزشی باشد. در حقیقت، در مملکت به خاطر این که آموزش و پرورش مسئول آموزش رسمی در کشور است، جشنواره‌ی رشد هم به تبع آن دارای چنین جایگاهی است. بنابر این، اگر می‌خواهد این متولی بودن فرمایشی نباشد، باید

**ضروری است
که مطمئن شویم، تمام
کتاب‌های چاپ اول دوره‌ی
زمانی جشنواره، وارد چرخه‌ی
بررسی شده‌اند**

بتواند به اقدامی جدی دست بزند. جشنواره باید یک طوری عمل کند که در حیطه‌ی کار تخصصی خودش، هم ارزش «کتاب سال» شود. جشنواره‌های موازی خودش را تحت‌الشعاع قرار دهد و از دوباره کاری‌ها جلوگیری کند.

داودی: من جواب سؤالم را نگرفتم. اگر جشنواره قدرت پیدا کرده و مطرح شده باشد، اتوماتیک همه کتاب‌هایشان را به جشنواره می‌فرستند. سر و دست می‌شکنند که کتابشان را به این جا بیاورند. ولی تا فرا رسیدن آن موقع، جشنواره، کتاب‌ها را تهیه کند یا نه؟

نوری: بله، اگر جشنواره این کار را نکند، هرگز به آن قدرتی که می‌گویید، نمی‌رسد.

داودی: شما توصیه می‌کنید که بروند و هر طور شده، کتاب‌ها را جمع کنند؟

نوری: بله. این کار به جشنواره قدرت می‌دهد. یکی از علت‌های ضعیف بودن جشنواره این است که همه‌ی کتاب‌ها به جشنواره نمی‌آیند.

سالک: قیل از هر قضاوتی، باید بدانیم روشی که الان اجرا می‌شود، چیست. صرفاً فراخوان برای جمع‌آوری کتاب‌ها است؟ یعنی خود دوستان هیچ تلاشی برای جمع‌آوری کتاب نمی‌کنند؟

داودی: روش فعلی این است که وقتی کتاب چاپ می‌شود، چون ناشران در جریان قرار گرفته‌اند، نسخه‌ای از کتاب‌هایشان را به این جا می‌فرستند. مابقی را خریداری می‌کنند. یعنی می‌بینند کدام کتاب‌ها به جشنواره نیامده‌اند، به ناشر آن‌ها زنگ می‌زنند که چرا کتابتان را نفرستاده‌اید. هر دو کار دارد انجام می‌شود، منتها سیستم مشخصی نیست که این جریان را کنترل کند.

معمدزاد: من فکر می‌کنم اطلاع‌رسانی مؤثری انجام نمی‌دهیم. به‌صرف این که جشنواره نزدیک است و فراخوانی هم داده شود که نمی‌توان کار سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی را انجام داد. در کتاب‌نامه‌های رشد ما، در بعضی از حوزه‌ها اصلاً کتابی معرفی نشده است. به خصوص در حوزه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، خلأهای زیادی وجود دارند. این مشکل چه‌طور حل می‌شود؟ باید چاره‌ای اندیشید. اطلاع‌رسانی در طول سال ضروری است، و به‌نظر بهترین وسیله‌ی اطلاع‌رسانی، صدا و سیماست که می‌تواند هم جایگاه سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی را مطرح کند و هم کتاب‌های معرفی شده از سوی این واحد را تبلیغ و معرفی نماید. مورد دیگر این است که ناشران از کار ما مطلع نیستند. در بسیاری از موارد، وقتی همکاران ما از ناشران تقاضای کتاب می‌کنند، آن‌ها اصلاً واحد ما را نمی‌شناسند. به سرعت می‌پرسند: کتاب‌های ما چه می‌شوند و چه‌طور و چه‌قدر به فروش می‌رسند؟ آن‌ها به اهداف ما پی نبرده‌اند، آن هم بعد از نزدیک به ۱۰ سال.



نوری



سالک

سالک: در کشور ما این مشکل وجود دارد. در کتاب سال که پنج سکه هم جایزه می‌دهند، من در جریان هستم که خیلی از کتاب‌ها به جشنواره نمی‌رسند و در مرحله‌ی نهایی داوری معلوم می‌شود که چند کتاب جا مانده‌اند. نظر من این است که جشنواره باید ساز و کاری برای این موضوع داشته باشد. با توجه به امکانات الکترونیکی که در حوزه‌ی کتاب وجود دارد، کنترل آن کار سختی نیست. در حال حاضر، مشخصات کتاب‌داری تمام کتاب‌های منتشر شده در سایت «خانه کتاب» به تفکیک موضوعی ثبت می‌شود. در مجله‌ی «کتاب هفته» هم به شکل هفتگی ثبت می‌شود. یکی از وظایف دبیرخانه‌ی جشنواره می‌تواند این باشد که در طول سال، کتاب‌ها را شناسایی کند و در نهایت وقتی رسید به مقطع برگزاری جشنواره، کنترل کند و ببیند فهرستی که به دستش رسیده، فهرست کاملی است یا کامل نیست.

کتاب‌های دریافت نشده را به روش‌های متفاوت می‌توان تهیه کرد. ممکن است با تماس مجدد با ناشر قابل تهیه باشند. و یا لازم باشد آن‌ها را بخریم. هزینه‌اش در مقایسه با هزینه‌های عمومی جشنواره زیاد نمی‌شود. قطعاً باید چنین ساز و کاری به وجود بیاید. تجربه نشان داده است که فراخوان، تضمینی برای این که حتی هفتاد درصد کتاب‌ها به مجموعه برسند، نیست و خود جشنواره بهتر است ساز و کاری در این زمینه داشته باشد.



تجربه نشان داده است که فراخوان تضمینی برای این که حتی هفتاد درصد کتاب‌ها به مجموعه برسند، نیست

اکرمی: حرف شما را درباره‌ی خانه کتاب تأیید می‌کنم. که واقعاً فهرست‌های خیلی خوبی براساس موضوع و مانند این‌ها تهیه کرده است که اطلاعات خیلی خوبی می‌دهند. ولی در مورد دوم که گفتید، حالا فرض کنید «انجمن ناشران» برای کتاب سال خودش، گنجینه‌ای از همه‌ی کتاب‌های چاپ شده گردآوری می‌کند. ناشران هم آثارشان را برای آن می‌فرستند. یعنی سیستم را طوری تعریف کرده‌اند که وقتی ناشری نسخه‌ای از کتابش را برای کتاب‌خانه‌ی ملی می‌فرستد، یک نسخه از آن را هم برای کتاب سال می‌فرستد. یا وقتی کتاب را چاپ می‌کند، چند نسخه را به ارشاد می‌دهد تا به کتاب‌خانه ملی برود. می‌توانیم بگوییم ناشران کتاب‌های آموزشی یک نسخه بیشتر به وزارت ارشاد بدهند. به هر حال، ناشر نمونه‌ی اثرش را به انجمن خودش می‌دهد، چون می‌خواهد حقوق صنفی‌اش محفوظ بماند. انجمن ناشران هیچ‌وقت دنبال کتاب نمی‌رود. کتاب در انجمن هست. حتی می‌شود کتاب را از آن‌ها امانت گرفت. الان این کتاب‌هایی که ما داریم ورق می‌زنیم، کتاب‌های علمی هستند و شاید به سختی بتوان آن‌ها را یافت و حتی خود ناشر هم ممکن است دیگر آن‌ها را نداشته باشد. ولی انجمن از سال‌ها قبل، سیستم خیلی خوبی برای نگاه‌داری کتاب داشته است.

۱۳۹۱/۲۶/۲۷

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۲۴

داودی: حالا در همین زمینه‌ی دریافت کتاب این سؤال پیش می‌آید که معیارهای ورود کتاب به جشنواره چیست. چون من بارها دیدم که **آقای همتی** - آن موقع مسئول جشنواره بودند - درباره‌ی هر کتاب باید تصمیم می‌گرفتند که اصلاً به جشنواره بیاید یا نیاید. مثلاً کتابی داشتیم به نام «مجموعه سؤال‌های پین». ما حدود ۲۰ درصد به سؤال‌های این کتاب اضافه کردیم و کتاب

جدیدی شد. حالا باید مسئولان تصمیم می‌گرفتند که این کتاب دوباره به جشنواره بیاید یا نیاید. البته این یک مثال بود. از این دست اتفاق‌ها فراوان می‌افتد.

نوری: دبیرخانه‌ی طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، با انتشار جزوات ۳۱‌گانه‌ی راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی، تلاش ارزشمندی را برای تعریف کتاب آموزشی شروع کرده است. حالا نه همه‌ی صاحب‌نظرها، ولی سهم قابل‌قبولی از آن‌ها این تعریف‌های استاندارد را تأیید می‌کنند. این مرحله‌ی اول کار است. مرحله‌ی دوم این است که براساس استانداردها عمل شود. یعنی به نظر می‌آید که در مرحله‌ی داوری، توجهی به این استانداردها نمی‌شود.

داودی: یعنی در بخش دوم مرحله‌ی داوری، ما به ضوابط دقیقی برای پذیرش یا رد کتاب‌ها نیاز داریم. الان ما کتاب‌ها را فقط به تعدادی از معلمان و کارشناسان، برای مطالعه و داوری می‌دهیم. این مرحله‌ی اول داوری محسوب می‌شود و در این مرحله تعدادی از کتاب‌ها برگزیده می‌شوند و به مرحله‌ی بعد می‌روند. آیا این روش صحیح است، یا داوران جشنواره باید همه‌ی کتاب‌ها را ببینند؟

البته در اولین جشنواره‌ای که برگزار شد، داوران همه‌ی کتاب‌ها را دیدند که کار خیلی سنگینی بود. یعنی تا چند روز کتاب‌ها دست به دست بین داوران می‌گشتند. دفعه‌های بعدی برگزاری جشنواره، یک سلسله کتاب‌ها حذف شده بودند و تعداد کتاب‌ها کمتر شده بود. داوری هم سریع‌تر و دقیق‌تر شد. حالا این هم یک سؤال است که به نظرتان، آیا کتاب‌ها باید دست‌چین بشوند یا نشوند؟

اکرمی: تجربه نشان می‌دهد که این انتخاب، چون سلیقه‌ها یکسان نیستند، انتخاب درستی نیست. مثلاً «دیوان شمس» برای بچه‌ها، توسط داوری اولیه‌ی بازمینی کتاب‌ها رد شد. نویسنده اعتراض کرد و کتابش به هر حال با اصرار زیاد او به مرحله‌ی دوم و به دست داوران رسید. سرانجام این کتاب برنده‌ی جایزه شد و نویسنده و کتاب با هم به آفریقای جنوبی رفتند. در این قضیه، از برنده شدن تا رد شدن فاصله‌ی اندکی وجود داشت. اگر نویسنده اعتراض نمی‌کرد، او و کتابش به جایی نمی‌رفتند. در مورد کتاب آقای **کامبیز درم‌بخش** هم همین اتفاق افتاد. گروه اولیه کتاب را کنار گذاشته بود. من بر حسب اتفاق کتاب را دیدم و از آن به شدت دفاع کردم. به ما گفتند کار آقای کامبیز درم‌بخش برای نوجوان سنگین است. من گفتم نگاه نوجوان امروزی با نگاه نوجوان دیروز فرق دارد. بچه‌ی امروزی چیزهایی را متوجه می‌شود که ما در سن ده یازده سالگی می‌فهمیدیم. اصلاً تعریف سن عوض شده است. من فکر می‌کنم که در این مجموعه، همه‌ی کتاب‌ها بررسی نمی‌شوند. حجم عظیمی از کتاب‌ها کنار می‌روند و آن چه باقی می‌ماند، کتاب‌های دانش‌افزایی است.

داودی: من خود شاهد بودم که در مرحله‌ی اول کتاب‌های خوبی حذف شدند. در این جا دو پیشنهاد می‌توان مطرح کرد: یکی این که اگر هم داوری دو مرحله‌ای شد، کتاب‌هایی که در مرحله‌ی اول حذف شدند، در جلسه‌ای در اختیار داوران هم گذاشته می‌شوند، تا داوران طی مروری



داودی



سریع با آن‌ها آشنایی پیدا کنند. ممکن است در همان تورق، به این نتیجه برسند که کتاب حذف نشود و بررسی دقیق‌تری روی آن صورت گیرد.

پیشنهاد دوم، بحث تدوین معیارها و ضوابطی است که شما می‌گویید. کاملاً درست است. من دو مثال اجرایی بزنم. این جا فرمی هست که همه‌ی کتاب‌ها با آن سنجیده می‌شوند. اگر اشتباه نکنم، حداکثر امتیاز این فرم هم ۶۰ امتیاز است. سؤال‌های این فرم، کلی انتخاب شده‌اند تا همه نوع کتابی را در بر بگیرند. اما همین کلی بودن سبب می‌شود، هر کسی برداشتی از موضوع داشته باشد و به دلیل برداشت‌های متفاوت، امتیازها خیلی تغییر می‌کنند.

اتفاق دیگری که می‌افتد این است که بعضی سؤال‌ها در مورد برخی کتاب‌ها مصداق ندارند؛ چون برای این کتاب‌ها اصلاً نمی‌شود آن سؤال را پاسخ داد. مثل این که می‌پرسد: «آیا در کتاب فکری برای فلان موضوع شده است؟» اصلاً قرار نیست که در ساختار کتاب، درباره‌ی آن فکر بشود. یعنی جای آن فکر را ندارد. بنابراین نمی‌شود به این سؤال امتیازی داد. اما اگر امتیاز این سؤال را حذف کنیم، جمع کل امتیازات ۵۵ می‌شود و دیگر در کل ۶۰ امتیاز نیست. خیلی وقت‌ها، من سه سؤال را حذف می‌کردم و کل امتیاز ۴۵ می‌شد. معنای امتیاز ۳۰ از ۴۵ با معنای امتیاز ۳۰ از ۶۰ متفاوت است. این موضوع در نظر گرفته نمی‌شد.

نکته‌ی دیگر این که من یک بار در این جا کتابی را دیدم که به مرحله‌ی دوم نیامده بود. علت را پرسیدم، گفتند امتیاز لازم را نیاورده است. گفتم این کتاب را من داوری کرده‌ام و امتیاز خیلی خوبی هم به آن دادم. من معمولاً کتابی را به راحتی انتخاب نمی‌کردم. جواب دادند این کتاب را یک معلم و یک کارشناس دیده‌اند. آن دو نمره‌های پایینی داده بودند که باعث شد در میانگین، کتاب نمره نیاورد و لب مرزی شود. این باعث شد که من درباره‌ی این معیارها با معلمان مذکور صحبت کنم. گروه هفت هشت نفری معلمان را که کتاب‌های ریاضی دوره‌ی راهنمایی را کارشناسی می‌کردند و نظر می‌دادند، به این جا دعوت کردیم. من معیارها را برایشان تشریح کردم و آن‌ها نیز نظر خود را گفتند. دیدم این هشت نفر معنای کاملاً متفاوتی از آن چه که می‌باید باشد، در نظر گرفته‌اند. من



شرح دادم که در این سند آمده است، کتاب باید کار و فعالیتی به این شرح داشته باشد و معنای فعالیت این است. بنابراین، با معیارهایی که در این دفترچه‌ها گفته شده است، فلان کتاب امتیاز نمی‌گیرد. آن‌ها گفتند ما تازه فهمیدیم باید به چه جنبه‌ای نگاه کنیم و به چه باید نمره بدهیم. بنابراین به نظر من، این روش اشکال دارد.

**غربال‌گری
اول در واقع مصداقی و
موضوعی است که آیا این
کتاب موضوع جشنواره هست
یا نیست**

سالک: البته این طور نیست که داوری دو مرحله داشته باشد. مرحله‌ی اول، داوری نیست غربال کردن است. به این معنی که آیا اساساً این کتاب در جشنواره قرار می‌گیرد یا نمی‌گیرد. بحث ارزش‌یابی خود کتاب در مقایسه با کتاب‌های دیگر نیست. شما به هر حال باید چنین غربالی داشته باشید. البته غربال کردن هم تعریف‌های مشخص می‌خواهد که تا آن تعریف‌ها نباشند، خطا خیلی اتفاق می‌افتد.

ما بعد از این که کتاب‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم، باید بر اساس ضوابطی خیلی مشخص بتوانیم تشخیص دهیم که این کتاب موضوع جشنواره هست یا نیست. اگر موضوع جشنواره بود، می‌رسیم به فاز بعد که این کتاب باید توی چرخه‌ی داوری بیفتد. این چرخه از کجا شروع و به کجا ختم می‌شود؟ تجربه‌ی من می‌گوید، این کار قطعاً باید در دو مرحله و به وسیله‌ی جمع داوران انجام شود. اصلاً این سیستم داوری که مثلاً بگوید کتاب نمره‌ی ۲۲ گرفت، سیستم کارایی نیست. روشی که معمولاً در جاهای دیگر انجام داده‌ایم و به نظر من تا درصدی جواب داده، این است که داوران در جلسات عمومی این کتاب‌ها را ببینند و تعدادی را بر مبنای نظر جمعی کنار بگذارند. بعد روی کتاب‌هایی که انتخاب کرده‌اند، بررسی جزء به جزء می‌آورند. با این روش، حتی اگر یک نفر درباره‌ی کتابی شناخت قبلی داشته باشد، می‌تواند در همان فرصت و محضر از آن دفاع کند.

در روش فعلی هم، اگر یکی از داوران به کتابی امتیاز ویژه می‌داد، ما این را دلیلی می‌دانستیم

۲۷/۲۶۹۰۱۹

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۲۷

که در جمع از آن کتاب دفاع بشود. برایمان جالب بود که بدانیم، چرا این امتیاز ویژه داده شده است. یعنی آن داور فرصت دفاع از کتاب را داشته باشد. خیلی از مواقع در این چرخه خیلی از کتابها آمدند و ماندند که اگر این چرخه نبود، به راحتی حذف می‌شدند. به نظر من، غربال‌گری اول در واقع مصداقی و موضوعی است که آیا این کتاب موضوع جشنواره هست یا نیست. بعد از آن کتابها باید به وسیله‌ی همه‌ی داوران دیده شوند. منتها این دیدن در دو مرحله انجام می‌گیرد. یک مرحله دیدن حضوری و جمعی است و در جمع داوران و در نشست و گفت‌وگوی آن‌ها، کتاب‌هایی که برای برگزیده شدن شانس ندارند، کنار گذاشته می‌شوند. بعد از آن، کتاب‌های باقی‌مانده داوری می‌شوند. در این جا هم اگر داوری روی یک کتاب خاص ارزیابی امتیاز ویژه داشت، باز باید فرصتی برای دفاع از آن وجود داشته باشد. این فرایند شاید تا حدودی از حذف نابجا جلوگیری کند.

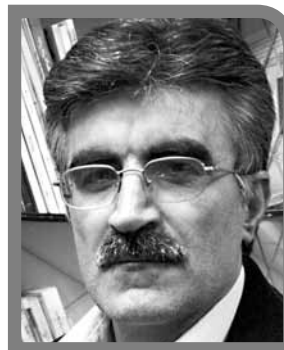
داودی: به یک نکته باید توجه کنیم. از مجموع کتاب‌هایی که طی یک سال به دبیرخانه‌ی سامان بخشی رسیده‌اند، در داوری اول کتاب‌ها را برای **کتاب‌نامه** جدا می‌کند. یعنی غربال‌گری اولیه معلوم می‌کند که این کتاب در کتاب‌نامه بیاید یا نیاید. بعد کتاب‌های وارد شده به کتاب‌نامه را به داوران جشنواره می‌دهند و می‌گویند حالا برای جشنواره داوری کنید. من احساس می‌کنم که در این مرحله خط‌هایی اتفاق می‌افتد.

سالک: شیوه‌ی فعلی این است که کتاب به کارشناس داده می‌شود و او به کتاب نمره‌ای می‌دهد. من به شما می‌گویم که در این شیوه قطعاً خطا زیاد است.

نجف‌زاده: تمام این ضعف‌ها عملاً به ابزار سنجش برمی‌گردند. اگر ابزار سنجش را جهت‌دار انتخاب کنیم، حتی ۲۰ نفر هم ببینند، احتمال خطا کاهش پیدا می‌کند و فاصله‌ی نظرات خیلی کم می‌شود. اما اگر کمترین اشتباهی در ابزار سنجشمان باشد، خطاها خیلی بیشتر می‌شوند. در حالی که اگر بتوانیم، ویژگی‌هایی دارای وزن یا ترازو تعیین کنیم، بسته به این که داورمان خودش چه قدر خطای دید داشته باشد، این خطاها هم فوق‌العاده کم می‌شوند. وقتی ابزار سنجش خودش ایجاد فاصله کند، طبیعی است که دو نفر نمره‌های متفاوتی بدهند.

معمدراذ: دو کارشناس در ارزیابی کتابها دخالت دارند: کارشناس دفتر تألیف و یک معلم

مغرب. در بعضی موارد، به کارشناس سوم نیز رجوع می‌شود. میانگین نمره است که نتیجه‌ی نهایی داوری کتاب‌ها را مشخص می‌کند. متأسفانه در ارزیابی کتاب‌ها، در بعضی از حوزه‌های آموزشی، داوری خیلی ضعیف بوده است، طوری که ما ناچار به یک داور اکتفا کرده‌ایم. مثلاً معلمینی که به ما معرفی می‌شوند، یا اصلاً معلم نیستند یا سال‌هاست که تدریس نمی‌کنند. ولی متأسفانه معاونت دفتر آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای، در پاسخ به درخواست رسمی دفتر ما، از آنان به عنوان «کارشناس معلم» نام می‌برد و آن‌ها را به ما معرفی می‌کنند. یا مثلاً در دفتر تألیف، گاه کارشناسانی معرفی می‌شوند که عملکرد ضعیفی دارند. به



نظرم در کار ارزیابی کتاب‌ها، باید تجدیدنظر شود و این ضرورت احساس می‌شود.

سالک: شما همه‌ی داورهایتان را نمی‌شناسید. به یک کتاب، داورى نمره‌ی ۴۰ می‌دهد و داور دیگری نمره‌ی ۸۰ هر دو هم دارای صلاحیت هستند. حالا اگر به یکی از این‌ها بسنده کنید، کتاب را با ۴۰ رد می‌کنید یا با ۸۰ قبول می‌کنید. ولی فرمایش شما درست است. اگر بخواهیم همه‌ی کتاب‌ها را براساس فرم و امتیازبندی بررسی کنیم، به جریانی زمان‌دار و پیچیده تبدیل می‌شود که بلافاصله بعد از پایان جشنواره، باید جشنواره‌ی بعدی شروع شود. من در عمل دیده‌ام که حتی داورى روی کتاب‌های غربال‌شده و گزینش شده، شتابزده انجام می‌گیرد. یعنی زمان کافی برای بررسی دقیق وجود ندارد. ظرف یک هفته تا ده روز، ۵۰ تا ۷۰ کتاب را به شما می‌دهند و می‌گویند آقا این فرم‌ها را بر پر کن بیاور و مثلاً ما تا دوشنبه‌ی دیگر باید نتیجه را اعلام کنیم.

لازم است براساس
رویکردی سیستمی، جریان
کار جشنواره آسیب‌شناسی
شود

معافی: من موافق نظر آقای اکرمی هستیم. لازم است براساس رویکردی سیستمی، جریان کار جشنواره آسیب‌شناسی شود. مثلاً اگر بخواهیم خانه‌ای بخریم، ناچاریم معیارهایی را مورد توجه قرار بدهیم؛ به لحاظ نزدیکی به درمانگاه، مدرسه و خیابان، نمای زیبایی ساختمان، استفاده‌ی خوب از زمین، مصالح ساختمانی متناسب با شرایط اقلیمی، چگونگی فضاهای داخل ساختمان و غیره. این شاخص‌ها به شما خواهند گفت که چگونه انتخاب کنید. بحث‌هایی که ما داریم، در واقع هر کدام به یک بخش می‌پردازند. باید مراقب باشیم از سایر قسمت‌ها غفلت نکنیم. پیشنهاد می‌کنم که این گونه عمل کنیم: جشنواره اهدافی دارد. برای این که به هدف‌هایش برسد، ابتدا باید اطلاع‌رسانی کند. پس اول آسیب‌شناسی از بُعد اطلاع‌رسانی. نکته‌ی بعد این است که افرادی ذی‌نفع هستند؛ ناشران، مؤلفان و غیره. بیاییم میزان مشارکت آن‌ها را بررسی کنیم. چه عواملی باعث شده‌اند، بعضی‌ها نگرانی داشته باشند؟ مطلب بعدی این است که چون می‌خواهیم کتاب‌هایی انتخاب کنیم، کتاب‌های برگزیده را انتخاب کنیم، به هر حال این یک ورود دارد. یعنی باید روی ورود بحث کنیم. آیا باید یک مرحله‌ای باشد یا دو مرحله‌ای؟ یک نفر بررسی کند یا دو نفر بررسی کنند؟ بحث دیگری آسیب‌شناسی فرایند کار است و دیگر فرایند خروجی. بعد هم بحث قضاوتی است که ناشران دارند؛ آسیب‌شناسی جشنواره از دید ناشران مؤلفان و همین‌طور آسیب‌شناسی از دیدگاه ارزیابان کتاب‌های آموزشی. سرانجام هم آسیب‌شناسی خود معیارهای ارزش‌یابی و آسیب‌شناسی‌های عوامل اجرایی که در این مجموعه درگیر هستند. بعد از درست کردن فهرستی از این موارد، باید برویم و ببینیم این آسیب‌ها کدام‌اند و راه‌حل‌های آن‌ها چیست. یک راه‌حل برگزاری همین میزگردهاست. در واقع، وقتی ایده‌ای را یکی از دوستان مطرح می‌کند، جرقه‌ای می‌شود در ذهن دیگران. می‌توان با حضور ناشران، مؤلفان و ارزیابان کتاب‌ها میزگرد برگزار کرد. موضوع بحث می‌تواند شاخص‌های ارزش‌یابی، مثل همین موردی باشد که شما مطرح کردید.

غیر از راهبرد میزگرد، روش دیگر روش بارش مغزی یا بحث و گفت‌وگوست. می‌توانیم از راهبرد مصاحبه هم استفاده کنیم. یعنی می‌توان با مؤلفان یا ارزیابان کتاب‌های آموزشی مصاحبه

داشت. مصاحبه‌هایی هم که با ناشران یا مؤلفان انجام گرفته و در رشد جوانه به چاپ رسیده‌اند، بخشی از آسیب‌ها را مطرح کرده‌اند و می‌توانند در شناخت این آسیب‌ها به ما کمک کند. البته لازم است که این کار در قالب یک طرح دیده شود. ما عنوان این پروژه را «آسیب‌شناسی جشنواره‌های آموزشی» می‌گذاریم. هدف اصلی‌مان می‌شود ارتقای کیفیت فرایند انتخاب کتاب‌های مثلاً آموزشی برتر و اهداف جزئی‌مان می‌شود شناخت آسیب‌ها در این حوزه‌ها. فرایند کارمان هم مشخص می‌شود که از چه راهبردهایی باید به پاسخ مسئله برسیم. نهایتاً خروجی نهایی یک طرح پیشنهادی برای بهبود فرایند جشنواره خواهد بود.

اکرمی: من می‌ترسم که این مطالب به اطلاعات سوخته تبدیل شوند و با چاپ مقاله کار به پایان برسد. یعنی بگویند: خوب، دیگر، بچه‌های جوانه دور هم نشستند، و آسیب‌شناسی انجام شد. اصلاً مسئله‌ی ما این نیست. تجربه نشان می‌دهد، برای آن که برنامه‌ای به درستی به اجرا درآید، در درجه‌ی اول باید ضمانت‌های اجرایی آن را در نظر بگیریم. همه دنبال این هستند که بگویند ما فلان جشنواره را برگزار کردیم. فقط هم آمار می‌دهند. ما جشنواره‌ی عروسک‌های خانگی را پایین خزانۀ برگزار کردیم. اصلاً آن چه که اجرا شد چنان خنده‌دار بود که من اصلاً تکذیب می‌کردم طراح برنامه هستیم. برای این که فقط آمار می‌خواستند. ترسم از این است که طرح بسوزد. حتی فکر می‌کنم بگذارید مطلب در شماره‌های بعدتر چاپ شود. خود داوری جشنواره به آسیب‌شناسی احتیاج دارد.

اصلاً جشنواره وقتی
به هدفش می‌رسد که ناشر
هم‌سو با جشنواره باشد

سالک: فرض این است که پیشنهاد ما پذیرفته می‌شود، یعنی دوستان جشنواره دنبال اجرای طرح و پروژه هستند. درواقع، این جلسه فقط فتح باب است و برای آن که بر ضرورت این قضیه تأکید شود.

داودی: هم بر ضرورت قضیه تأکید بشود و هم ریزه‌کاری‌ها و جزئیات طرح معلوم شوند. الان با همین موضوعاتی که دوستان مطرح می‌کنند می‌بینیم که به چه چیزهایی می‌شود اشاره کرد و در طرح، چه جاهایی باید آسیب‌شناسی و بررسی شوند یا باید برایشان ضابطه دربیاید. برای این که از بحث اصلی دور نشویم، من نکته‌ای را درباره‌ی داوری جشنواره بگویم. در گروه داوری ما، هر وقت اختلاف امتیازها زیاد می‌شد، میانگین نمی‌گرفتیم. می‌گفتیم این جا میانگین معنا ندارد، یکی باید بیاید دفاع کند. بقیه امتیازهایشان را تعدیل کنند، این جا میانگین گرفتن خطاست. این نکته‌ی ظریف و خوبی بود. اتفاق دیگری که در گروه ما افتاد و در راستای همان بحث ضابطه و معیارهاست، این بود که ما یک مجموعه سند تهیه کردیم. ۳۱ سند تهیه شد که برای هر گروه معیارها را مشخص می‌کنند. هر سند یک فهرست واری (چک لیست) قضاوت و داوری دارد. یکی از کارهایی که در گروه ریاضی انجام دادیم و خیلی به قضاوت بهتر کمک می‌کرد این بود که در حوزه‌ی درسی خودمان کتاب‌های متفاوت را جدا کردیم. گفتیم کتابی که جنبه‌ی سرگرمی دارد، با کتاب کار قابل مقایسه نیست. نمی‌توانیم بین این دو کتاب یکی را انتخاب کنیم. باید بگوییم در حیطه‌ی سرگرمی این کتاب، و در حیطه‌ی کتاب کار، این کتاب انتخاب می‌شود. کتابی

را که در حوزه‌ی تربیت معلم نگارش یافته، نمی‌توان با کتاب دانش‌آموز مقایسه کرد و یکی را به عنوان برتر برگزید. ما اول خود ریاضی را حیطة‌بندی کردیم بعد برای هر حیطة فهرست واری جدآگانه نوشتیم. این در سندش موجود است.

اما دو سه دوره که گذشت، این سندها، معیارها و فهرست‌های واری را کنار گذاشتند و همه‌ی کتاب‌های ریاضی رسیده را در دو طبقه‌ی دانش‌آموز و معلم قرار دادند. بعد برای خودشان یک سلسله معیار و فهرست واری جدید نوشتند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر آن دفترچه (سندها) مورد تأیید این جاست، داوران باید طبق آن عمل کنند. اگر هم مورد تأیید نیست، برای چه آن را چاپ کرده‌اید و در اختیار ناشران گذاشته‌اید؟! اگر ما این اسناد را چاپ کرده‌ایم و در اختیار ناشران گذاشته‌ایم، باید طبق آن‌ها دآوری کنیم. چون اگر من ناشر رفتم و طبق این اسناد کتاب تولید کردم، بعد با معیارهای دیگری دآوری شد، نقض غرض می‌شود. این اتفاقی بود که افتاد و بد نیست به آن توجه شود.

یک موضوع دیگر در بحث دآوری، بحث کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای است. آیا این دو نوع کتاب را می‌شود با هم مقایسه کرد؟ چه طور باید نمره داد؟ نمره را باید به کی داد؟ این یکی از مواردی بود که ما هنگام دآوری با آن مشکل داشتیم. پیش خودمان گفته بودیم که در شرایط مساوی اولویت را به کتاب‌های تألیفی می‌دهیم. ولی این هم یک مسئله است که باید درباره‌ی آن تصمیم‌گیری کنیم و راهکار مشخصی ارائه دهیم.

نجف‌زاده: کتاب ترجمه شده با کتاب تألیفی طبیعتاً متفاوت است. کتابی که ترجمه می‌شود، اگر کتاب مرجع و کتابی معتبر باشد، خیلی ارزش دارد. البته من برداشت خودم را می‌گویم.



نجف‌زاده

داودی: من مثبت و منفی نگفتم. این جای بحث دارد و تکلیف باید روشن شود. نکته‌ی دیگری هم که به ذهنم می‌رسد، انتخاب خود داوران است. داوران چگونه قرار است انتخاب شوند؟ برای این که سلیقه‌ی یک نفر یا یک گروه اعمال نشود، چه باید کرد؟ دوره‌ی اول به نظرم خوب بود. گفتند این افراد در فلان حوزه صاحب‌نظرند، با بازار کتاب و نشر آشنایی دارند، و برای دآوری مناسب‌اند. در مجموع، گروه خوبی بود، اما در دوره‌های بعدی انتخاب داوران شکل سازمانی پیدا کرد. یعنی گفتند یک نفر از دفتر تألیف، یک نفر از آموزش، یک نفر به انتخاب فلان جا، یک نفر از انجمن ناشران. ایراد انتخاب سازمانی داوران این بود که اعضای گروه‌ها واقعا بازار نشر کتاب را نمی‌شناختند. به علاوه، پنج دآوری که در جلسه می‌نشستند، اصلا هم‌وزن نبودند. یک نفر می‌توانست با تسلطی که داشت، چهار داور دیگر را مجاب کند و حریف آن‌ها شود.

این هم به نظرم جای بررسی دارد که با چه معیارهایی داوران انتخاب شوند. البته من هم معتقدم که بخشی از این کار سلیقه‌ای است. یعنی هر قدر هم که معیارها را محکم و ضابطه‌ها را عملیاتی کنیم، به هر حال سلیقه‌ی داور در کارش دخیل است. اما انتخاب اصلح داوران به نظر من جای بررسی و تجدیدنظر دارد.

معافی: من فکر می‌کنم یکی از ملاک‌هایی که باید در انتخاب داوران داشته باشیم، این است که خود داوران کتاب تألیف کرده باشند؛ کتاب درسی یا کتاب آموزشی.

نوری: در آن سیستمی که شما گفتید، قضاوتی وجود داشت. در حقیقت شما در دو بُعد دارید ایفای نقش می‌کنید: یکی این که بحث را ایجاد می‌کنید و محیطی به وجود می‌آورید که سبب بارش مغزی می‌شود، دیگر این که خودتان در جریان بوده‌اید و جاهایی ناخودآگاه به سمت قضاوت می‌روید. یعنی می‌گویید داوران جشنواره یک فرم آرمانی پیدا کرده‌اند. به نظر من، نکته‌ی مثبتی است و نمی‌شود گفت نکته‌ی منفی است. نکته‌ی منفی این است که معلم حضور نداشته باشد.

مگر این کتاب برای معلم یا برای دانش‌آموز نوشته نمی‌شود؟ پس چه‌طور می‌شود که معلم در این داورای سهمی نداشته باشد؟ و یا مگر ناشران مخاطبان اصلی جشنواره نیستند، مگر سندهای آموزشی جشنواره برای این نیست که به ناشر خط بدهد، پس چه‌طور می‌شود که ناشر در آن نقش نداشته باشد؟! نقش ناشر خیلی جدی است. اصلاً جشنواره وقتی به هدفش می‌رسد که ناشر هم‌سو با جشنواره باشد. اگر کنارش گذاشتی، او هم می‌گوید این که جایزه‌اش فایده‌ای ندارد؛ اگر کتاب سال بود، ارزش داشت.

نکته‌ی دوم را هم بگویم. آقای معافی در مطالبشان یک پیشنهاد داشتند در مورد دیدگاه سیستماتیک. خود شما یک تقسیم‌بندی کردید که خوب است، ولی از آن دقیق‌تر، دیدگاه سیستماتیک است تا فرایند داورای، خروجی‌هایش و عوامل و اجزایش را بشناسیم. بعد برای هر کدام این‌ها میزگرد برگزار کنیم. اگر بخواهد ادامه پیدا کند تا بدانیم چگونه کار را داریم ادامه می‌دهیم. به نظر من، آسیب‌شناسی باید از نگاه مخاطبان باشد، چون کتاب برای آن‌ها نوشته می‌شود. آیا کتاب نیازهای او را برآورده می‌کند؟ اصلاً او به این کتاب چه نگاهی دارد؟ اگر چنین قسمتی به این مجموعه اضافه شود، بد نیست.

داودی: پیشنهاد آقای معافی که می‌گویند داور خودش مؤلف باشد، از این نظر خوب است که طرف خودش در حال و هوای نشر قرار گرفته باشد. اما یک آسیب هم داشت. در سال‌های گذشته

یکی از
ملاک‌هایی که باید در
انتخاب داوران داشته باشیم
این است که خود داوران کتاب
تألیف کرده باشند؛ کتاب
درسی یا کتاب آموزشی





دیدیم، داورهایی که خودشان داوری می‌کردند، کتاب داشتند و کتاب‌های خودشان برگزیده می‌شدند.

سالک: من فکر می‌کنم در مورد این مطلبی که آقای معافی فرمودند، ما در مقام گروه ارزیابی کننده نیستیم. اصلاً ما باید به شکل دیگری وارد بحث شویم. ابتدا چارچوب کار خودمان را مشخص کنیم و سپس قدم به قدم جلو برویم. من فکر می‌کنم نهایت و حاصل بحث ما این است که به دوستان بگوییم این ضرورت‌ها وجود دارد و این کارها را انجام دهید. یعنی خود همین بحث‌های پراکنده ما را به این نکته می‌رساند که به عنوان یک جمعی به دبیر جشنواره یا مسئول جشنواره بگوییم، این ضرورت وجود دارد. بروید با فلان گروه وارد قرارداد شوید و به آن‌ها پروژه بدهید. حالا آن گروه ممکن است گروه حاضر نباشد؛ جمع دیگری با ویژگی‌هایی دیگر باشد. یا هر ترکیبی که مناسب‌ترین است در مورد آن نوع داوری.

من دقیقاً با این فرمایش موافقم که اگر داورها از حوزه‌های مختلف باشند، قطعاً بهتر از این است که بگوییم چند آدم همه کاره بیایند که هم کتاب را می‌شناسند هم ناشر را. تجربه‌ی من نشان می‌دهد که آن روش هم ضعف‌های خودش را دارد و ضعف‌هایش هم کم نیست. این سیستم بهتر جواب می‌دهد البته در هر دو روش انتخاب مهم است. برای معلم ویژگی‌هایی فهرست شده است و معلمی که این ویژگی‌ها را داشته باشد، می‌تواند داور جشنواره باشد. کما این که برای آن مسئول که انجمن معرفی می‌کند، به اعتقاد من باید یک مجموعه‌ی دیگر وجود داشته باشد که خودش را متعهد بداند، فردی را با ویژگی‌های موردنظر به جشنواره بفرستد. و یا جشنواره بتواند بگوید، آدمی را که تو تعریف کرده‌ای، از دید من ویژگی‌های لازم را ندارد. کسی را به من معرفی کن که صاحب این صلاحیت‌ها و ویژگی‌ها باشد.

داودی: من تذکری دادم، نخواستم قضاوت کنم. گفتم که حداقل در سیستم اول یک گروه داوران را انتخاب می‌کرد و آدم‌های قوی‌تری بودند. سیستم دوم که آمد و انتخاب‌های سازمانی کرد، داورها ضعیف شدند. باید مراقب باشیم، اگر به سیستم دوم عمل کردیم، لاقال تیم داوری ضعیف نشود.

سالک: در مورد تألیف و ترجمه هم من معتقدم که همواره این کتاب‌ها باید جدا از هم ارزیابی

شوند. ما در جریان کتاب سال، چند سال تلاش کردیم تا به همه بقبولانیم که در کنار هم بودن این‌ها، ظلم به هر دوست. به تألیف که قطعاً ظلم می‌شود، چون کتاب ترجمه شده به لحاظ تصویرگری، کیفیت پردازش و ... ویژگی‌هایی دارد که از کتاب تألیفی امتیاز بیشتری می‌آورد. اگر می‌خواهیم واقعاً از تألیف حمایت کنیم، باید آن را در جای خودش ببینیم. به اعتقاد من، وقتی برسیم به حدی که بگوییم، کتاب‌های تألیفی مان می‌توانند با کتاب‌های ترجمه‌ای در یک کاسه قرار بگیرند و در کنار هم قضاوت بشوند، قطعاً باید بخش تألیف را از بخش ترجمه جدا کرد.

معافی: در مورد کتاب‌های ترجمه شده این بحث وجود دارد: که آیا ما اصلاً می‌توانیم از نویسنده‌ی چنین کتابی تقدیر کنیم یا نه؟ این سنتی است که در بعضی از کشورها وجود دارد.

سالک: این نکته‌ی ظریفی است و تکلیف ما مشخص نیست. من اعتقاد دارم که ما کتاب را انتخاب می‌کنیم و این سیستم که جایزه را به مترجم بدهیم، اصلاً سیستم خوبی نیست. ما می‌گوییم این کتاب مناسبی است برای مخاطبانی که در نظر گرفته‌ایم. جایزه‌ی این اثر را باید به ناشر داد. به نظر من، این سیستم که به مترجم جایزه داده می‌شود، سیستم قانون‌مندی نیست.

نجف‌زاده: یک مقدار منصفانه نگاه کنیم. به نظر من، غیر از حوزه‌ی فنی و حرفه‌ای، کار مترجمی که دقیقاً حاصل ترجمه‌اش همان است که ما می‌خواهیم. اصطلاحات را درست و به دقت ترجمه کرده و موضوع کارش منطبق بر موضوع روزمان است، شاید از یک مؤلف اثرگذارتر است.

سالک: ما اصلاً نمی‌خواهیم درباره‌ی این قضاوت کنیم. من به شما کتاب‌هایی نشان می‌دهم که بسیار آراسته‌اند. مترجم هم به بدترین شکل آن‌ها را ترجمه کرده است، اما در فرایند نشر کتاب، اشکالات رفع شده‌اند. یعنی کتاب چندین بار ویرایش شده، خطاهایش برطرف شده و آدم‌هایی روی آن تأثیر گذاشته‌اند که اصلاً اسمشان توی کتاب هم وجود ندارد. ولی کتاب به نام مترجم بیرون می‌آید. در یک دوره، ما کتابی را از کانون، کتاب سال کردیم. داد کانون درآمد و گفت: آقا چه خطایی کردید. چون جایزه به کسی داده شده که حقش نبود. کتابی بود تألیفی درباره‌ی کرم ابریشم. رفتیم دیدیم نویسنده‌ی آن یک کارمند درجه‌ی ۲ کانون و اهل شمال است. چون او شمالی بوده گروه علمی کانون از او خواسته است، در این زمینه تحقیق کند. آن خانم تحقیق را انجام می‌دهد و می‌آورد و بعد جماعتی در کانون - آدم‌هایی که انصافاً هر کدام برای خودشان کسی بودند - هشت ماه روی این کتاب زحمت می‌کشند و این کتاب را به اثری تبدیل می‌کنند که جایزه می‌گیرد. در حالی که روی کتاب نوشته شده است تألیف این خانم. این البته ضعف نشر ماست.

شما یک کتاب لاتین را که باز می‌کنید، می‌بینید هر کسی که در پیدایش آن مؤثر بوده و نقش داشته، معرفی شده است. مثلاً شاید ۱۵ نفر معرفی شده‌اند. در مورد رمان و داستان تکلیف



معافی

مشخص است و خلاقیت فردی است، ولی در کارهای آموزشی کمتر کتابی را می‌بینید که از سه یا چهار اسم کمتر داشته باشد.

نجف‌زاده: در شاخه‌ی فنی حرفه‌ای، عموماً ترجمه‌های ما صرفاً ترجمه هستند. چون به هر حال کتاب فرهنگ‌سازی می‌کند و در رشته‌ی خود من، اصطلاحات را وارد جامعه می‌کند. این به پیدایش یک فرهنگ منجر می‌شود. اما ترجمه‌ی صرف اعتباری ندارد. عملاً در فنی و حرفه‌ای، خیلی وقت‌ها کتاب‌های اثرگذار کتاب‌هایی هستند که اطلاعات خام آن‌ها از طریق معلم‌انمان به مؤلف منتقل شده و این فرد، فقط مطالب را نوشته است. یعنی یک قدم عقب‌تر که می‌روییم، می‌بینیم کار یکی دیگر بوده است. پس این که شما می‌فرمایید خود کتاب هر چه بوده است، دانش آموز ما به آن نیاز دارد و نیازش را تأمین می‌کند، مؤلفش کس دیگری بوده است. حالا اگر هم به آن کسی که نامش روی کتاب است، جایزه دادیم، بالاخره اسمش آن جاست و کس دیگری را نمی‌توانیم پیدا کنیم.



کتاب
ترجمه شده به لحاظ
تصویرگری، کیفیت پردازش
و... ویژگی‌هایی دارد که از کتاب
تألیفی امتیاز بیشتری می‌آورد. اگر
می‌خواهیم واقعا از تألیف حمایت
کنیم، باید آن را در جای
خودش ببینیم

سالک: این کار آفاتی دارد. ببینید، این که ما آدم‌هایی را مطرح می‌کنیم که عملاً صلاحیت تأیید را ندارند، بعداً به آفت تبدیل می‌شود. آدم‌هایی به اتکای این که کتابشان در فلان جشنواره برگزیده شده است، در نشر ما جا پیدا کرده‌اند و ناشران به آن‌ها اعتماد کرده‌اند و کارهایی به آن‌ها داده‌اند که به فاجعه منجر شده است.

در مورد کتاب‌های ترجمه‌ای، ما نمی‌توانیم جایزه را به نویسنده‌ی اصلی بدهیم و برای او نامه‌ی تقدیری بفرستیم که آقا دستت درد نکند. چون از قانون کپی‌رایت پیروی نمی‌کنیم، اصلاً نمی‌توانیم چنین ارتباطی برقرار کنیم. نویسنده‌ی اصلی می‌گوید: کتاب مرا بی‌اجازه ترجمه کرده‌ای، حالا می‌خواهی از آن تقدیر کنی؟ پس خارج از کشور دستان بسته است و باید به حوزه‌ی داخلی پردازیم. من خودم برای این سؤال که چه کنیم تا این آفت‌ها به حداقل برسند، به جواب مشخصی نرسیده‌ام. شاید اگر به ناشر واگذار کنیم بهتر باشد. چون ناشر بهتر از همه می‌داند در پیدایش این کتاب چه کسانی چه کارهایی انجام داده‌اند. درانتخاب کتاب سال، معمولاً در مورد کتاب‌هایی که شک دارند، با ناشر مشورت می‌کنند. به هر حال این هم جزو آن ساز و کارهایی است که اگر مشخص بشود، ممکن است در قضاوت ما تأثیر بگذارد.

زمانی من با ناشری روی پروژه‌ای اختلاف داشتم. من می‌گفتم: آقا اگر می‌خواهی ۳۰۰ هزار تومان برای این کتاب خرج کنی، برو یک مترجم ۲۵۰ تومانی پیدا کن. بعد هم یک ویرایش ۵۰ تومانی بشود. او می‌گفت: نه، من قبول ندارم. من می‌روم یک مترجم ۵۰ تومانی پیدا می‌کنم بعد یک ویرایش ۱۵۰ تومانی هم می‌دهم و ۱۰۰ تومان از تو جلو هستم. اعتقادش این بود. من می‌گفتم: کار آن مترجم ۵۰ تومانی را با ۵۰۰ هزار تومان هم نمی‌توانی رو به راه کنی. خانه از پای بست ویران است. این خانه باید بُن و پی درستی داشته باشد تا ما در و پنجره‌اش را تعمیر کنیم و به زیبایی‌اش پردازیم. وقتی پی خراب است، حالا هر قدر می‌خواهی در و پنجره‌اش را تزئین کن، نتیجه نمی‌دهد.

می‌خواهم بگویم این مشکلات وجود دارند. اسم آدم‌هایی در این کتاب‌ها آمده است، اما این

اسم‌ها صوری هستند. یعنی طرف می‌خواسته برای دخترش یک امتیاز بگیرد یا برای خانمش مجوز نشر بگیرد، اسم او را روی کتاب گذاشته است. روح آن خانم از کتاب خبر ندارد، ولی اسمش روی کتاب هست. این‌ها متأسفانه در نشر کتاب کم اتفاق نمی‌افتد و به آفت تبدیل می‌شود. آن وقت ما تردید می‌کنیم که جایزه را به این بدهیم یا به آن.

اگر می: متأسفانه، من تا به حال ندیده‌ام که در جشنواره‌ی به زیباشناسی اهمیت داده شود؛ در هیچ جشنواره‌ای. اولین بار که به عنوان داور انتخاب شدم، خیلی خوش حال بودم. وقتی رفتم توی کوچه پس‌کوچه‌های بهارستان، وارد بیغوله‌ای شدم که به سختی توانستم لامپش را پیدا کنم. وقتی دیدم کتاب‌ها از قفسه پایین ریخته‌اند و هیچ میزی وجود ندارد، و ما داریم کتاب‌ها را سرپایی بررسی می‌کنیم، گریه‌ام گرفت. وقتی آقای **همتی** مرا به عنوان مسئول داورهای کتاب‌های درسی مشخص کردند، اولین شرطم این بود که زیباشناسی به عهده‌ی خود من باشد. جای داوری را گذاشتیم اردوگاه شهید باهنر و آن‌جا روی میز کار می‌کردیم و محیط طبیعت را داشتیم. اول صبح به پیاده‌روی می‌رفتیم و دوربین فیلم‌برداری روبه‌روی مجموعه بود و با ما مصاحبه می‌کردند. در واقع آقای **همتی** متوجه ظرافت این مسئله شد. داور وقتی وارد می‌شود، باید احساس کند که داور است و خود این روحیه بر کار او تأثیر دارد.

هفته‌ی بعد ما رفتیم برای داوری، دیدم میزی نیست و کتاب‌ها را ریخته‌اند یک گوشه. با اصرار من به زور رفتند از طبقه‌ی بالا میز آوردند. منظورم این است که این طور برنامه‌ها در ایران هیئت‌ی برگزار می‌شوند. فقط می‌خواهند آمار بدهند و خیلی به زیباشناسی اهمیت نمی‌دهند. در حالی که انتخاب روز برگزاری، دکور صحنه، نور صحنه، لباس داورها، و حتی بروشور مهم است. مشکل دیگر این است که به این کتاب‌ها کلاً می‌گوییم کتاب‌های آموزشی. ولی واقعیت این است که همه‌ی این کتاب‌ها آموزشی نیستند. کتاب کمک درسی هم داریم که یک ستون جداست.

داودی: هر گروه برای خودش طبقه‌بندی داخلی دارد. در ریاضی، ما خودمان شش گروه جدا کرده‌ایم. از طرف جشنواره تفکیکی بین کتاب‌ها صورت نمی‌گیرد. می‌گویند گروه علوم بنشیند و داوری کند. حالا گروه علوم معلوم نیست که تصمیم می‌گیرد، کتاب‌ها را تفکیک کند یا نکند، با چه سیستمی تفکیک کند و آیا این سیستم به آن سند می‌خورد یا نمی‌خورد.

نوری: تعریف‌هایی در این زمینه وجود دارند. اگر بخواهیم می‌توانیم آن‌ها را نقد کنیم.

اگر می: تعریف‌ها را خوانده‌ام. بخشی از آن‌ها مخدوش بود. مثلاً ما کتاب کمک درسی داریم، کتاب کمک آموزشی داریم - حالا با تعریف خاص - و کتاب‌های دانش‌افزا داریم. این‌ها واقعا مقوله‌های جدا از هم نیستند. هر کتابی هم آموزشی است، هم اطلاعاتی، هم دانش‌افزا. مثلاً کتاب پراکندگی حصیربافی را در ایران بررسی کرده است و می‌نویسد در شمال و جنوب ایران،

در کنار هر گروه داوری
گروه کارشناسی هنر و
کارشناس ادبیات باید حضور
داشته باشند

در این مناطق حصیربافی می‌کنند. این کتاب دانش‌افزاست. کتاب دیگری می‌گوید می‌خواهیم این نمونه را بسازیم. این را این جور بردار، این جوری بکش، این جوری تا بزنی؛ یعنی گام به گام آموزش می‌دهد. این را باید تعریف کرد تا از کتاب اول جدا بشود. ممکن است بگوییم کتاب دوم درون‌مایه‌ی آموزشی بیشتری دارد. به هر حال این روش‌شناسی باید کاملاً با تعریف خاص جدا بشود.

دیگر این که من اصرار دارم، حتماً کتاب‌های پیش‌دستانی در مجموعه‌ی جشنواره قرار بگیرند. من معتقدم که قوی‌ترین گروه آموزشی جامعه‌ی ما در تدوین کتاب‌های پیش‌دستانی فعالیت دارد. در دانشگاه‌ها همه می‌نشینند فقط می‌خوانند، اما در پیش‌دستانی بچه دارد می‌سازد، چسب می‌زند، میخ می‌زند، کار می‌کند و کارگاهی رفتار می‌کند. کتاب‌ها هم تقریباً چنین روحیه‌ای دارند. این کتاب‌ها در بخش سامان‌بخشی کتاب‌ها تعریف نشده‌اند، ولی من می‌توانم ثابت کنم که کتاب‌های پیش‌دستانی طبق برنامه‌ی درسی رفتار می‌کنند و واحد کار دارند؛ همان چیزی که اسمش را می‌گذاریم علوم یا تعلیمات اجتماعی. امروز واحد کار ما چیست؟ مثلاً به بچه‌ها می‌گوییم، می‌خواهیم درخت‌ها را بشناسیم؛ این علوم است. به آن‌ها می‌گوییم، می‌خواهیم پلیس را بشناسیم؛ واحد کار پلیس تعلیمات اجتماعی است. معمولاً آموزش و پرورش توان چاپ این کتاب‌ها را ندارد و در تمام دنیا بخش خصوصی در این زمینه فعال است. ما بخش خصوصی را حذف می‌کنیم، چون این کتاب‌ها را آموزش و پرورش و دولت چاپ نکرده‌اند؟!

من معتقدم، در کنار هر گروه داوری، گروه کارشناسی هنر و کارشناس ادبیات این داورها باید حضور داشته باشند. ممکن است ۳۰ داور داشته باشیم با دو کارشناس ادبیات و سه کارشناس هنر. من دیدم کتاب‌هایی برنده شده‌اند که واقعاً از نظر ادبیات ضعیف هستند. در واقع داور نگاه کارشناس ادبیات را ندارند. کارشناس ادبیات برای خودش زبان و ادبیات را در ارتباط با کودک، جوان و خردسال تعریف کرده است.

آخرین مسئله هم این است که وقتی جشنواره تمام شد، تازه باید از کتاب‌های برگزیده پشتیبانی بشود. جشنواره باید بتواند برای خریداری بخشی از کتاب‌ها به صورت نقد عمل کند.

داودی: شاید ضعف ما این باشد که روز پس از افتتاحیه‌ی جشنواره، کار خوبی انجام نمی‌دهیم و اتفاق مثبتی نمی‌افتد. همه چیز رها می‌شود. روی این قسمت باید کار کرد. به هر حال باید روی خروجی طرح سامان‌بخشی و روی جشنواره به طور خاص فکر و برنامه‌ریزی کرد. به قول آقای نوری، اگر ما بخواهیم جشنواره روزی به جایگاه مناسبی برسد، یکی از مسیرهایش این است که حتماً روی خروجی‌ها کار کنیم. باید ببینیم چه اتفاقی افتاده است. مدت‌هاست که کتاب‌هایی پشت جلد کتاب‌های درسی معرفی شده‌اند و فهرست آن‌ها هیچ تغییری هم نکرده است. این خیلی جالب است. اصلاً به روز نمی‌شود. به این ترتیب، بود و نبود این فهرست تأثیری ندارد. هیچ کس هم نمی‌رود آن کتاب‌ها را بخرد.

یکی از آسیب‌شناسی‌ها همین است که عیب و ایرادها را دربیابیم. مثلاً برویم سراغ مخاطب و بنویسیم: کتاب‌هایی که درآمده‌اند، به دردتان می‌خورند یا نمی‌خورند. این کتابی که برگزیده شده



در
مورد کتاب‌های
ترجمه‌ای، ما نمی‌توانیم
جایزه را به نویسنده‌ی اصلی
بدهیم و برای او نامه‌ی تقدیری
بفرستیم که آقا دستت درد
نکند

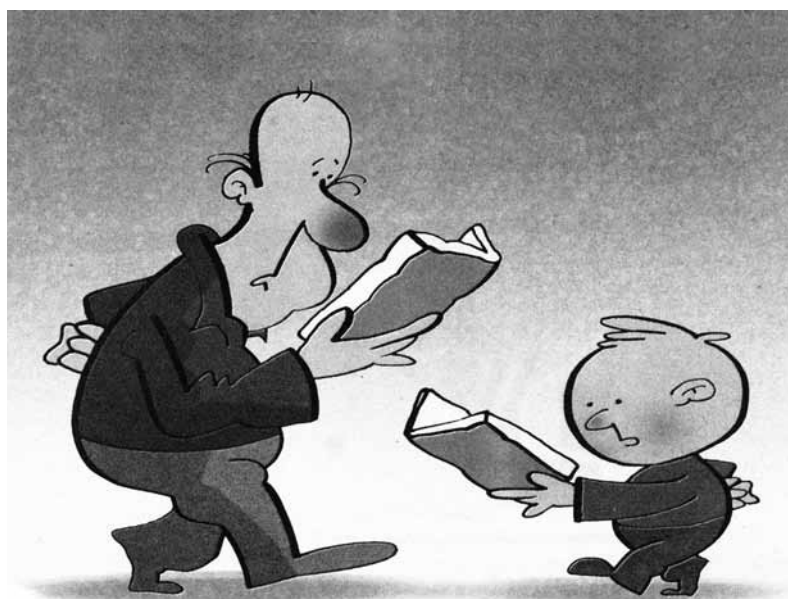
است، برای مخاطب مناسب است یا نیست.

معافی: پیشنهادی دارم در مورد معرفی کتاب‌های برگزیده. یکی این که در راهنمای برنامه‌ی درسی، جزو اصول تألیف کتاب‌های درسی، معرفی کتاب‌های آموزشی گوناگون است. در کتاب راهنمای معلم هم کتاب‌های آموزشی مرتبط با هر درسی معرفی می‌شوند. حتی اخیراً در سایت‌هایی، فهرست کتاب‌هایی برای مراکز تربیت معلم درج می‌شود. یک بُعد دیگر، معرفی کتاب‌های برگزیده در انتهای کتاب درسی است. اما این‌ها در واقع تبلیغ محسوب می‌شوند. حتی می‌توان برنامه‌ریزی کرد، در سطح استان‌ها نمایشگاه‌های کتاب در مدارس برگزار شوند و کتاب‌های برگزیده را معرفی کنیم. حتی جزو شاخص‌های ارزش‌یابی کار معلمان می‌تواند این باشد که ببینیم آیا دانش‌آموزان را به استفاده از کتاب‌های آموزشی تشویق می‌کنند یا خیر؟

امروز هم رویکرد ما در سند برنامه‌ی درسی ملی، رویکرد «کتاب‌محوری» نیست؛ رویکرد چندرسانه‌ای و رویکرد منابع متنوع یادگیری است. در واقع سعی می‌کنیم برنامه زیاد روی کتاب درسی متمرکز نباشد. این البته لازم است، ولی کافی نیست. سیاست‌هایی هم باید برای ترویج اعمال کرد.

در سطح
استان‌ها نمایشگاه‌های
کتاب در مدارس برگزار شوند
و کتاب‌های برگزیده را معرفی
کنیم

داودی: خیلی ممنون. وقت جلسه هم تمام شد. به نظرم بحث خوبی بود. یعنی از مجموع مطالب این جلسه می‌توان نکات خیلی خوبی را استخراج کرد. البته این فقط یک استارت و جرقه بود. بحث ما باید برسد به ارائه‌ی پیشنهاد برای کار جشنواره.



۲۷/۲۶۹۰۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۳۹



طبقه‌بندی درست کتاب‌های علمی - آموزشی یک ضرورت علمی است



با نگاهی به تعریف و طبقه‌بندی
موجود کتاب‌های آموزشی

جمال‌الدین اکرمی

اشاره

یکی از این مباحث مطرح شده در جلسات مرتبط با طرح سامان‌بخشی و یا میزگردهایی مشابه در خصوص تولید کتاب‌های آموزشی، بحث تعریف و طبقه‌بندی کتاب‌های آموزشی است. در طرح سامان‌بخشی نیز اولین سندی که تولید شد به همین موضوع اختصاص یافت اما به نظر می‌رسد هنوز این موضوع محل بحث و مناقشه است. آقای اکرمی در این مقاله تلاش کرده است برای تعاریف مختلف طبقه‌بندی جدیدی ارائه کنند.

سرردیبر

۲۷/۲۶۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۴۰

طبقه‌بندی یعنی چه؟

آیا بدون طبقه‌بندی می‌توان لایه‌های گوناگون و پنهان در یک مجموعه‌ی چند منظوره را به درستی دریافت؟

آیا پیروی از طبقه‌بندی‌های علمی صورت گرفته، ضروری است یا اختیاری؟ هرچند ممکن است پاسخ به پرسش‌های بالا، گزینه‌های متفاوتی را در برگیرد، اما پاسخ‌گویی به آن‌ها برای دست‌یابی به علمی‌ترین پاسخ، بدون شک یک ضرورت است. کافی است کنار دست هم بنشینیم و همراه با صرف چای و گفت و گوهای روزمره، فهرست «کتاب‌های برگزیده و تقدیری جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد - دوره‌ی اول تا هفتم» را که بدون هیچ شناس‌نامه‌ای

توسط دبیرخانه‌ی سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی فراهم شده است، ورق بزیم تا لایه‌لای تک و تعارف‌های دوستانه، به سادگی متوجه مخدوش بودن و در هم بودن فهرست شویم، و در گفت و گویی ژرف‌تر، به بی‌اهمیت انگاشتن کار پژوهش در طبقه‌بندی کتاب‌های علمی - آموزشی پی ببریم.

این اثر اگر در نهادی غیر رسمی دیگری تدارک دیده شده بود، اشکالاتش با «اما» و «اگرهای» قابل چشم‌پوشی بود، اما از سوی «طرح سامان‌دهی ...» که سال‌هاست تعریف‌ها، طبقه‌بندی‌ها، و نگاه علمی و هوشمندانه به جایگاه «کتاب‌های آموزشی» را جست و جو می‌کند، چنین نگاه فله‌ای و گذرا، عجیب جلوه می‌کند!

صورت مسئله بسیار ساده است. مخلوط کردن شکر و نمک در چای در حالی که وجود هر یک از آن‌ها برای بدن لازم است. نگاهی گذرا به بخشی از یک ستون فهرست، این چندگانگی بی‌طبقه را به سادگی توضیح می‌دهد:

۱۱. آمادگی در برابر زلزله (علوم تجربی)

۱۲. راهنمای بازی‌های ایران (تربیت‌بدنی)

۱۳. مجموعه‌ی ۱۵ جلدی تاریخ انقلاب (تاریخ)

۱۴. امیرکبیر (تاریخ)

۱۵. یاد در گیسوان آتش (تاریخ «؟»)

(صفحه‌ی ۵ - دومین جشنواره، ۱۳۸۰ - ردیف ۱۱ تا ۱۵)

چنین هم‌کناری ناشناخته‌ای، همان فرایند آمیختنی نمک و شکر به همراه آبلیمو و افشردی توت‌فرنگی است؛ چرا که با نگاهی ساده به عنوان کتاب‌ها می‌توان دریافت:

۱. «آمادگی در برابر زلزله» یک کتاب آموزشی - کاربردی است.

۲. «راهنمای بازی‌های ایران» به میدان‌های کتاب‌های «بازی و سرگرمی» تعلق دارد.

۳. «مجموعه‌ی ۱۵ جلدی تاریخ انقلاب»، نگاهی جامع به مقطعی از تاریخ است.

۴. «امیرکبیر» یک کتاب اطلاعاتی و دانش‌افزا است و به مجموعه‌ی «زندگی‌نامه‌ها» مربوط می‌شود.

۵. «یاد در گیسوان آتش» داستانی است با درونمایه‌ی تاریخی.

و ...

لایه‌لای فهرست جدا نشده‌ی بالا، با عناوین دیگری چون «صحراها و رودخانه‌ها» که یک کتاب علمی است، «تمرین زبان انگلیسی - دوم راهنمایی» که یک کتاب کمک‌درسی است، و «کمک به یادگیری کودکان در ریاضیات» که یک کتاب روش تدریس است، بر می‌خوریم که تنها لایه‌ی طبقه‌بندی شده‌ی آن‌ها، ستون اول جدول است که آن را بر اساس فهرست کتاب‌های درسی، با عنوان‌هایی چون: زبان‌آموزی، ریاضی، علوم، هنر و غیره، از یکدیگر جدا کرده‌اند. غافل از آن که این طبقه‌بندی تنها شایسته‌ی کتاب‌های (درسی، کمک‌درسی، و کمک‌آموزشی است، نه کتاب‌های علمی، دانش‌افزا، و زندگی‌نامه‌ها که کتاب‌های ادبیاتی به شمار می‌روند و بخش وسیعی از کتاب‌های جشنواره را در بر می‌گیرند.

طبقه‌بندی علمی کتاب‌های ادبیاتی (چه داستانی و چه غیر داستانی)، نه بر اساس موضوع درس (هنر، ریاضی، علوم و غیره) که بر اساس درونمایه‌ی موضوعی باید انجام شود و علمی‌ترین آن



طبقه‌بندی
علمی کتاب‌های
ادبیاتی، نه بر اساس
موضوع درس که بر اساس
درونمایه‌ی موضوعی باید
انجام شود و علمی‌ترین آن
طبقه‌بندی «دیویی»
است

طبقه‌بندی «دیویی» است که جنبه‌ی کاربردی دارد و اساس طبقه‌بندی کتاب‌خانه‌ها محسوب می‌شود. در این طبقه‌بندی، مثلاً کدبندی کتاب‌های هنر و سرگرمی، در گونه‌های متفاوت آن، از شماره‌های ۷۰۰ تا ۷۹۹ را در بر می‌گیرد.

هرچند، همه‌ی کتاب‌های فهرست شده را از یک نگاه، که در این‌جا نگاه جشنواره‌ای به کتاب‌های آموزشی است، می‌توان در رده‌ی «کتاب‌های آموزشی» جا داد، اما از لایه‌ها و رویکردهای متفاوتی برخوردارند و طرح «حوزه‌ی آموزشی» در کنار جدول فهرست، یک طبقه‌بندی فراگیر، محتوایی، و علمی نیست و تنها یک طبقه‌بندی شکلی و ظاهری، آن هم بر مبنای عناوین درس‌های مدرسه‌ای است. مثل آن که بخواهیم دانش‌آموزان سوم دبستان را از نظر کوتاهی و بلندی قد، و نه از نظر دانش، و یا علاقه‌مندی به یکدیگر، در کلاس‌های جداگانه کنار هم قرار دهیم؛ آن‌گونه طبقه‌بندی که بیش از پیروی از یک نگاه علمی، بر یک طبقه‌بندی «کلاسی» و «آموزش و پرورشی» مبتنی است.

نگاهی «بدون شرح» به این فهرست، نشانگر آن است که با وجود تلاش‌های پراکنده و فراوان کارشناسان و پژوهشگران «ادبیات کودک» و «آموزش و پرورش» هنوز تعریف و طبقه‌بندی یکدست و پذیرفته‌شده‌ای در این زمینه وجود ندارد و بر همین اساس، فهرست‌بندی کتاب‌های انتخاب شده از سوی گروه داوران، به شکل درهم و به اصطلاح «هیبتی» تنظیم شده است. این فهرست هم‌چنین گویای نگاه درهم هیئت داوران به کتاب‌های رسیده به دفتر جشنواره نیز هست.

هرچند کتاب‌های یادشده، از نظر نوع «جایزه‌ی دریافت‌شده» و «گروه درسی» از یکدیگر جدا شده‌اند، اما چنین نگاهی پیش از طرح طبقه‌بندی از نظر نوع کتاب آموزشی و علمی، نشانگر کم‌توجهی به فرایند پژوهش و نتیجه‌گیری از تلاش گروهی کارشناسان، و تحمیل نگاه «آموزشی و پرورشی» به کل جریان تولید کتاب‌های آموزشی در ایران است.

از سوی دیگر، این سردرگمی ناشی از نبود تعریف منسجم و طبقه‌بندی پذیرفته شده در میان دست‌اندرکاران جشنواره و کارشناسان دفتر پژوهش است. وجود دوگانگی در تعریف و محدود کردن آثار علمی و آموزشی به محدوده‌ی «برنامه‌ی درسی» را در نمونه‌های زیر می‌توان مشاهده کرد:

«از دیدگاه خاص و در قلمرو تعلیم و تربیت، کتاب‌هایی که با هدف رشد و توسعه‌ی سواد علمی، مهارتی و دانش‌افزایی و در راستای تحقق و تقویت هدف‌های **برنامه‌های درسی** وزارت آموزش و پرورش برای مخاطبان و گروه‌های سنی خاص به رشته‌ی تحریر در می‌آیند، کتاب آموزشی هستند.»

(رشد جوانه، شماره ۵، بهار ۱۳۸۳، ص ۳۷)

و یا:

«کتاب‌های آموزشی، کتاب‌هایی هستند که به منظور ایجاد انگیزه، توسعه‌ی یادگیری، افزایش دانش و معلومات زبانی و ادبی، پرورش مهارت‌های ذهنی و علمی، رشد روابط اجتماعی و ارتقای یادگیرنده با توجه به هدف‌های **برنامه‌ی درسی** [...] تهیه و تنظیم می‌شوند.»

(جزوه‌ی «ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی»، دوره‌ی راهنمایی تحصیلی (فارسی) دفتر انتشارات

**کتاب‌هایی
که با هدف رشد و
توسعه‌ی سواد علمی، مهارتی
و دانش‌افزایی و در راستای تحقق
و تقویت هدف‌های برنامه‌های درسی
وزارت آموزش و پرورش برای
مخاطبان و گروه‌های سنی خاص به
رشته‌ی تحریر در می‌آیند کتاب
آموزشی هستند**

کمک آموزشی، تابستان ۸۴، ص ۱۲)

چنین تعریفی در مورد کتاب‌های آموزشی، فقط در حوزه‌ی مدرسه‌ای، و در استنباط‌های شخصی قابل ارائه است؛ چرا که بسیاری از کتاب‌های برگزیده در جشنواره با هدف «تقویت برنامه‌های درسی وزارت آموزش و پرورش» تدوین نشده‌اند. برنامه‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، آن هم در شکل وطنی آن، چه به دلیل غیر اصلی و غیر درسی بودن و چه به دلیل نگاه‌های نگرشی آن، امکان پذیرش بسیاری از این کتاب‌ها را ندارد و اصلاً عیار سنجی کتاب از نگاه «برنامه‌ی درسی» یک داوری منصفانه، فراگیر و علمی نیست.

مثلاً کتاب «استراتژی قضاوت در فوتبال» که کتاب تقدیری جشنواره در سال ۱۳۸۳ است، چگونه در داوری عادلانه می‌تواند با هدف «برنامه درسی» دوره‌ی راهنمایی هم‌سو باشد؟ آیا ناشر در چاپ این اثر، تقویت «برنامه‌ی درسی» دانش‌آموزان را در نظر داشته یا «دانش‌افزایی» نوجوانان را در عرصه‌ی ورزش؟ کدام‌یک؟

و یا کتاب «دنیای سوفی» که به عنوان کتاب برگزیده در زمینه‌ی فلسفه و منطق در سال ۱۳۸۱ انتخاب شده و کتابی ترجمه شده است، ضمن آن‌که از درونمایه‌ی داستانی برخوردار است، یک کتاب «دانش‌افزا»ست، نه آموزشی. از دیدگاه‌هایی در فلسفه برخوردار است که گاه با نگاه آموزش و پرورش وطنی و با هدف تقویت «برنامه‌ی درسی» هماهنگ نیست. همین‌طور در مورد کتاب «آموزش مصور حقوق بشر» چه از نظر محتوا و چه از حیث دیدگاه، با مطالب کتاب‌های درسی متفاوت است؛ هرچند کتاب تقدیری جشنواره به شمار می‌رود. مگر آن‌که بخواهیم همه‌ی کتاب‌های چاپ شده‌ی علمی، دانش‌افزا، و آموزشی را به نوعی با «برنامه‌ی درسی» آموزش و پرورش ایران مربوط بدانیم و فراموش کنیم که این کتاب‌ها، در مرحله‌ی نخست نه برای دانش‌آموزان مدرسه‌ای که برای کودکان و نوجوانان دنیا نوشته شده‌اند. چنین تعبیری به معنای آن است که دانش بشری باید دنباله‌روی «برنامه‌ی درسی» آموزش و پرورش مدرسه‌ای باشد، نه آموزش و پرورش جایگاه طرح خواسته‌های اجتماعی.

از سوی دیگر، همین نگاه مدرسه‌ای «برنامه‌ی درسی» سبب شده است بسیاری از کتاب‌های پیش‌دستانی که برخی از آن‌ها از خلاقیت‌ها و تلاش‌های برجسته‌ای برخوردارند، از میدانه‌ی بررسی گروه داوران، و فهرست کتاب‌های «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی» خارج شود.

و در تعریفی دیگر:

«کتاب آموزشی، اگر مبتنی بر هدف‌ها و محتوای کتاب‌های درسی نباشد [...]، نامطلوب محسوب می‌شود (!)»

(رشد جوانه، شماره‌ی ۱۶ و ۱۷، پاییز و زمستان ۸۵، ص ۳۱)

و یا:

«منظور از کتاب آموزشی، کتابی است که بر **برنامه‌ی رسمی آموزشی وزارت آموزش و پرورش** منطبق است و بنابراین تعریف، تمامی کتاب‌هایی که جنبه‌ی آموزشی دارند و با همین هدف نوشته شده‌اند، اما رسماً بر این برنامه منطبق نیستند، از شمار آن‌ها خارج می‌شوند. برای مثال، تمام کتاب‌های فرهنگ لغت، آثار آیزاک آیسیموف و مجموعه‌هایی که طی عناوین متفاوتی از قبیل کوه‌ها، دریاها، صحراها و ... نگارش یافته‌اند، از شمول تعریف خارج می‌شوند. در



همین

نگاه مدرسه‌ای

«برنامه‌ی درسی» سبب

شده است بسیاری از کتاب‌های

پیش‌دستانی که برخی از آن‌ها از

خلاقیت‌ها و تلاش‌های برجسته‌ای

برخوردارند، از میدانه‌ی بررسی گروه

داوران، و فهرست کتاب‌های

«جشنواره‌ی کتاب‌های

آموزشی» خارج شود

۲۷/۲۶۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۴۳



این جا تنها کتاب‌هایی مورد نظر هستند که آن‌ها را حول محور برنامه‌های رسمی وزارت آموزش و پرورش با قصد آموزش می‌نویسند...»

(رشد جوانه، شماره‌ی ۱۶ و ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۳)

در این جا نیز، با تعریف آموزش و پرورش مدرسه‌ای با کتاب‌های آموزشی برخورد می‌شود. هر چند نویسنده به درستی کتاب‌هایی چون «کوه‌ها»، «دریاها»، و همچنین آثار علمی آیزاک آسیموف را که کتاب‌های ادبیات غیر داستانی به شمار می‌روند و به میزبانی کتاب‌های «دانش‌افزا» و «اطلاعاتی» اختصاص دارند، از شمار کتاب‌های آموزشی خارج ساخته است، ولی نخست آن که چنین کتاب‌هایی در «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی» مورد بررسی قرار می‌گیرد و حتی به دریافت جایزه نائل می‌آید. دیگر آن که هرگونه تعریف کردن کتاب آموزشی بر اساس «برنامه‌ی درسی»، آن را از حوزه‌ی «آموزش و پرورش فراگیر» خارج می‌سازد و در محدوده‌ی «آموزش و پرورش مدرسه‌ای» قرار می‌دهد و در این صورت، محدود کردن فعالیت‌های جشنواره‌ای را سبب خواهد شد.

مگر آن که هدف «طرح سامان‌بخشی» حذف بسیاری از کتاب‌های مفید از فهرست کتاب‌های آموزشی منطبق بر برنامه‌ی درسی تعریف شود، و در نتیجه به بستن درهای جشنواره به روی چنین کتاب‌های بینجامد. در حالی که در طرح استانداردسازی کتاب‌ها و نشریات آموزشی و تربیتی (رشد جوانه، ش ۲۲، ص ۴) ضرورت تغییر رویکرد آموزشی به رویکرد فرهنگی «تربیتی» و تغییر روش سنتی آموزش به یادگیری فعال جزو استانداردها قرار گرفته و برای دست یابی به این فرایند، نگاه غیر «برنامه‌ی درسی» از ضرورت‌های آن است. و **اما تعریف‌های دیگر از چشم‌انداز «رسانه‌های آموزشی»:**

نظام‌های آموزشی عبارتند از: «مجموعه برنامه‌ها، روش‌ها و مواد فراهم آورده شده برای دست‌یابی به هدف‌های مشخص آموزشی» [ریگلوت، ۱۳۷۴: ۳].

«آموزش مجموعه‌ای از رویدادهاست که بر یادگیرندگان به طریقی اثر می‌کند تا یادگیری آسان شود [گانیه، ۱۹۷۷].»

(مجموعه‌ی سه تعریف بالا از: رشد جوانه، شماره‌ی ۵، بهار ۱۳۸۳، ص ۶۹)

به این ترتیب، در هیچ کدام از تعریف‌های بالا به فرایند آموزش، به عنوان جریان دست‌یابی به «اهداف برنامه‌ی درسی» و حتی نقش مطلق «آموزش و پرورش» به عنوان متولی فرایند آموزش

اشاره‌ای نشده است. چگونه است که در محدوده‌ی طرح سامان‌بخشی، تا این حد بر انطباق کتاب‌های آموزشی بر برنامه‌ی درسی تأکید می‌شود؟
دلیل دوگانگی‌های موجود در نگاه کارشناسان آموزش و پرورش را می‌توان در فرایندهای زیر جست‌و‌جو کرد:

۱. تاکنون تعریف کاملی از «کتاب‌های آموزشی» و طبقه‌بندی درست آن‌ها ارائه نشده است.
۲. جایی برای کتاب‌های «دانش‌افزا» و «اطلاعاتی» در نظر گرفته نشده است.
۳. رویکردهای طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی بر اساس تعریف «کتاب آموزشی منطبق بر برنامه‌ی درسی» شکل گرفته‌اند و در این طرح، جایی برای آموزش و پرورش فراگیر و خلاق در نظر گرفته نشده است. این امر مانع از گسترش اهداف طرح در میدانه‌ی کتاب‌های «دانش‌افزا» شده و در نتیجه، دست کارشناسان خود را در ارائه‌ی تعریف جامع و طبقه‌بندی علمی «از کتاب‌های آموزشی» و توجه به کتاب‌های «دانش‌افزا»، بسته است.

عنوان
«جشنواره‌ی
کتاب‌های آموزشی»
کتاب‌های «دانش‌افزا» را
که با هدف «فراگیری» نوشته
شده‌اند و نه «آموزش»، از
میدانه‌ی جشنواره خارج
خواهد ساخت

۴. عنوان «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی»، کتاب‌های «دانش‌افزا» را، که با هدف «فراگیری» نوشته شده‌اند و نه «آموزش»، از میدانه‌ی جشنواره خارج خواهد ساخت. در حالی که چنین کتاب‌هایی در حال حاضر در جشنواره مورد بررسی قرار می‌گیرند و بسیاری از آن‌ها به فهرست «کتاب‌های برگزیده» راه یافته‌اند. شاید بهتر باشد عنوانی مانند «جشنواره‌ی کتاب‌های علمی - آموزشی» برای آن‌ها انتخاب شود تا امکان حضور اسمی کتاب‌های ادبیاتی و غیر آموزشی، هم چون «کوه‌ها»، «صخره‌ها» و آثار «آیزاک آسیموف» در آن، وجود داشته باشد.

چه باید کرد؟

چه راهکارهایی برای رفع اشکالات تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌های موجود، و رفع موانع آسیب‌شناسانه‌ی آن وجود دارد؟

۱. بازنگری در تعریف «کتاب‌های آموزشی» و توجه به کتاب‌های «دانش‌افزا».
۲. بازنگری در طبقه‌بندی «کتاب‌های آموزشی» و جدا شدن آن‌ها از کتاب‌های ادبیاتی «دانش‌افزا». فرایندی که باید با هم‌نشینی دوباره‌ی کارشناسان کتاب‌های درسی - آموزشی با پژوهشگران و کارشناسان «ادبیات کودکان و نوجوانان» صورت گیرد.

تعریف و طبقه‌بندی پیشنهادی

تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌های پیشنهادی زیر را می‌توان مبنای کار بازنگری گروه کارشناسان قرار داد؛ هرچند ممکن است در مرحله‌ی بازنگری، پیش فرض‌های پایه در تعریف و طبقه‌بندی دوباره، به کلی کنار گذاشته شوند و یا کامل‌تر شوند.

الف) در زمینه‌ی تعریف

۱. «کتاب آموزشی» کتابی است که مستقیماً با هدف آموزش تدوین شده و عمدتاً از روش آموزش مرحله‌ای و گام به گام برخوردار است؛ چه برای کودکان و نوجوانان و چه برای بزرگسالان، چه مرتبط با برنامه‌های درسی و چه مستقل از آن.

۲. «**کتاب‌های اطلاعاتی**»^۱ یا دانش‌افزا، کتاب‌هایی هستند که به منظور فراگیری دانش‌های پراکنده درباره‌ی پدیده‌های جریان هستی تدوین شده‌اند. در این کتاب‌ها، فراگیری دانش توسط مخاطب، مهم‌تر از آموزش به آن‌هاست.

۳. **کتاب‌های «دانش‌افزا» یا اطلاعاتی**، به میدان‌های کتاب‌های ادبیاتی (ادبیات غیر تخیلی یا ادبیات غیر داستانی)^۲ تعلق دارند، هرچند ممکن است از داستانی برخوردار باشد که هدف اصلی آن «فراگیری دانش» باشد، نه خیال داستانی.

۴. **و در تعریفی تازه از نگاه دونانورتون:** «کتاب‌های اطلاعاتی تقریباً در هر موضوعی در دسترس هستند و کودکان، آموزگاران، پدرها و مادرها و کتابداران به آن بها می‌دهند. این آثار با این که غیر داستانی هستند، اما به ارزیابی دقیق محتوا نیاز دارند.»^۳



(ب) در زمینه‌ی طبقه‌بندی

۱. طبقه‌بندی کتاب‌های آموزشی^۴

کتاب‌های «آموزشی» به گونه‌های زیر دسته‌بندی می‌شود:

■ **کتاب‌های درسی**^۵: کتاب‌هایی هستند که بر اساس برنامه‌ی درسی توسط آموزش و پرورش چاپ شده‌اند و در مدارس آموزش داده می‌شوند؛ مثل کتاب ریاضی دوم دبستان.

ویژگی‌ها

- منطبق با عنوان درس‌ها دسته‌بندی می‌شود؛ مثل تاریخ، جغرافیا، فارسی، و ...
- «کتاب» کودک، نوجوان، جوان، و بزرگسالان شمرده نمی‌شوند.
- طبقه‌بندی آن‌ها منطبق بر طبقه‌بندی «دیویی» نیست.
- ناشران خصوصی عمدتاً در تدوین آن‌ها نقشی ندارند (در ایران).
- در «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی»، این کتاب‌ها بررسی نمی‌شوند.
- فرایند آموزش در این کتاب‌ها به روش «آموزش مستقیم» است.
- و ...

■ **کتاب‌های کمک درسی:** «کتاب‌هایی هستند که با هدف تحکیم یادگیری محتوای برنامه‌ی درسی رسمی و تحقق این برنامه تألیف می‌شوند.» (رشد جوانه، شماره ۵، ص ۴۰)

کتاب‌های کار و تمرین، هم‌چون آزمون‌ها و حل‌المسائل‌ها را نیز می‌توان در این حوزه گنجانده؛ مثل کتاب‌های راهنمای دوم دبستان یا آزمون ریاضی دوم دبستان.

ویژگی‌ها

- بر اساس عنوان درسی طبقه‌بندی می‌شوند، نه روش دیویی.
- ناشران خصوصی در تدوین آن‌ها نقش اساسی دارند.

□ در «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی» مورد بررسی قرار می‌گیرند.
 □ کتاب کودک و بزرگسال شمرده نمی‌شوند.
 □ فرایند آموزش در این کتاب‌ها به روش «آموزش مستقیم» و متکی بر کتاب‌های درس است.
 □ و ...

□ این کتاب‌ها عمدتاً در آموزشگاه‌ها یا توسط مخاطب مورد مطالعه قرار می‌گیرند.
 ■ **کتاب‌های کمک آموزشی^۶:** کتاب‌هایی هستند که «به منظور گسترش سواد علمی، افزایش دانش مخاطبان، و پرورش مهارت‌های ذهنی و علمی، در حیطه‌ای خاص و یا با هدف رشد آگاهی‌های اجتماعی و بهداشتی علمی و مهارتی دانش‌آموزان تألیف می‌شوند. این نوع کتاب‌ها ممکن است که مستقیماً با هدف‌های برنامه‌های درسی دوره‌ی تحصیلی مرتبط باشند و یا ارتباط چندانی نداشته باشند.

(رشد جوانه، شماره‌ی ۵، ص ۴۰)
 از کتاب‌های کمک آموزشی می‌توان «آمدگی در برابر زلزله» و «کسرها»، از جمله کتاب‌های انتخاب شده در جشنواره را نام برد.

ویژگی‌ها

□ ناشران خصوصی و آموزش و پرورش در تدوین آن‌ها نقش اساسی دارند.
 □ تعداد اندکی از این کتاب‌ها که ویژگی ادبیاتی آن‌ها برجسته است، در طبقه‌بندی «دیوبی» جای دارند و به عنوان کتاب کودک یا بزرگسال شناخته می‌شوند. ولی عمدتاً بر اساس موضوع آموزش طبقه‌بندی می‌شوند.

□ در «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی» مورد بررسی قرار می‌گیرند.
 □ این کتاب‌ها می‌توانند در کتاب‌خانه‌ی مدارس جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. نه به توصیه‌ی آموزشگاه‌ها و مدارس، بلکه عمدتاً توسط مخاطب مورد مطالعه قرار می‌گیرند.
 □ ممکن است به شکل شعر یا قصه نگاشته شده باشند، ولی شعر یا قصه هدف اصلی نیست و جنبه‌ی خیال‌انگیز ندارد.

□ و ...

۲. طبقه‌بندی کتاب‌های «دانش‌افزا»

این کتاب‌ها به دو گروه عمده‌ی «زندگی‌نامه‌ها»، «کتاب‌های اطلاعاتی» تقسیم می‌شوند.
 □ «زندگی‌نامه‌ها»: ^۷ و «خود زندگی‌نامه‌ها» ^۸ کتاب‌هایی هستند که توسط نویسندگان و پژوهشگران و یا خود شخصیت‌ها، درباره‌ی شخصیت‌های نام‌آور جهان نوشته می‌شوند؛ مانند «امیرکبیر» (برنده‌ی رتبه‌ی دوم جشنواره‌ی دوم، ۱۳۸۰).
 □ کتاب‌های اطلاعاتی: ^۹ کتاب‌هایی هستند که اطلاعاتی درباره‌ی پدیده‌های جهان هستی به مخاطب ارائه می‌دهند.

دونانورتون، گوناگونی این کتاب‌ها را به این صورت طبقه‌بندی می‌کند:

۱. تاریخ و فرهنگ، ۲. طبیعت (بدن انسان، جانوران، گیاهان، زمین شناسی و جغرافیا)، ۳. اکتشاف‌ها و چگونگی کارکرد ابزارها، ۴. سرگرمی‌ها (هنرهای خلاق، کارهای دستی، و کتاب‌های «چگونه انجام دهیم».^{۱۰}
 (شناخت ادبیات کودکان، ص ۶۲۳-۵۶۴).

هرچند ممکن است طبقه‌بندی‌هایی بهتر از نمونه‌ی بالا وجود داشته باشند، ولی این طبقه‌بندی، به گونه‌های متفاوت کتاب‌های اطلاعاتی و جدایی آن‌ها از یکدیگر پاسخ می‌دهد.

ویژگی‌ها

□ به قصد آموزش نگاه‌شده‌اند و خواننده از طریق مطالعه، به فراگیری دانش موردنظر دست می‌یابد.

□ به حوزه‌ی ادبیات (ادبیات غیر تخیلی و ادبیات غیر داستانی) تعلق دارند و در کتاب‌خانه‌ها عمدتاً به روش «دیویی» طبقه‌بندی می‌شوند.

□ ممکن است به شیوه‌ی شعر یا داستانی نگاه‌شده شده باشند، ولی داستان و شعر آن‌ها خیال‌انگیز نیست و هدف اصلی متن به شمار نمی‌رود.

□ هرچند کتاب‌های «آموزشی» نیستند، ولی عمدتاً در «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی» مورد بررسی قرار می‌گیرند.

□ تدوین آن‌ها عمدتاً توسط ناشران خصوصی صورت می‌گیرد، ولی ممکن است «آموزش و پرورش» نیز در تدوین آن‌ها شرکت جوید.

□ و ...

حرف آخرچالش‌های مطرح شده در این متن، به منظور مانع تراشی در برنامه‌های «طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی» ارائه نشده‌اند و بیشتر حکم «راهکار پیشنهادی» برای بحث و گفت‌وگو درباره‌ی ضرورت بازنگری در طرح مذکور را دارند. در پایان نگارنده پیشنهاد می‌کند، که به جای استفاده از فهرست‌بندی کتاب‌های جشنواره و فرایند داوری آن‌ها، از سه جدول جداگانه با عنوان‌های ۱. کتاب‌های درسی، ۲. کتاب‌های کمک آموزشی (به عنوان کتاب‌های آموزشی) و ۳. کتاب‌های دانش‌افزا (به عنوان کتاب‌های ادبیاتی)، با لایه‌بندی‌های زیرمجموعه‌ای آن‌ها، استفاده شود.

دیگر آن‌که عنوان «جشنواره‌ی کتاب‌های علمی - آموزشی» می‌تواند بررسی کتاب‌های «دانش‌افزا» را در جشنواره توجیه کند. هرچند این عنوان کامل نیست، ولی محدوده‌ی «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی» را گسترش می‌دهد.

◀ زیر نویس

1. Informa Tionap

2. Nonfiction

۳. از کتاب: شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها (از روزنه چشم کودک)
ترجمه: منصوره راعی و دیگران، نشر قلمرو، پاییز ۸۲، ص ۵۸۳

4. Didactic Books

5. Text Books

6. Trainims Support

7. Biography

8. Autobiography

9. Informational Books

۲۷/۲۶۹۱۲۹

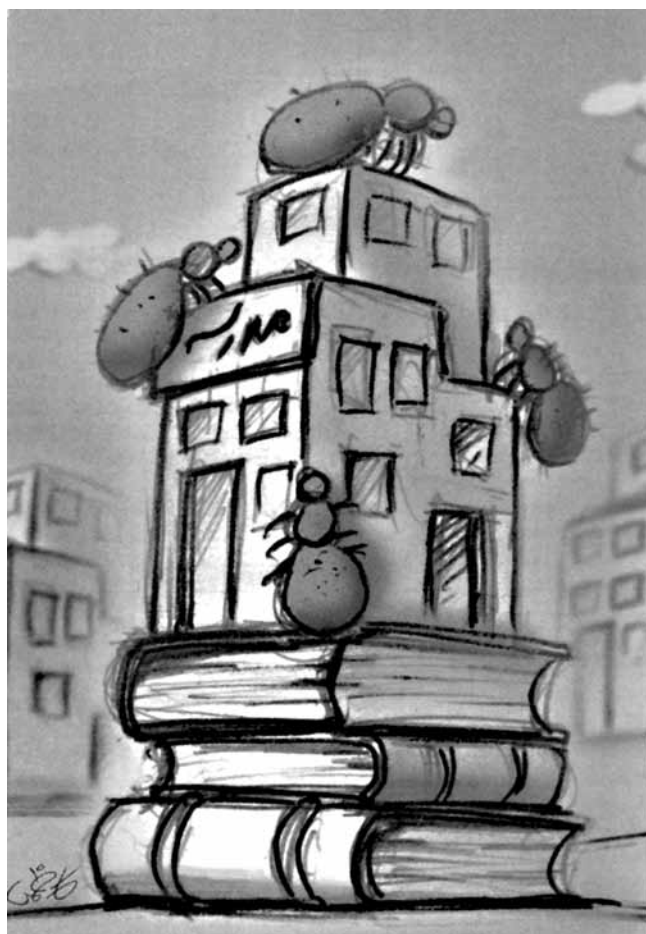
بهار و تابستان ۱۳۸۸


۴۸

۲۷/۲۶۹۰۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

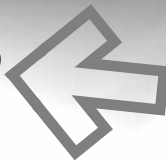
۴۹





طی یک نظر سنجی جمع آوری شد.

نگاه ناشران به طرح



«سامان بخشی کتاب‌های آموزشی»

● تدوین: نصرالله دادار
● پرسشگران: فاطمه خرقانیان و یاسمن محمودی

اشاره

«طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی» در سال ۱۳۷۸، با هدف تشویق، هدایت و پشتیبانی از فعالیت پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی مناسب و استاندارد در جهت غنی‌سازی برنامه‌های درسی به اجرا درآمد. متولیان این طرح، به منظور اجرای هر چه بهتر آن، تلاش‌های گسترده‌ای در طول این ده سال انجام داده‌اند. انتشار ۳۱ جلد راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی، ۲۹ شماره کتاب‌نامه‌ی رشد، ۲۵ شماره مجله‌ی «رشد جوانه» و برگزاری هفت دوره جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی، بخشی از این تلاش‌هاست.

اینک ده سال از اجرای طرح می‌گذرد و ضروری است که بدانیم نظر ناشران به عنوان پدیدآورندگان اصلی کتاب‌های آموزشی در مورد طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی چیست.

در ادامه مشروح نظر سنجی در این زمینه از نظر تان می‌گذرد.

۲۷/۲۶۹۰۲۰۲

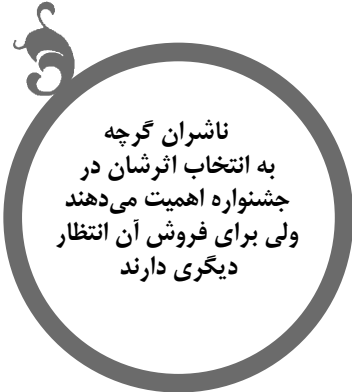
بهار و تابستان ۱۳۸۸

۵۰

جامعه‌ی آماری

در حال حاضر، حدود ۴۰ ناشر در زمینه‌ی تولید کتاب‌های آموزشی و کمک درسی در کشور مشغول فعالیت هستند که معدودی از آن‌ها نسبت به دیگران فعالیت‌های گسترده‌تری دارند. در این نظرسنجی، ۲۰ ناشر به شرح زیر به عنوان جامعه‌ی نمونه‌ی آماری انتخاب شدند و از آن‌ها خواسته شد که به سؤالات نظرسنجی پاسخ دهند:

۱. کتاب سبز
۲. نگارینه
۳. برگ نگار
۴. پیش‌دانشگاهیان
۵. مشق شب
۶. فنی ایران
۷. نص
۸. دانشیار
۹. گاج
۱۰. مهاجر
۱۱. علوی
۱۲. ققنوس
۱۳. منتشران
۱۴. توسعه آموزش
۱۵. استادی
۱۶. آینده‌دیگرنگر
۱۷. فدک ایساتیس
۱۸. آموزش کشاورزی کرج
۱۹. شباهنگ
۲۰. ورای دانش



ناشران گرچه
به انتخاب اثرشان در
جشنواره اهمیت می‌دهند
ولی برای فروش آن انتظار
دیگری دارند

۲۷/۲۶۹۰۱۳

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۵۱

از میان ناشران مذکور، فقط ۱۵ ناشر به سؤالات نظرسنجی پاسخ دادند، زیرا از پنج ناشر دیگر، دو ناشر (انتشارات نص و ققنوس) در دسترس نبودند، یک ناشر زمینه‌ی کاری خود را از انتشار کتاب‌های آموزشی تغییر داده بود (انتشارات استادی) و دو ناشر با وجود آن که سؤالات نظرسنجی برای آن‌ها ارسال شد، به سؤالات پاسخ ندادند (انتشارات گاج و منتشران).

سؤالات نظرسنجی

برای انجام این نظرسنجی، پرسش‌نامه‌ای حاوی ۱۹ سؤال در مورد طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی تهیه و از ناشران خواسته شد، به سؤالات پاسخ کوتاه دهند. متن سؤالات

نظرسنجی و پاسخ‌های ناشران به درصد به شرح زیر است:

۱. آیا با طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی آشنایی دارید؟

بله: ۴۶/۷ خیر: ۵۳/۳

۲. آیا می‌دانید متولی این طرح کیست؟

می‌دانم: ۳۳/۳ نمی‌دانم: ۶۶/۷

۳. آیا از هدف آن آگاهی دارید؟

می‌دانم: ۴۰ نمی‌دانم: ۶۰

۴. آیا تاکنون در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی شرکت داشته‌اید؟

بله: ۷۳/۳ خیر: ۲۶/۷

۵. آیا نتایج جشنواره را دنبال می‌کنید و برایتان اهمیت دارد؟

بله: ۶۶/۷ خیر: ۳۳/۳

۶. آیا تاکنون کتاب برگزیده داشته‌اید؟

بله: ۶۰ خیر: ۴۰

۷. آیا برگزیده شدن کتاب در فروش آن تأثیر داشته است؟

بله: ۴۶/۷ خیر: ۵۳/۳

۸. آیا داوری جشنواره را مناسب می‌دانید؟

بله: ۶۰ خیر: ۴۰

۹. آیا کتابی را منتشر کرده‌اید که استحقاق برگزیده شدن داشته باشد؟

بله: ۶۶/۷ خیر: ۳۳/۳

۱۰. آیا کتاب‌های استاندارد راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی، که بخشی از خروجی این طرح است را دیده‌اید؟

بله: ۵۳/۳ خیر: ۴۶/۷

۱۱. آیا معیارها و توصیه‌های این راهنماها را مفید و راه‌گشا ارزیابی می‌کنید؟

بله: ۳۳/۳ خیر: ۶۶/۷

۱۲. آیا تاکنون برای تولید کتاب‌های آموزشی خود از این دفترچه‌های راهنما استفاده کرده‌اید؟

بله: ۲۰ خیر: ۸۰

۱۳. آیا این کار باعث بهتر شدن کیفیت اثر شما شده است؟

بله: ۲۶/۷ خیر: ۷۳/۳

۱۴. آیا تاکنون کتاب‌نامه‌های رشد را دیده‌اید؟

بله: ۸۰ خیر: ۲۰

۱۵. آیا می‌دانید چند شماره از این کتاب‌نامه چاپ شده است؟

می‌دانم: ۶/۷ نمی‌دانم: ۹۳/۳

۱۶. آیا از معرفی کتاب‌ها در کتاب‌نامه رضایت دارید؟

بله: ۶۰ خیر: ۴۰

۱۷. آیا تاکنون مجله‌ی رشد جوانه را دیده‌اید؟

بله: ۶۶/۷ خیر: ۳۳/۳

بیش از ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، تاکنون در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی شرکت داشته‌اند



۱۸. آیا یکی یا آخرین مطلبی را که در این مجله خوانده‌اید، به یاد دارید؟

می‌دانم: ۶/۷ نمی‌دانم: ۹۳/۳

۱۹. آیا محتوای مجله را برای ناشران و تولیدکنندگان کتب آموزشی مفید ارزیابی

می‌کنید؟

بله: ۳۳/۳ خیر: ۶۶/۷

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۱. بیش از ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، تاکنون در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی شرکت داشته‌اند و حدود ۶۶ درصد آنان، به نتایج جشنواره اهمیت می‌دهند. نظر به متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش کشور، این توجه ناشران کتاب‌های آموزشی به نتایج کار جشنواره غیرمنتظره نیست.

۲. با وجود واقعیت فوق، بیش از ۵۰ درصد این ناشران با طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی آشنا نبودند و بیش از ۶۰ درصد آنان متولی طرح را نمی‌شناختند و از اهداف طرح آگاهی نداشتند. بی‌شک آگاهی ایشان در این دو مورد، بر کیفیت آثاری که تولید می‌کنند اثر می‌گذارد. اگر مسئولان طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی مایل‌اند، اهداف جشنواره به اهداف ناشران تبدیل شود، بیش از این باید در معرفی طرح و اهداف آن بکوشند.

۳. از میان ناشران پاسخ‌دهنده به پرسش‌های ما، ۶۰ درصد آنان در جشنواره، کتاب برگزیده داشته‌اند و داوری جشنواره را نیز مناسب دانسته‌اند. با این حال، بیش از ۵۰ درصد آنان اذعان داشتند که برگزیده شدن کتاب در فروش آن تأثیر نداشته است. این واقعیت دو احتمال را مطرح می‌کند:

- ناشران گرچه به انتخاب اثرشان در جشنواره اهمیت می‌دهند، ولی برای فروش آن انتظار دیگری دارند؛ شاید معرفی اثرشان از طریق رسانه‌های جمعی، یا شاید خرید دولتی.
 - عیارهای سنجش داوران جشنواره با نیازهای مخاطبان هم‌خوانی ندارد.
- به هر صورت، این موضوع آن‌قدر اهمیت دارد که به بررسی‌های عمیق‌تری در مورد آن بپردازیم.

۴. پاسخ به پرسش‌های ۱۰ تا ۱۳ نشان از آن دارد که «راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی» که از سوی طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی برای آشنایی ناشران با نحوه‌ی تولید مطلوب این نوع کتاب‌ها تهیه و عرضه شده‌اند، در مجموع نتوانسته‌اند برای ناشران مفید واقع شوند.



۲۷/۲۶۹۰۱۹

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۵۳

جالب است که طبق یافته‌های نظرسنجی، فقط حدود نیمی از ناشران این راهنماها را دیده‌اند، اما حدود ۷۰ درصد ایشان معیارها و توصیه‌های راهنماها را مفید ندانسته‌اند. یعنی حدود ۲۰ درصد ناشران پاسخ‌دهنده، بی‌آن‌که راهنماها را دیده باشند، آن‌ها را مفید ندانسته‌اند.

استقبال نکردن ناشران از کتاب‌های راهنما، لزوماً به معنی نامناسب بودن آن‌ها نیست. به ویژه آن‌که ۸۰ درصد از این عزیزان، برای تولید کتاب‌های آموزشی خود اصلاً از این کتاب‌ها استفاده نکرده‌اند تا معیارها و توصیه‌ها محک بخورند و سنجیده شوند.



۵. برخلاف «راهنماها»، کتاب‌نامه‌ها ارزش‌های خود را به جامعه‌ی تولیدکنندگان کتاب‌های آموزشی شناسانده‌اند. ۸۰ درصد ناشران پاسخ‌دهنده، کتاب‌نامه‌های رشد را دیده‌اند و ۶۰ درصد آنان رضایت خود را از کتاب‌نامه‌ها اظهار داشتند. واقعیت این است که کتاب‌نامه‌ها اسناد اطلاعاتی ارزشمندی هستند که از جنبه‌های متفاوت می‌توانند یاور تولیدکنندگان کتاب‌های آموزشی باشند. در عین حال که جا دارد، تا حد امکان در بهبود کیفیت آن‌ها کوشید.

۶. حدود ۶۵ درصد پاسخ‌دهندگان مجله‌ی رشد جوانه را مطالعه کرده‌اند و همین درصد از آنان نیز آن را مفید ارزش‌یابی نکردند. تا امروز «رشد جوانه» مسیری دشوار و پر فراز و نشیب را پیموده است و امید می‌رود در آینده به عنوان رسانه‌ای قوی، میان ناشران و وزارت آموزش و پرورش ارتباطی دوسویه و شفاف برقرار سازد.



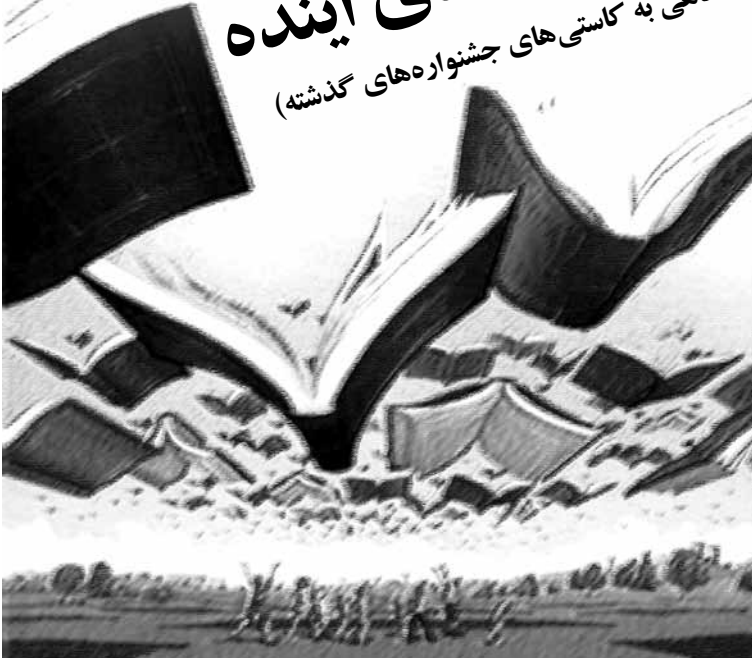
۲۷/۲۶۹۰۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۵۵

چهار پیشنهاد برای جشنواره‌های آینده

(با نگاهی به کاستی‌های جشنواره‌های گذشته)



جمال‌الدین اکرمی

اشاره

برگزاری هفت دوره‌ی جشنواره، با عنوان «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد»، و انتخاب کتاب‌های «برگزیده و تقدیری» توسط گروه‌های چندگانه‌ی داوران جشنواره، گسترده‌ترین فعالیت «دفتر انتشارات کمک آموزشی» در اجرای طرح «سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» است که از سال ۱۳۷۸ پی‌ریزی و دنبال شده است. نخستین جشنواره در آبان ماه ۱۳۷۹ و آخرین آن در آبان ماه ۱۳۸۷ برگزار شده و کتاب‌های گوناگون آموزشی، کمک درسی و کتاب‌های دانش‌افزا در حوزه‌های دوره‌ی آموزش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، متوسط و پیش‌دانشگاهی، و دوره‌ی آموزش فنی حرفه‌ای و کار و دانش مورد بررسی و داوری قرار گرفته است.

با نگاهی گذرا به تلاش‌های سپری شده، به نظر می‌رسد به کارگیری چهار راهکار پیشنهادی زیر، می‌تواند در راستای کیفیت بخشی به فعالیت‌های جشنواره، مؤثر واقع شود و کاستی‌های آن را کاهش دهد.

۲۷/۲۶۹۱۲۰

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۵۶

۱. ضرورت توجه کافی به کتاب‌های آموزشی پیش‌دبستانی

طی برگزاری هفت دوره‌ی جشنواره، تنها یک دوره از آن به بررسی جنبی کتاب‌های آموزش پیش‌دبستانی (همراه با کتاب‌های آموزش ابتدایی و راهنمایی) در سال ۱۳۸۶ (جشنواره ششم) اختصاص داشته و بر خلاف دوره‌های تحصیلی دیگر که کتاب‌های سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶، هر کدام در سه دوره‌ی جشنواره مورد توجه قرار گرفته‌اند، تنها کتاب‌های سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶ در زمینه‌ی کتاب‌های آموزشی پیش‌دبستانی به طور جنبی توسط گروه داوران جشنواره بررسی شده‌اند. و این موضوع یعنی توجه حاشیه‌ای و غیر متمرکز به کتاب‌های پیش‌دبستانی.

کتاب‌های آموزشی پیش‌دبستانی که مهم‌ترین فعالیت‌های آموزشی آن‌ها در راستای «فراگیری مفاهیم» (و نه آموزش) قرار دارد و مجموعه کتاب‌های «زبان آموز»، «الفبا آموز»، «عدد آموز»، «رنگ آموز»، «شکل آموز» و غیره را عمدتاً به عنوان «واحد‌های کار» در بر گرفته‌اند، بدون شک از فراگیرترین کتاب‌های فراهم شده برای کودکان پیش‌دبستانی هستند؛ فعالیتی که به نظر می‌رسد در راستای «برنامه‌های درسی» (و نه کتاب‌های درسی) تعریف شده است. آشکار است که نظارت غیر مستقیم آموزش و پرورش بر بخشی از فعالیت‌های شکل گرفته در مهدکودک‌ها و آمادگی‌ها، و نبود کتاب‌های درسی مدون برای این گروه سنی، این‌گونه کتاب‌ها را از راستای «برنامه‌ی درسی» که در طرح «سامان بخشی کتاب‌های آموزشی» در نظر هستند، خارج نمی‌کند؛ چرا که فراگیری مفاهیم الفبا، عدد، رنگ، شکل و واحد‌های کار، همان «درس»‌هایی است که کودک قرار است در سال‌های آینده به شیوه‌ی مستقیم و کلاسی فرا گیرد.

هرچند برنامه‌ریزی مستقیم این مراکز در حال حاضر در چارچوب فعالیت‌های وزارت‌خانه‌ای نیست و تعریف مشخص و برنهریزی شده‌ای نیز برای روش تدریس دولتی در این زمینه وجود ندارد، (خوش‌بختانه!) اما چنگ‌اندازی دولتی برای «مدرسه‌ای» کردن آموزش پیش‌دبستانی آغاز شده است. روش آموزش غیر مستقیم، کارگاهی و غیر مدرسه‌ای پیش‌دبستانی در ایران، به دلیل برخورداری از تلاش‌های نهادهای خصوصی و آزادی عمل مشروط آن‌ها، از مقایسه با مدارس و دانشگاه‌ها، از خلاقیت‌های فراوانی برخوردار است. به راستی چه اشکالی دارد که این مراکز «برنامه‌های درسی»‌شان را که به صورت غیر کلاسی دنبال می‌شود، خود به عهده داشته باشند؟

حذف کتاب‌های آموزش پیش‌دبستانی که به طور غیر مستقیم در راستای کتاب‌های منطبق بر «برنامه‌ی درسی» طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی قرار دارند، نادیده گرفتن انرژی سرشاری است که لایه‌لای کتاب‌های مناسب این گروه سنی وجود دارد و حذف آن، ناگزیر به سرازیر شدن سیل انبوه کتاب‌های ساده‌پسند و به اصطلاح «بازاری»، و فراموش شدن ملاک‌های ارزش‌یابی کتاب‌های مناسب می‌انجامد.

۲. ضرورت طبقه‌بندی کتاب‌های آموزشی

کتاب‌های بررسی شده توسط گروه داوران جشنواره در رشته‌های تحصیلی گوناگون، شامل



حذف

کتاب‌های آموزش

پیش‌دبستانی که به طور غیر
مستقیم در راستای کتاب‌های
منطبق بر «برنامه‌ی درسی» طرح
سامان بخشی کتاب‌های آموزشی
قرار دارند، نادیده گرفتن انرژی
سرشاری است که لایه‌لای
کتاب‌های مناسب این گروه
سنی وجود دارد

کتاب‌هایی است که به یکی از سه گروه: **(الف)** کتاب‌های کمک درسی، **(ب)** کتاب‌های آموزشی، و **(ج)** کتاب‌های دانش‌افزا تعلق دارد. این کتاب‌ها به طور هم‌زمان و بدون تفکیک، تعریف و برنامه‌ریزی شده‌اند (حداقل در فهرست ارائه شده توسط گروه داوران)، در حالی که هریک از گونه‌های بالا، از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است که پرداختن به آن، نیازمند دسته‌بندی مناسب، با ملاک‌های ارزش‌یابی متفاوت در داوری و فهرست‌بندی است.

شکی نیست که کتاب‌های کمک‌درسی (مانند کتاب راهنمای ریاضی پنجم دبستان)، از حوزه‌ی کتاب‌های ادبیاتی کودکان خارج‌اند و صرفاً به منظور گسترش تمرین و مهارت دانش‌آموزان پنجم دبستان تدوین شده‌اند، اما کتاب‌های آموزشی (مانند آموزش نقاشی در ده گام) از میدانه‌ی کتاب‌های کمک‌درسی بیرون هستند و به حوزه‌ی کتاب‌های ادبیاتی (ادبیات غیر تخیلی) تعلق دارند (به شرط آن که از معیارهای ارزش‌یابی کتاب‌های غیر تخیلی بهره‌مند باشند). چرا که قرار است با روش علمی آموزش درست یک مجموعه مهارت را ارائه دهند و چندان به روش تدوین کتاب‌های درسی متکی نیستند.

اما برای مثال کتاب «**زندگی میکالانژ**»، نه کمک‌درسی است و نه آموزشی (به مفهوم علمی آن)، بلکه به عنوان «زندگی‌نامه» در میدانه‌ی کتاب‌های «دانش‌افزا» قرار دارد و کتابی است با ویژگی‌های ادبیات غیر تخیلی. طبقه‌بندی نشدن این آثار در دستور کار داوران و فهرست‌بندی کتاب‌های برگزیده، تقدیری و مناسب، از تسلط داوران در نگاه دقیق‌تر و علمی‌تر به کتاب‌ها خواهد کاست و به مخدوش شدن فهرست کتاب‌های انتخاب شده در جشنواره می‌انجامد.

با این تعریف، حتی عنوان «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی» نیز عنوانی ناکافی و نارسا جلوه می‌کند و طیف کتاب‌های «کمک‌درسی» و «دانش‌افزا» را تقریباً نادیده می‌انگارد.

نگاه
تحلیلی به اصل
زیبایی‌شناسی در ارائه‌ی
کتاب، اصلی است که با همراهی
چند کارشناس هنری با گروه
داوران میسر می‌شود و بر الگو
بودن و علمی بودن رویکرد
جشنواره خواهد افزود

۳. ضرورت حضور کارشناسان هنری و پژوهشگران ادبیات کودک در کنار گروه داوران

هر چند «متن کتاب»، از شاخص‌های اصلی انتخاب کتاب خواهد بود، اما تمام آن نیست. فرایند تصویرگری، گرافیک کتاب، و کیفیت چاپ، سه ویژگی خارج از متن‌اند که در زیبایی‌شناسی و ارائه‌ی بهتر مفهوم متن، تأثیر بسزایی دارند. بدیهی است، اعضای گروه داوران در یک نگاه کلی می‌توانند در انتخاب کتابی زیبا و در خور، صاحب‌نظر و سلیقه‌باشند، اما بدون شک، نگاه کارشناسانه و نهایی در این زمینه، به عهده‌ی مدیران هنری، کارشناسان تصویرگری، گرافیک‌ها و ناظران چاپ است. نگاه تحلیلی به اصل زیبایی‌شناسی در ارائه‌ی کتاب، اصلی است که با همراهی چند کارشناس هنری با گروه داوران میسر می‌شود و بر الگو بودن و علمی بودن رویکرد جشنواره خواهد افزود. از سوی دیگر، بررسی کتاب‌های «دانش‌افزا»، که کتاب‌های ادبیاتی هستند و گروه داوران در کنار کتاب‌های آموزشی آن‌ها را بررسی می‌کنند، مستلزم استفاده از تجربه‌های کارشناسان «ادبیات کودک» است و حضور آنان در کنار گروه داوران، بر سطح علمی و ارزشی قضاوت داوران می‌افزاید.

۴. ضرورت توجه به فعالیت‌های بین جشنواره‌ای

جدا از فعالیت‌های پیش جشنواره‌ای در آماده‌سازی مقدمات جشنواره، چاپ فراخوان و پوستر و بروشور، جمع‌آوری کتاب‌ها و هم‌چنین فعالیت‌های مرتبط با زمان برگزاری جشنواره، فعالیت‌های بین جشنواره‌ای نیز از اهمیت خاصی برخوردارند. پایان جشنواره نه پایان کار که آغازی است برای نتیجه‌گیری از آن همه صرف زمان و هزینه. فعالیت «بین جشنواره‌ای»، فعالیت برنامه‌ریزی شده‌ای است که توجه کافی به آن، ضرورتاً از هزینه‌های زمانی و مالی، گاه فراتر از برگزاری جشنواره برخوردار است. تلاش برای رفع آسیب‌های موجود در کتاب‌های بررسی شده و رویکرد ناشران، آن‌چنان که همواره در بیانیه‌های گروه داوران مطرح شده، اصلی است که باید به عنوان فعالیت متمرکز بین جشنواره‌ای، در توجه به اهداف سه‌گانه‌ی «طرح سامان‌بخشی، کتاب‌های آموزشی»، شامل سیاست‌گذاری، نظارت و حمایت از حوزه‌ی نشر مورد توجه قرار گیرد.

هرچند محورهایی برای این اصل، مورد توجه دست‌اندرکاران طرح سامان‌بخشی قرار گرفته و برخی از آن‌ها به مرحله‌ی اجرا درآمده‌اند، اما تلاش‌هایی هم چون: برگزاری کارگاه‌های الگوسازی کتاب آموزشی برای ناشران،

مؤلفان و مدیران هنری، خریداری کتاب‌های برگزیده، تقدیری و

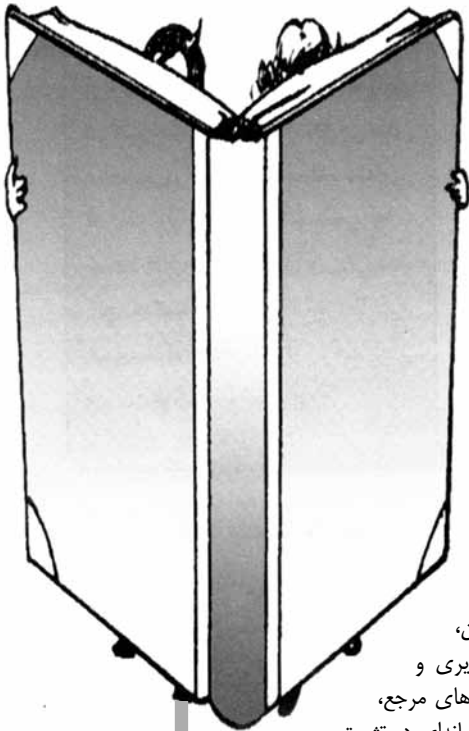
مناسب هر جشنواره برای کتاب‌خانه‌های مدارس و کتاب‌خانه‌های مرجع،

نقد کتاب‌های برگزیده در مطبوعات، بهره‌جویی از امکانات رسانه‌ای در تثبیت

معیارهای ارزش‌یابی کتاب‌های آموزشی برتر، و حمایت مداوم از تلاش ناشران موفق

و دلسوز در این زمینه، راهکارهایی هستند که سرمایه‌گذاری و توجه به آن‌ها می‌تواند در بهبود

آینده‌ی نشر کتاب‌های آموزشی، مؤثر واقع شود.



چندوچون

نیازسنجی در حوزه‌ی انتشار کتاب‌های کمک آموزشی



محمود سالک

اشاره

■ نیازسنجی چیست و جایگاه آن در حوزه‌ی نشر کتاب کجاست؟
■ اصولاً چه تعداد از کتاب‌هایی که هر روز روانه‌ی بازار نشر می‌شوند، بر اساس بررسی‌های کارشناسانه و نیازسنجی اولیه از سوی ناشرین آن‌ها انتخاب شده‌اند و در چرخه‌ی تولید قرار گرفته‌اند؟

طرح این پرسش‌ها بهانه‌ای است برای ورود به بحثی که علی‌رغم اهمیت حیاتی آن، در طول سالیان گذشته چندان در جامعه‌ی نشر مطرح و موضوع تأمل نبوده است. بدیهی است در این مقال کوتاه فقط می‌توان دریچه‌ای کوچک بر این بحث گشود، با این امید که منشأ و محرک بحث و بررسی گسترده‌تر، دقیق‌تر و عمیق‌تری شود.

۲۷/۲۶۹۰۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۶۰

نیازسنجی چیست؟

امروزه اساس تولید هر کالایی در شکل تجاری و انبوه آن، پاسخ دادن به نیاز یا تقاضایی است که در جامعه نسبت به آن وجود دارد و یا برانگیخته شده است. در واقع، تولیدکننده از قبل بازار محصول خود و مخاطبان آن را شناسایی می‌کند و پس از اطمینان از وجود تقاضا و شناخت دقیق محصولات مشابه و تولیدکنندگان رقیب، به سرمایه‌گذاری برای تولید آن محصول روی می‌آورد. هر محصولی که بر اساسی غیر از این، به شکل تصادفی و با میل و تقاضای شخصی تولید و روانه‌ی بازار شود، همواره با ریسک و خطر عدم فروش و شکست سرمایه‌گذاری رو به روست.

در این حالت حتی نمی‌توان به تبلیغات گسترده و اثربخشی آن در ایجاد تقاضا دل بست. زیرا تبلیغات نه وسیله‌ی تولید نیاز، بلکه ابزاری است برای آن که تولیدکننده بتواند در گردونه‌ی رقابت، سهمی مناسب از تقاضای واقعی موجود در بازار را به خود اختصاص دهد. گرچه در مواردی تبلیغات می‌تواند به شکل مقطعی نیاز کاذب ایجاد کند، اما بدیهی است که چنین نیازی پایدار نمی‌ماند و مبنای تولید موفق و ماندگار قرار نمی‌گیرد. با پذیرش این موضوع می‌توان گفت که نیازسنجی کلید ورود به دروازه‌ی تولید و از رموز اصلی و اساسی موفقیت آن است.

آثار تألیفی عمدتاً از
دل نیازسنجی و به ضرورت
آن زاده می‌شوند

نیازسنجی در صنعت نشر کتاب

بر اساس تعریف فوق، تولیدکنندگان شاغل در صنعت نشر کتاب یا همان ناشرین نیز نمی‌توانند بی‌توجه به مبحث نیازسنجی انتظار تولیدی موفق، ماندگار و متکی به خود را داشته باشند. از سوی دیگر، با توجه به این که کالاها و محصولات فرهنگی با فکر و روح و روان مخاطبین در ارتباط هستند، در مقایسه با کالاهایی که صرفاً و یا عمدتاً به نیازهای مشترک مادی و جسمانی انسان‌ها پاسخ می‌دهند، از تنوع و گوناگونی بسیار بیشتری برخوردارند و به همین نسبت، نیازسنجی مربوط به آن‌ها نیز پیچیده‌تر و دشوارتر است. وجوه اشتراک خواسته‌ها و نیازهای مادی انسان‌ها بسیار بیشتر از وجوه اشتراک نیازهای فکری آنان است و در نتیجه، شناسایی و تشخیص این نیازها نیز به مراتب ساده‌تر انجام می‌گیرد. در نقطه‌ی مقابل، تشخیص نیازهای فکری و معنایی به سادگی امکان‌پذیر نیست.

جایگاه نیازسنجی در نشر امروز

وجود همین پیچیدگی‌ها و نیاز به استفاده از جمعی از افراد با تخصص‌های گوناگون، و همچنین فقدان روش‌های علمی و کارآمد برای دستیابی به نتیجه‌ی واقعی و قابل اتکا، سبب شده است که در طول سالیان گذشته، اغلب ناشرین در انتخاب رویکردی «تصادفی» داشته باشند. در این روش، ناشر یا به انتظار می‌نشیند تا کتابی از سوی نویسنده یا مترجم به او ارائه شود، یا خود به شکل تصادفی با اثری آشنا می‌شود و بدون ارزیابی جامع و مخاطب‌سنجی، آن را برای چاپ بر می‌گزیند، و یا با توجه به اقبال عمومی نسبت به بعضی آثار سایر ناشرین، به تولید آثار مشابه روی می‌آورد. این رویکرد، به‌ویژه در حوزه‌ی نشر کتب کمک آموزشی، نابسامانی‌های فراوان و آثار زیان‌باری پدید آورده که اهم آن‌ها به قرار زیر است:

■ سوق دادن سرمایه‌ها و امکانات ناشرین به سمت انتشار آثاری که لزوماً از بین ضروری‌ترین‌ها

و بهترین‌ها انتخاب نشده‌اند. کاهش سطح کیفی مجموعه‌ی آثار از نتایج آشکار این نابسامانی است.

■ نبود پیوند منطقی بین آثار منتشره از نظر گروه‌بندی سنی و پیوستگی سطح آن‌ها از ساده تا دشوار که عملاً بهره‌مندی از یک سیر مطالعاتی کامل و هدفمند را ناممکن می‌سازد.

■ عدم انطباق محتوای بسیاری از آثار با شرایط فرهنگی و بومی و نیازهای واقعی مخاطبان، که در بعضی حوزه‌ها نظیر تاریخ، جغرافیا، بخشی از علوم طبیعی، هنر و ... نمود بیشتری دارد.

■ وجود انبوه آثار تکراری و مشابه که امتیازی نسبت به هم ندارند، هیچ نیاز جدیدی را پاسخ نمی‌دهند و نتیجه‌ای جز اتلاف بیشتر سرمایه‌های نشر در پی نمی‌آورند.

■ بروز خلأ جدی در بسیاری از موضوعات و زمینه‌ها که ناشناخته یا پنهان مانده‌اند، در حالی که تقاضای جدی و واقعی برای آن‌ها وجود دارد.

■ غلبه‌ی دائمی تعداد آثار ترجمه‌ای بر تألیفی؛ زیرا آثار تألیفی عمدتاً از دل نیازسنجی و به ضرورت آن زاده می‌شوند.

■ تأثیر منفی جدی بر اقتصاد نشر که عدم رونق آن تا حدود زیادی ریشه در همین نابسامانی‌ها دارد، ولی ناشرین و پدید آورندگان، دلایل آن را - بر حسب تحلیل‌ها و عادات رایج - تماماً در موارد دیگری جست‌و جو می‌کنند و یا به مشکلات عمومی موجود در جامعه مربوط می‌سازند.

لازم به توضیح است که در این قضاوت، مجموعه‌ی آثار به عنوان یک کلیت مد نظر قرار دارد. به طور طبیعی و قطعی هستند ناشرینی که تولیدات خود را بر اساس برنامه‌ریزی و با اهداف مشخص و زیر نظر گروه‌های کارشناسی انجام می‌دهند. هرچند به نظر می‌رسد در این بین نیز، ارزیابی‌ها بیشتر متوجه سطح کیفی آثار انتخابی است تا رابطه‌ی آن‌ها با نیازهای واقعی موجود در جامعه.

اما آن‌چه باعث شده است، این جریان با وجود کاستی‌های خود هم‌چنان در حوزه‌ی چاپ و انتشار کمک آموزشی ادامه یابد، وجود بازارهای کاذب رانتهی و رابطه‌ای و خریدهای دولتی و نیمه‌دولتی است. بسیاری از ناشرین با امید بهره‌گیری از این بازارها به چاپ کتاب‌هایشان رو می‌آورند و چندان دل‌بستگی و توجهی به بازار خرید عادی و واقعی ندارند؛ بازاری که در آن مخاطبان به میل خود و بر اساس نیاز و علاقه خرید می‌کنند. چنان‌چه این بازارهای کاذب محدود

در شرایط
کنونی نیز نیازسنجی
صحیح و مناسب می‌تواند
پویایی و بالندگی صنعت نشر
را به دنبال داشته باشد و
اقتصاد آن را تا حدودی
رونق دهد



و یا اساساً حذف شوند، بسیاری از این سرمایه‌گذاری‌ها محکوم به شکست است. در چنین حالتی، نیازسنجی به ضرورتی امکان‌ناپذیر تبدیل خواهد شد.

چه باید کرد؟

همان‌طور که بیان شد، در شرایط کنونی نیز نیازسنجی صحیح و مناسب می‌تواند پویایی و بالندگی صنعت نشر را به دنبال داشته باشد و اقتصاد آن را تا حدودی رونق دهد. صد البته تردیدی نیست که نیازسنجی در آینده‌ای نه چندان دور به ضرورت این صنعت تبدیل خواهد شد. اگر این نتیجه‌گیری را بپذیریم، لازم است از هم اکنون قدم‌هایی جدی در این مسیر برداریم؛ قدم‌هایی از این دست:

■ در سطح کلان، متولیان امور فرهنگی به‌ویژه در بخش نشر، باید به حمایت از مطرح شدن و ضرورت این موضوع اولویت دهند. بدین طریق می‌توان با انجام پژوهش‌های گوناگون و ارزیابی تجارب جهانی، اصول و روش‌های صحیح نیازسنجی در حوزه نشر را تدوین و منتشر کرد و در دسترس مخاطبان و نیازمندان قرار داد.

نمایشگاه‌های فرهنگی گوناگون و به‌ویژه نمایشگاه بین‌المللی کتاب و نمایشگاه‌های استانی کتاب، محیط‌هایی بسیار مناسب برای پرداختن به این موضوع و ایجاد ایستگاه‌های نیازسنجی هستند. انتشار اطلاعات جمع‌آوری شده از این طریق، قطعاً بسیار مفید و راهگشا خواهد بود. توصیه می‌شود، «مؤسسه‌ی نمایشگاه‌های فرهنگی ایران» به این امر توجه هرچه بیشتری مبذول دارد.

جشنواره‌های گوناگون کتاب نیز بستری مناسب برای ارزیابی آثار منتشره، شناسایی خلأها و اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی کاستی‌های موجود در بازار کتب کمک آموزشی به شمار می‌آیند. گرچه این اطلاع‌رسانی در گذشته به گونه‌هایی جریان داشته است، اما می‌توان با اختصاص بخشی خاص در نوبت‌های بعدی این جشنواره‌ها به این زمینه‌های مغفول مانده و تعیین جوایز ویژه برای پدید آورندگان و ناشرینی که در این فاصله در جهت رفع خلاء کوشیده‌اند، این ارتباط را قوی‌تر و مؤثرتر ساخت. «جشنواره‌ی رشد» به عنوان یک نهاد وابسته به آموزش و پرورش که عمده‌ترین مصرف‌کننده‌ی کتب کمک آموزشی است، می‌تواند در این زمینه پیشگام باشد.

انجمن‌های صنفی ناشرین و پدید آورندگان کتاب، با توجه به آن که در مجموع، امکانات و ظرفیت لازم برای تشکیل کارگروه‌های ویژه‌ی نیازسنجی را دارند، می‌توانند نقش پل ارتباطی را بین مخاطبین و تولیدکنندگان کتاب ایفا کنند. بدین طریق این انجمن‌ها ضمن انجام رسالت فرهنگی خود، قادر خواهند بود با فروش نتایج و پیشنهادات و طرح‌های حاصل به اعضا، ضمن درآمدزایی مستقل برای خود، زمینه‌ی رشد و بالندگی بیشتر اعضایشان را نیز فراهم آورند. ناشرین بزرگ دولتی و نیمه دولتی، با توجه به امکانات گسترده و ارتباطات و نیروهایی که در اختیار دارند، باید به جای پرداختن به انتشار کتبی که بخش خصوصی نشر به وفور روانه‌ی بازار



می‌سازد، وجه همت خود را شناسایی این خلأها و کمیودها و برنامه‌ریزی برای رفع آن‌ها قرار دهند، و حتی بخش خصوصی را هم در این زمینه یاری دهند و از نتایج تحقیقات خود بهره‌مند سازند.

بخش خصوصی نشر، با توجه به انگیزه‌ها و استعدادهای ذاتی خود، همواره ثابت کرده است، در هر زمینه‌ای که وارد شود می‌تواند کارایی و ابتکار بیشتری از خود نشان دهد. در این زمینه نیز چنانچه ناشرین خصوصی بزرگ‌تر و دارای امکانات بیشتری بخشی از سرمایه‌های خود را به سمت نیازسنجی سوق دهند، ضمن بهره‌مندی از نتایج شگرف آن، به الگوهایی مناسب برای سایر ناشرین بدل خواهند شد.

شاید یکی از مفیدترین اقدامات، کمک به شکل‌گیری موسسات و شرکت‌هایی است که کار اصلی آن‌ها نه انتشار کتاب و انجام کار سخت نرم‌افزاری نشر، بلکه پرداختن به بخش نرم‌افزاری آن و ارائه‌ی طرح و پیشنهاد بر اساس نیازسنجی و حتی پی‌گیر و انجام تولید تا پایان کارآماده سازی و سپس ارائه و فروش آن به ناشرین برای چاپ و انتشار است. در این مرحله حتی امکان مشارکت بین ناشرین و این مؤسسات وجود دارد. لذا مسؤلین مربوطه باید از شکل‌گیری این مؤسسات و اعطای وام و تسهیلات به آن‌ها به شکل جدی حمایت کنند. نظیر این شرکت‌ها در سایر بخش‌های صنعت فعال هستند و به عنوان حلقه‌ی واسطه‌ی تولید و فروش، تأثیر فراوانی بر رونق بازار می‌گذارند.

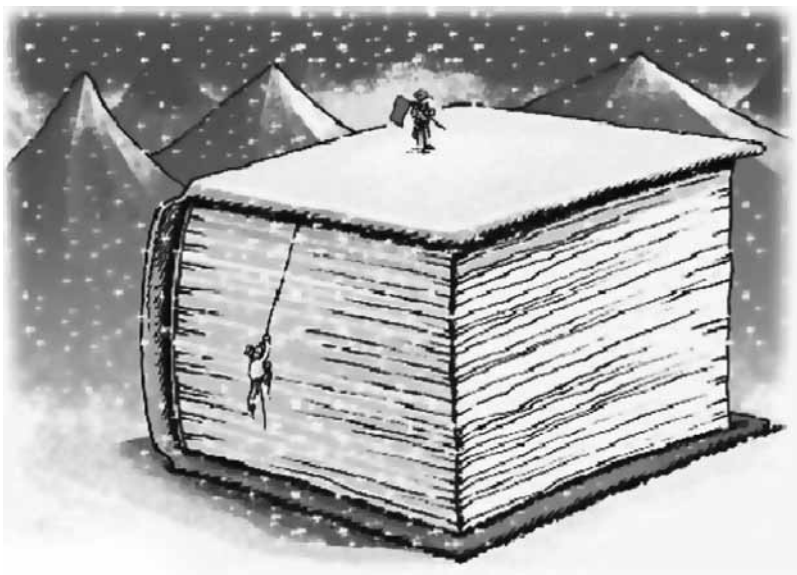
نمایشگاه
بین‌المللی کتاب و
نمایشگاه‌های استانی
کتاب، محیط‌هایی بسیار
مناسب برای ایجاد
ایستگاه‌های نیازسنجی
هستند



۲۷/۲۶۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۶۴



۲۷/۲۶۹۰۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۶۵

تمرین، تمرین و تمرین

پای صحبت مهندس آرتور امید آذری
مؤلف برگزیده‌ی
جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد

فاطمه خرقانیان

اشاره

مهندس آرتور امید آذری، مؤلف و نویسنده‌ی کتاب «آموزش اسکیس و راندو»، برگزیده‌ی هفتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد است. او متولد سال ۱۳۵۶ در مراغه و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد در رشته‌ی معماری از دانشگاه تهران است. اگرچه جوان است، ولی با پشتکار و جدیت، و به قول خودش «تمرین، تمرین و تمرین»، تاکنون توانسته است شش اثر آموزشی در حوزه‌ی هنر و معماری از خود به جا گذارد. وی معماری خوش‌فکر، هنرمندی توانا، محقق با علاقه، نویسنده‌ای زبردست و عاشق است. پای صحبت او می‌نشینیم.

۲۷/۲۶۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۶۶

لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید.

من امید آذری هستم. در سال ۱۳۵۶ در مراغه به دنیا آمدم. سال ۱۳۸۱، از دانشگاه آزاد قزوین در رشته‌ی معماری فارغ‌التحصیل شدم و در کنکور کارشناسی ارشد، در دو رشته‌ی متفاوت «اسکیس معماری» و «معماری و معماری منظر» امتحان دادم. امتحان با شش شیت به ابعاد ۷۰×۵۰ و یک شیت معماری برگزار می‌شد و من رتبه‌ی اول را در کنکور کارشناسی ارشد کسب کردم. در آزمون ارشد، ما می‌باید در طول چند ساعت، تمام دانسته‌های خود را در طراحی پیاده می‌کردیم. این فرایند، در سال ۱۳۵۰ از مدرسه‌ی بوزار فرانسه وارد دانشگاه تهران شده است که در آخر هر نیم‌سال، از دانشجویان امتحان طراحی سریع و یا اسکیس می‌گیرند و کسانی که در این آزمون قبول می‌شوند، واحدهایشان پاس می‌شود. من در آزمون‌های هردو رشته اول شدم و رشته‌ی معماری و معماری منظر را ادامه دادم.

با تحقیق پی
بردم که در هنر و معماری
در فرایند طراحی دست آزاد
چالش‌های آموزشی وجود دارند که
همه‌ی هنرجویان و دانشجویان
و حتی دانش‌آموزان در این
زمینه خیلی مشکل
دارند

هدف شما از نگارش کتاب «اسکیس و راندو» چه بود؟

با تحقیق پی بردم که در هنر و معماری، در فرایند طراحی دست آزاد چالش‌های آموزشی وجود دارند که همه‌ی هنرجویان و دانشجویان و حتی دانش‌آموزان در این زمینه خیلی مشکل دارند هم‌چنین استادان بنامی که استادان خود بودند، هم‌چون استاد **جاوید** (از پیشگامان طراحی دست آزاد) و استاد **اردلان**، مشوق من بودند تا چنین فرایندی را طی کنم و این چالش آموزشی، طی فرایندی خلاق و بسیار آسان، بتواند هم به دانشجویان و هم به تعلیم‌دهندگان کمک کند. من شاهد بودم که خود استادانی که در این زمینه فعالیت می‌کردند هم، طی فرایندی خلاق آموزش نمی‌دهند. بر اساس این نیاز، به آماده‌سازی این کتاب دست زدم. البته جمع‌آوری مطالب کتاب را از دوران دانشجویی و اواخر دوره‌ی کارشناسی آغاز کردم. در آن زمان، یعنی در سال ۱۳۷۹، در یک مسابقه در دانشگاه آزاد شرکت کردم و تمام برگه‌های مسابقه را دست آزاد اسکیس کشیدم و اول شدم. این نقطه‌ی شروع بود. با این حرکت من توانستم نشان دهم که بدون رایانه هم می‌شود موضوعی را که می‌خواهیم طراحی کنیم، به صورت خلاقانه، خلق کنیم. در سال ۱۳۸۴ این کتاب آماده چاپ شده بود. من در جست‌و جوی یک مؤسسه‌ی انتشاراتی این بودم که این کتاب را چاپ کند؛ چون خودم تخصصی در این زمینه نداشتم. به همراه یکی از دوستان هنرمندم، آقای **یساولی**، مدیر انتشارات یساولی را در دفترشان ملاقات کردم. خوش‌بختانه ایشان حدود ۲۰ سال پیش، کتاب **سیحون** را در زمینه‌ی طراحی دست آزاد چاپ کرده بود و شناخت خوبی از این موضوع داشت. شاید یکی دو سال بود که من این کتاب را به مؤسسه‌های انتشاراتی گوناگون می‌بردم، ولی آن را چاپ نمی‌کردند. یا اگر هم چاپ می‌کردند، می‌خواستند به شیوه‌ی آزمایشی چاپ کنند. ولی ایشان قبول کرد که کتاب را چاپ کند و از ساختار کتاب پی به ارزش آن برد. سرانجام کتاب در سال ۱۳۸۴ با شمارگان ۴۰۰۰ جلد به چاپ رسید.

مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟

کتاب طوری تنظیم شده است که مورد استفاده‌ی عموم مردم تا سطح کارشناسی ارشد باشد.

مخاطب هم دارد، چون کتابی در این زمینه در ایران چاپ نشده بود و این اولین کتاب است که به این شیوه، خیلی روان و آسان نگارش یافته است. حتی کسانی هم که سررشته‌ای از هنر ندارند، می‌توانند با خواندن آن کشیدن اسکیس را شروع کنند و طراحی دست آزاد انجام دهند. زیرا طراحی دست آزاد به فرایند رشد ذهنی خیلی کمک می‌کند.

هنرمندان بزرگ تاریخ مانند **پیکاسو**، معتقدند که طراحی از بدو دوران کودکی درون هر انسان آغاز می‌شود؛ به طوری که نقاشی را با یک قلم روی دیوارها شروع می‌کند. آن‌چه در این فرایند اهمیت دارد، پرورش انگیزه و حس است و نه استعداد بیش از اندازه. چون خیلی از استادان یا هنرجویان که نمی‌توانند در این زمینه کار کنند، به این ذهنیت یقین پیدا می‌کنند که استعداد کافی ندارند. در حالی که استعداد ۱۰ درصد قضیه است و اگر یک روند آموزشی خوب را در نظر بگیریم، ۴۰ تا ۵۰ درصد کار به پشتکار هنرجو یا افرادی بستگی دارد که می‌خواهند در این زمینه موفق شوند.

من خودم طراحی را از نقطه‌ای متوسط شروع کردم و موفقیتم را مدیون «تمرین، تمرین و تمرین» می‌دانم.

این سه تمرین عامل موفقیت من بوده‌اند و این شعار همه‌ی هنرمندان است. من معتقد نیستم که استعداد خدادادی موجب موفقیت در این رشته می‌شود. خوش‌بختانه با روشی که در دانشگاه‌ها، آتلیه و کتاب‌های اخیرم (به نام‌های آموزش گام به گام کروکی، جلد یک و آموزش گام به گام کروکی و راندو، جلد ۲) تدریس می‌کنم، پیشرفت آموزشی دانشجویان و هنرجویان کاملاً مشهود است. آن‌ها در این زمینه، از سطح مبتدی به مرحله‌ی حرفه‌ای شدن رسیده‌اند. خودشان هم باور ندارند که طی مدت ۶ ماه یا یک سال، از صفر به این مرحله از حرفه‌ای شدن رسیده‌اند. چند تن از همین دانشجویان در این رشته استاد شده‌اند و جای خوش‌وقتی دارد. خوش‌حالم که این روش آموزشی به این خوبی پیش می‌رود و غیر از این اگر رخ دهد، دانشجویان رسالت خود را انجام نداده‌اند. دانشجو باید از مرحله‌ی دانشجویی به استادی راه پیدا کند.

من خودم
طراحی را از نقطه‌ای
متوسط شروع کردم و
موفقیتم را مدیون «تمرین
تمرین و تمرین» می‌دانم

نقاط قوت این کتاب کدام‌اند؟

نقطه‌ی قوت این کتاب صداقت آن است. خیلی صادقانه با مخاطب سخن می‌گوید. البته تنها همین عامل نبوده است، عواملی دیگری نیز دخیل بوده‌اند. مثلاً این که برای آموزش اقشار گوناگون نوشته شده است. برای نقاشان، معماران منظر، دکوراتوران داخلی و ... مناسب است. یعنی دامنه‌ی مخاطبانش بسیار وسیع است.

نکته‌ی بعد زبان ساده‌ی کتاب است. زبان بسیار روانی دارد که در عین سادگی، مطالب کلیدی و مهمی را منتقل می‌کند و آموزش می‌دهد. در حالی که درباره‌ی این مباحث، چنین کتاب یا مجموعه‌ای وجود نداشت و هنرجویان و دانشجویان در این زمینه مشکل داشتند. حتی برای تعریف مفاهیمی مثل اسکیس مشکل داشتند.

من در تألیف کتاب‌هایم می‌کوشم به نیازهای اجتماعی پاسخ دهم. در آخرین کتابم که «در جست‌وجوی فضاهای گمشده» نام دارد، آموزش هزار تکنیک راندو (ارائه کردن) سعی کرده‌ام، به مباحث فلسفی هم بپردازم. شرح داده‌ام که این خطاها و طراحی‌ها، مفاهیم نظری را بیان می‌کنند



و اسرار هنر و معماری ایران را باز می‌گویند.
نقاط ضعف کتاب از دید شما کدام‌اند؟

تنها نقطه‌ی ضعف کتاب، سیاه و سفید بودن آن است که سعی کرده‌ام در کتاب‌های بعدی این ضعف را برطرف کنم و بقیه‌ی کتاب‌ها رنگی چاپ شدند. در مجموع شش جلد کتاب منتشر کرده‌ام. کتاب اسکیس به چاپ سوم رسیده است که شمارگان چاپ دوم آن ۴۰۰۰ جلد و شمارگان چاپ آخر آن ۵۰۰۰ جلد است.

لطفاً کتاب‌های خود را نام ببرید.

۱. آموزش اسکیس و راندو، نشر سیاولی
۲. آموزش اسکیس در معماری و معماری منظر، نشر گنج هنر
۳. آموزش گام به گام کروکی در معماری (جلد یک)
۴. آموزش گام به گام کروکی و راندو (جلد دوم)
۵. معماری رازگونه‌ی آر تور امید آذری که این کتاب از فرایند اسکیس تا اجرای پروژه‌های معماری را در بر می‌گیرد. کتاب شامل پروژه‌هایی است که خودم طراحی کرده‌ام، به زبان انگلیسی هم چاپ شده است. چون بیشتر کتاب تصویر بود، خواستیم که در کشورهای دیگر هم از آن استفاده کنند.

در این کتاب نشان داده‌ام که اسکیس می‌تواند به ساخت بنا و معماری منجر شود. هم‌چنین، روندی که یک دانشجوی باید طی کند تا از دانشگاه وارد بازار کار شود، در این کتاب

کاملاً مشهود است. بسیاری از کارهایم که در این کتاب چاپ شده‌اند، دوران دانشجویی‌ام هستند و می‌توانند برای همه‌ی دانشجویان مفید باشند. آن‌ها متوجه می‌شوند که باید در کار اعتماد به نفس داشته باشند.

سال ۱۳۷۹ یا ۱۳۸۰ که دانشجوی بودم، یک پروژه ۵۰ واحدی را در پاسداران طراحی کردم که به مرحله اجرا رسید و خودم پای ساختمان بودم و اجرا می‌کردم. تجربه‌ای بسیار عالی بود. ساختمان‌های جدید را هم به همین شیوه اجرا می‌کنم؛ یعنی از مرحله‌ی اسکیس تا اجرا.

اسامی همه‌ی این پروژه‌ها با تصاویر و گالری عکس، در سایت تخصصی «هنر و معماری» به آدرس www.OmidI Azeri.com موجود است. در این سایت کارهای دانشجویان لینک می‌شود و من آن‌ها را نقد و بررسی می‌کنم. فضای آموزشی خوبی برای دانشجویان است و توصیه می‌کنم که دانشجویان به این فضا بیایند.

فکر می‌کنید چه اثر دیگری از شما می‌تواند در جشنواره برگزیده شود؟

من در کتاب‌های اخیرم سعی کرده‌ام، مباحث گسترده نباشند. یعنی سعی کرده‌ام تخصصی‌تر به موضوع نگاه کنم و مخاطبان را تفکیک کرده‌ام تا هر کتاب به طور تخصصی مخاطب خاص خود را داشته باشد. چون خودم به مرور زمان در فرایند کارهای آموزشی دارای تجربه و تخصص بیشتری نسبت به گذشته شده‌ام، سعی دارم برای همه‌ی رشته‌ها و واحدهای درسی هنر و

معماری، به طور تخصصی کتاب‌های آموزشی تألیف کنم تا برای همه‌ی هنرجویان، دانشجویان و مدرسین عزیز راهگشا باشد و در این فرایند خیلی آگاهانه و دقیق حرکت کنند. از نظر خودم، همه‌ی این کتاب‌ها استحقاق برنده شدن را دارند، زیرا موضوعات آن‌ها از یکدیگر جدا هستند. برخی از این کتاب‌ها فقط حاوی مبانی نظری هستند و برخی هم فقط به طراحی از بناهای تاریخی اختصاص دارند؛ مثل کروکی یک، ما در کروکی دو، طراحی، پلان، نما، مقطع و پرسپکتیو را داریم. چنین کتاب‌هایی در گذشته وجود نداشتند.

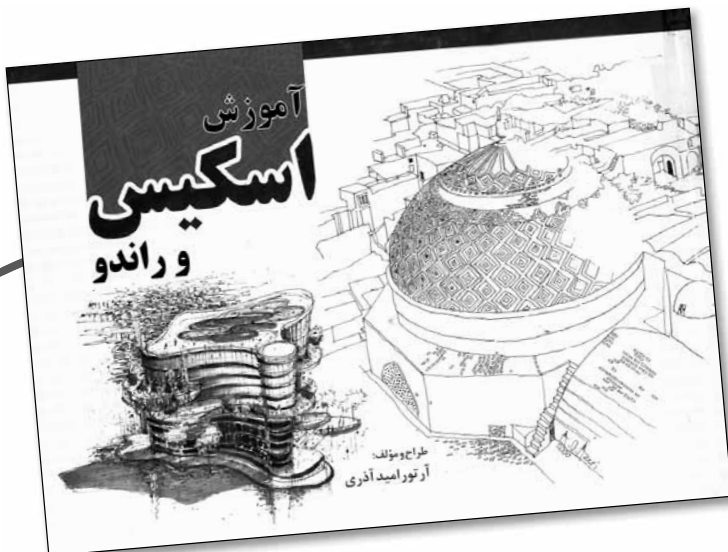
چگونه می‌توانیم طرح سامان‌بخشی را در جامعه پیش ببریم تا کتاب‌های خوب آموزشی ارائه شوند؟

من وقتی از برگزاری جشنواره‌ی رشد اطلاع پیدا کردم، خیلی خوش‌حال شدم. دریافتیم که یک متولی، بر اساس سنجش و میزانی، می‌خواهد کتاب‌های آموزشی این حوزه را نقد و بررسی و به طور رسمی تقدیر کند. بنابراین، در تألیف کتاب‌های بعدی کوشیدم دقتم را بالاتر ببرم. چرا که احساس کردم در این جامعه، ذره‌بین آگاهی هست که کارهای تألیفی و آموزشی ما را نگاه و بررسی می‌کند. این خود به بهبود آثار آموزشی کمک می‌کند. اما به نظر من اگر فرایندی شکل بگیرد که طی آن، خود داوران، صاحب‌نظران و استادان بزرگی که وجود دارند، با مؤلفین کتاب‌های آموزشی در رشته‌های گوناگون جلسات توجیهی برگزار کنند، و نیازهای هنرجویان، دانشجویان، دانش‌آموزان و حتی مدرسین مورد بحث و بررسی قرار گیرند، تا مؤلفین بتوانند در این جلسات به یک سلسله نیازها و نکات کلیدی آموزشی پی ببرند، کتاب‌های آموزشی مفیدتری نگارش می‌یابند. تشکیل این‌گونه جلسات توجیهی که تا این حد می‌تواند مفید واقع شود، کار سختی نیست.

آیا برگزیده شدن کتاب تأثیری روی فروش آن داشته است؟

نه. این کتاب از سال اول فروش خوبی داشت و من نمی‌دانستم در مجموعه کتاب‌های جشنواره‌ی رشد هم خریداری می‌شود. چون معتقدم اثر هنری بدون تبلیغ باید خودش راهش را

احساس کردم
در این جامعه، ذره‌بین
آگاهی هست که کارهای
تألیفی و آموزشی ما را نگاه و
بررسی می‌کند



پیدا کند. مخاطبان ما اشخاص خیلی باهوشی هستند. دانشجو یا هنرجو، به دنبال نیازش و مطالب آموختنی می‌گردد و با ورق زدن کتاب قدری توجه و تأمل، به راحتی می‌تواند به محتوای کتاب پی ببرد. البته تبلیغات می‌تواند انتخاب را سریع‌تر کند، جشنواره رشد و نشریه‌ی جوانه هم می‌توانند به معرفی کتاب بپردازند و کتاب‌ها را تجزیه و تحلیل کنند.

آیا نشریه‌ی جوانه، کتاب‌نامه‌های رشد و سایت سامان بخشی را دیده‌اید؟
مجله‌ی جوانه را دیده‌ام، اما کتاب‌نامه و سایت را خیر.

چه پیشنهادی برای رشد و پیشرفت طرح سامان بخشی دارید؟

به نظرم برگزاری سمینارهای تخصصی می‌تواند در این راه مفید واقع شود. هر شماره از مجله‌ی جوانه می‌تواند در زمینه‌ی تخصصی خود، هر فصل یک سمینار داشته باشد. ما در زمینه‌ی رسانه خیلی مشکل داریم. دانش‌آموزان به سایت‌ها مراجعه نمی‌کنند و از رسانه‌ها به خوبی بهره نمی‌گیرند. ما در معرفی کردن و راه چاره نشان دادن، واقعا مشکل داریم. شاید برگزاری ورکشاپ در مدارس و دانشگاه‌ها کارساز باشد. من در چند دانشگاه ورکشاپ داشته‌ام. آن قدر مؤثر است که حدود ۳۰ درصد از شرکت‌کنندگان، به این نتیجه رسیده‌اند که در فرایند آموزشی، نوع دیگری بیندیشند.

دانش‌آموزان
به سایت‌ها مراجعه
نمی‌کنند و از رسانه‌ها به
خوبی بهره نمی‌گیرند. ما در
معرفی کردن و راه چاره
نشان دادن، واقعا مشکل
داریم

هم چنین می‌توانند در سمینارها، کتاب‌های خود را معرفی کنند. استادان می‌توانند در حوزه‌ی تخصصی‌شان بحث کنند و محتوای کتاب را توضیح دهند. شاید بتوان محتوای یک کتاب را ظرف یک روز به هزار نفر آموزش داد و منتقل کرد. چون هدف در نهایت آموزش است و ما باید به آموزش فکر کنیم. ما باید برای خرید کتاب علاقه ایجاد کنیم. اگر مؤلف کتاب به سمینار بیاید و اهداف و انگیزه‌های خود را از انتشار آن کتاب شرح دهد، دانشجو، دانش‌آموز و هنرجو تشویق می‌شوند و قدم اول را بر می‌دارند. طولانی‌ترین سفرها همیشه با قدم اول آغاز می‌شود. دانشجو یا دانش‌آموز فقط می‌خواهد درس خود را بگذراند و از محتوای کتاب لذت نمی‌برد. باید او را ترغیب کنیم، قدم اول را بردارد.

در مجله‌ی جوانه، اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی انتشار خود این مجله، خیلی مهم است. اهداف و روند کارهایی را که انجام می‌دهید، برای عموم روشن کنید تا همه‌گیر شود و جای خود را باز کند. در این راه، انتشار چکیده‌ای از کتاب‌ها می‌تواند مفید واقع شود. مثلاً وقتی من نشریه را می‌گیرم، ببینم که درباره‌ی بعضی از مطالب آموزشی در آن بحث شده است؛ حتی به صورت کوتاه و یک یا دو صفحه‌ای.

ما هم می‌توانیم به مجله‌ی شما کمک کنیم و یک سلسله مطالب کلیدی و تخصصی را درباره‌ی محتوای کتاب‌های خوب و یا در زمینه‌های دیگر ارائه کنیم. چند شماره‌ای که من از مجموعه مجلات جوانه گرفته‌ام، اطلاعات چندانی به من نداده‌اند. جوانه قوی نیست. مجله نباید فقط اطلاع‌رسانی کند، بلکه باید مطالبی قوی در مورد موضوع‌های رشته‌های گوناگون آموزشی داشته باشد.

در جهان، مسابقات در رشته‌های آموزشی برگزار می‌شوند. اگر مجله شما بتواند درباره‌ی این

مسابقات به دانش‌آموزان اطلاع‌رسانی کند، کمک بزرگی به پیشرفت علمی کشور دانش‌آموزان خواهد کرد. زیرا به این وسیله نوجوانان و جوانان می‌توانند خود را در عرصه‌های جهانی مطرح کنند و سطح علمی و هنری کشورمان را ارتقا دهند.

زمانی که من دانشجو بودم، کتاب‌های خوب و مناسب در دسترس نداشتم. اگر داشتم، قطعاً از رشد بیشتری برخوردار می‌شدم، ما باید بتوانیم به رشد علمی‌مان سرعت بخشیم. این با انتشار کتاب‌های خوب و مناسب ممکن می‌شود.

هم‌چنین، با الگوبرداری از روند آموزشی دوره‌های متوسطه و پیشرفته در مدارس و دانشگاه‌ها و فضاهای کمک آموزشی کشورهای پیشرفته‌ی جهان، می‌توان به موفقیت بیشتر و رشد علمی افزون‌تر دست یافت.

یک الگوبرداری درست و دقیق می‌تواند به بالا بردن انگیزه‌ها کمک کند تا دانش‌آموزان بتوانند در عرصه‌هایی مانند المپیادهای جهانی، به موفقیت دست پیدا کنند.

آیا با معیارها و ملاک‌های داوران جشنواره درباره‌ی ارزیابی خود موافق هستید؟

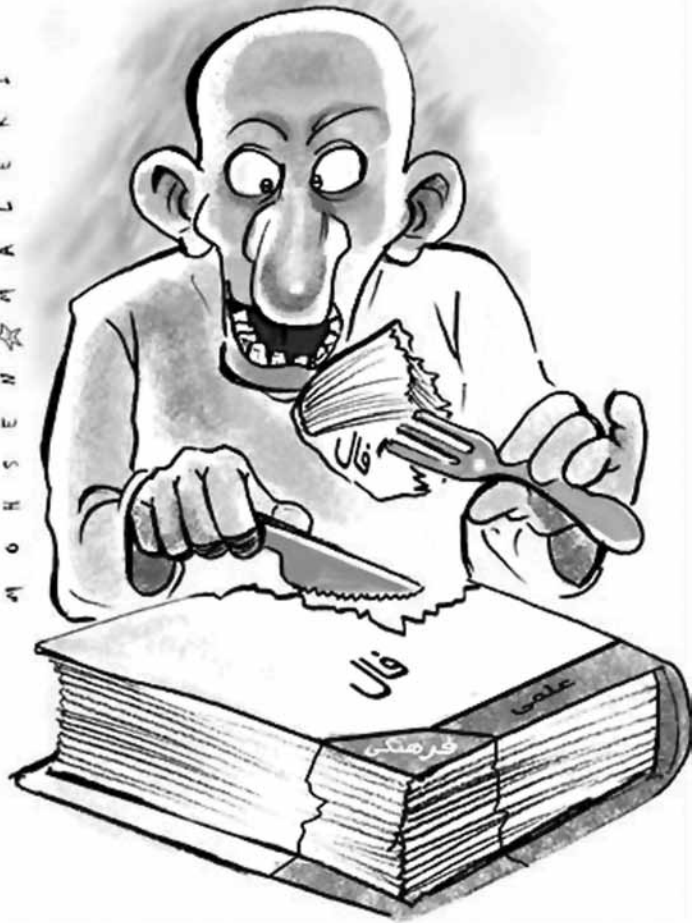
من تصادفی باخبر شدم که کتابم برنده شده است. حتی ناشر کتاب هم از برنده شدن کتاب اطلاعی نداشت. اطلاع‌رسانی خیلی ضعیف است. خودم هم نمی‌دانم که بر اساس چه ملاک‌هایی این کتاب انتخاب شده است و حتی در جلسه معرفی برندگان دعوت نشده بودم.

هم‌اکنون مشغول به چه کاری هستید؟

هم تدریس می‌کنم و هم تألیف. تحقیقاتی هم دارم و مشغول نوشتن مقالاتی هستم. هم‌چنین دفتر طراحی و معماری دارم و پروژه‌های معماری را اجرا می‌کنم.

■ از شما سپاس‌گزاریم.

M O H S E N M A L E K I



۲۷/۲۶۹۰۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۷۳



رمزهایی از اساطیر ایران

در شاهنامه

« کتابی برگزیده در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد »

جعفر ربانی

اسطوره و تاریخ دو همزادی هستند که برای نسل‌های پیاپی، انسان‌ها را در زمان‌ها و مکان‌های بسیار به خود مشغول داشته‌اند. تا زمانی نه چندان پیش، در اغلب جوامع، مردم از «اسطوره» و «تاریخ» تصور واحدی داشتند و در واقع بین این دو مقوله تفاوت و تمایزی قائل نبودند، به طوری که در همین ایران، مورخان بزرگی داشته‌ایم که وقتی خواسته‌اند تاریخ بنویسند، آن را با اسطوره‌ها آمیخته‌اند و ضمن آن بسیاری از خوارق عادات را آورده‌اند که امروز باور آن‌ها مشکل است. **ابن خلدون**، مورخ برجسته و عقل‌گرا، در «مقدمه» اش بر تاریخ، این نکته و نکاتی از این دست در تاریخ‌نگاری را به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را نتیجه‌ی جهل مورخان دانسته است.

در عصر حاضر، به مدد تیزهوشی و دقت‌نظر پاره‌ای از مورخان و انسان‌شناسان، اسطوره و تاریخ از یکدیگر جدا شدند و هریک از این دو شأن خاص خود را یافت. اجمال سخن این‌که، اسطوره به روایت‌های غیر واقعی، غیرعقلی و به ظاهر غیر قابل باوری از زندگی انسان گفته می‌شود که ریشه در تصورات او از مبدأ آفرینش و ارتباط او با جهان هستی و احیاناً ریشه در ناخودآگاه انسان دارد. ولی تاریخ به مجموعه‌ی روایت‌های مورخ یا مورخان، از مشاهدات یا مطالعات او یا آن‌ها، نسبت به رویدادهایی اطلاق می‌شود که در زمان‌ها و مکان‌هایی مشخص و معین اتفاق افتاده است. از این روست که در عصر حاضر اسطوره‌شناسی یا علم الاساطیر خود به شعبه‌ای مهم و ارزشمند از علوم انسانی بدل شده است و دیگر کسی اساطیر را مثنی دروغ و افسانه نمی‌داند؛ اگرچه واقعیت عینی نداشته باشد و به زمان و مکان مشخص متعلق نباشد. اما نخست ببینیم تحلیل یک صاحب نظر از اصالت اسطوره چیست.

ارنست کاسیرر، در کتاب خود به نام «اسطوره‌ی دولت» می‌نویسد: «بسیاری از انسان‌شناسان گفته‌اند که اسطوره، به رغم شکل‌های متعددش، پدیده‌ای بسیار ساده است که برای علت وجودی‌اش، به تبیین روان‌شناختی یا فلسفی پیچیده نیاز نیست. اسطوره همان ساده‌لوحی است، زیرا اسطوره چیزی جز تقدیس ساده‌لوحی نژاد بشر نیست. اسطوره محصول تأمل یا تفکر نیست و نمی‌توان آن را به تمامی، فرآورده‌ی تخیل دانست. صرف تخیل نمی‌تواند علت همه‌ی تناقضات و عناصر عجیب و غریب خیالی اسطوره باشد؛ بلکه بیشتر نادانی اولیه‌ی بشر است که باعث این

۱۳۹۱/۲۶/۲۷

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۷۴



یاوه‌گویی‌ها و تناقض‌گویی‌هاست. بدون این نادانی اولیه، اسطوره‌ای هم پدید نمی‌آید.^۲ کاسیر پس از بیان این مطلب اضافه می‌کند: «در نگاه نخست چنین پاسخ‌هایی خیلی موجه نمی‌نمایند. اما همین که به مطالعه‌ی تحول اندیشه‌ی اسطوره‌ای در تاریخ بشر می‌پردازیم، ایرادهای اساسی به این‌گونه پاسخ‌ها وارد می‌شود. زیرا از نظر تاریخی، هیچ فرهنگ بزرگی را نمی‌یابیم که زیر سیطره‌ی اسطوره و تحت‌تأثیر عناصر اسطوره‌ای نبوده باشد. آیا باید گفت که فرهنگ‌های بابلی، مصری، چینی، هندی و یونانی جز چند نقاب و لباس مبدل **نادانی اولیه‌ی** بشری چیز دیگری نیستند و در اصل فاقد هرگونه ارزش معنایی مثبتی هستند؟ مورخان تمدن انسانی هرگز نمی‌توانند چنین نظری را بپذیرند.»^۳



نویسنده‌ی

کتاب **می‌کوشد مقدمات اساطیر ایران را که در شاهنامه متجلی شده است دارای حقیقتی فراتر از تاریخ بداند و نشان دهد که داستان‌های اساطیری این اثر عظیم نشانه‌هایی هستند که حقایق نهفته در متن آفرینش الهی انسان و جهان را بیان می‌دارند**

اینک ببینیم نویسنده‌ی کتاب «رمزهایی از اساطیر ایران»، این موضوع را از چه منظری دیده است. **دکتر سلطانی** برای آماده ساختن ذهن خواننده به درک اسطوره، نخست به مقوله‌ی «تمثیل» - یعنی داستانی که ورای صورت ظاهری غیر متعارف خود، حقایقی ابدی و ثابت را در بر دارد - می‌پردازد و به درستی اشاره می‌کند که بسیاری از آثار گران سنگ ادب فارسی مثل کلیله و دمنه، منطق‌الطیر و الهی نامه (عطار) و داستان‌هایی از مثنوی **مولوی** مانند طوطی و بازرگان، شیر و نخچیران و ... چیزی جز تمثیل‌هایی نیستند که این فرزاتنگان (عطار، مولوی و ...) آن‌ها را برای شناختن مردم با معارف عمیق الهی و انسانی پرداخته‌اند.

در ادامه مؤلف وارد جهان اسطوره می‌شود و این نکته‌ی مهم را بیان می‌دارد که اعراب جاهلی چون حقیقت قرآن را درک نمی‌کردند و می‌پنداشتند که داستان‌های قرآن همان افسانه‌ها و قصه‌های بازمانده از گذشتگان است، آن‌ها را اساطیرالاولین می‌خواندند و خبر نداشتند که همین داستان‌های به ظاهر ساده که از زبان پیامبر بیان می‌شود، واجد چه بار معرفتی عمیق و حقیقتی جاودانه‌ای است. بدین ترتیب خواننده در می‌یابد که از نظر خود قرآن، کلمه‌ی اساطیرالاولین بار منفی ندارد و این اعراب جاهلی بوده‌اند که چون آن را منفی تصور می‌کرده‌اند بر قرآن نیز اطلاق می‌نموده‌اند.

در ایران نیز از دیرباز داستان‌های اساطیری، از جمله داستان **جمشید و ضحاک و فریدون** و **کاو و رستم** و ... وجود داشته که گویا در همان دوران‌های قدیم هم مورد مناقشه بوده‌اند. برای مثال، نویسنده‌ی کتاب حاضر، از مقدمه‌ی شاهنامه‌ی ابومنصوری چنین آورده است: «و اندراین، چیزهاست که به گفتار، خواننده را بزرگ می‌آید و هرکسی دارند تا از او فایده بگیرند و چیزها اندر این نامه بیاید که سهمگین نماید و این نیکوست ... این همه درست آید به نزدیک دانایان و بخردان به معنا؛ و آن که دشمن دانش بود این را زشت گرداند».^۴

فردوسی هم که بعداً با استفاده از شاهنامه‌ی ابو منصور و دیگر منابع بازمانده از گذشته، شاهنامه را سرود به این معنا اشاره کرد و گفت که از دو حال خارج نیست: این داستان‌ها یا با خرد ظاهری [واقعیت عینی] جور در می‌آید که روشن است و یا جور در نمی‌آید، که در آن صورت باید از راه رمزگشایی و معنایی به حقیقت آن‌ها پی برد:

تو این را دروغ و فسانه مدان

به رنگ فسون و بهانه مدان

از او هرچه اندر خورد با خرد

دگر بر ره رمز و معنا برد



نویسنده‌ی کتاب می‌کوشد با این مقدمات اساطیر ایران را که در شاهنامه متجلی شده است دارای حقیقتی فراتر از تاریخ بپاند و نشان دهد که داستان‌های اساطیری این اثر عظیم و هم‌چنین نام‌هایی مانند اکوان دیو، سیمرغ، اسب، رخس، مار و ... همه و همه، رمزها یا نمادها و نشانه‌هایی هستند که حقایق نهفته در متن آفرینش الهی انسان و جهان را بیان می‌دارند.

اساطیر از دیدگاه اسلامی

می‌دانیم که اساطیر ایران، که در اعماق تاریخ مردم ایران ریشه دارد، پس از اسلام بازسازی شد و به ویژه بخش‌های عمده و اصلی آن در صورت شاهنامه‌ی فردوسی، جلوه‌ای تازه یافت. طبعاً مضمون‌های بدیع نهفته در این داستان‌ها، بر ذهن و زبان فرزاندگانی که پس از فردوسی آمدند - به ویژه بر اهل عرفان، حکیمان، ادیبان و شاعران - تأثیر گذاشت و به تدریج با ادبیات عرفانی فارسی در آمیخت و روایت‌های تازه‌ای از دل بیرون آمد. در حقیقت همان‌طور که عامه‌ی مردم از این داستان‌ها روح جنگ‌جویی و سلحشوری و قهرمانی خود را سیقل می‌دادند، ادیبان و تاریخ‌نویسان از آن درس ادب و اخلاق و عبرت‌آموزی می‌گرفتند و عارفان و حکیمان، در سطحی بالاتر، این داستان‌ها را به ماجراهای درونی انسان، یعنی جدال او با نفس خویش مربوط می‌ساختند. دکتر گرد فرامرزی به این مطلب توجه خاصی نشان داده و کوشیده است چگونگی تلاقی «اساطیر ایرانی» با «عرفان و حکمت اسلامی» را با آوردن شواهد و مثال‌های متعدد به خواننده نشان دهد. در این زمینه او داستان‌هایی از **عطار** (داستان گورکن، داستان منطق‌الطیر) و مثنوی مولوی (داستان مارگیر بغداد) را شاهد می‌آورد و نیز چگونگی تطبیق هفت‌خوان رستم بر هفت مرحله‌ی سلوک عرفانی را بیان می‌کند. در مجموع دو فصل کتاب، یعنی فصل‌های ۱۲ و ۱۳ به این جنبه از اساطیر اختصاص یافته است.

دکتر
گرد فرامرزی به این
مطلب توجه خاصی نشان
داده و کوشیده است چگونگی
تلاقی «اساطیر ایرانی» با «عرفان
و حکمت اسلامی» را با آوردن
شواهد و مثال‌های متعدد به
خواننده نشان دهد

اساطیر تطبیقی

چنان‌که در ابتدای این نوشتار اشاره شد، تقریباً هیچ ملتی را در تاریخ نمی‌توان یافت که به نوعی دارای افسانه و اساطیر نباشد. از این روست که نگرش تطبیقی به اساطیر ملل جهان یکی از جذاب‌ترین جنبه‌های مطالعه در علم اسطوره‌شناسی و در عین حال، کاری مشکل است. واقعیت این است که حتی یک نگاه گذرا نشان می‌دهد که بسیاری از اساطیر ملل، همانندی‌ها و تشابهاتی دارند که حاکی از ریشه‌ی واحد آن‌ها در زمان‌های بسیار دور است. این‌که هر ملتی در آثار اساطیری خود روایتی خاص از آفرینش انسان دارد و یا به موضوعاتی، چون خیر و شر و یا خوبی و بدی پرداخته است و ... شاهده‌ی بر این مدعاست. مؤلف به این نکته کاملاً توجه داشته و لذا در اثر خود نه اساطیر هند را از نظر دور داشته است و نه اساطیر یونانی را و نه اساطیر چین را. در این زمینه است که فصل یازدهم کتاب (پدرکشی و فرزندکشی در اساطیر) را به ماجرای «رستم و سهراب» اختصاص داده و نشان می‌دهد که در اساطیر و حماسه‌های ملت‌ها یازده داستان وجود دارد که در آن‌ها فرزند یا پدر، یکی دیگری را می‌کشد. نویسنده با اشاره به این موارد و شرح چند نمونه از این داستان‌ها، ضمناً نشان می‌دهد که «هیچ‌کدام از آن‌ها، نه ارزش حماسی - داستانی





رستم و سهراب را دارند و نه عمق اساطیری آن را^۵. شایان ذکر است که ماجرای حضرت ابراهیم و ذبح فرزندش اسماعیل نیز یکی از این یازده مورد است که البته در این مورد قتلی واقع نشد و ماجرا به گونه‌ای دیگر خاتمه یافت. در مجموع باید گفت کتاب «رمزهایی از اساطیر ایران» اثری است محققانه و تفکر برانگیز به قلم کسی که به گفته‌ی خودش در مقدمه‌ی کتاب، از محضر بزرگانی مانند **احمد علی رجایی بخارایی**، **سید جعفر شهیدی**، **مهدی محقق**، و **غلامحسین یوسفی** «دانش» آموخته و از دکتر **شریعتی** «نگرش» یا چگونه دیدن را یاد گرفته است. ضمن آن که دکتر سلطانی بسیاری از آن چه را که در این کتاب آورده، در سال‌های خدمت خود در دبیرستان‌ها و مراکز آموزش عالی تدریس کرده است. پس می‌توان چنین استنباط کرد که آن چه نوشته است قبلاً با جان وی اندرون گردیده بوده است. شاید از همین رو بوده است، که کتاب «رمزهایی از اساطیر ایران» در جشنواره‌ی کتاب رشد به عنوان کتاب برتر برگزیده شده است.

در پایان نمی‌توان از بیان چند نکته‌ی کلی در مورد کلیت کتاب و نیز جنبه‌های ظاهری آن چشم پوشید:

- کتاب رمزهایی از اساطیر ایران، بیش از آن که یک کتاب مستقل و دارای ساختار منسجم باشد، به نظر می‌رسد مجموعه‌ای مقاله در زمینه‌ای واحد بوده است که اینک به صورت کتاب آراسته شده است. این جانب حداقل یک مورد را دیده‌ام: پدرکشی و فرزند کشی در اساطیر (فصل ۱۱) که پیش از این در یکی از شماره‌های فصل‌نامه‌ی رشد زبان و ادب فارسی چاپ شده است.
- کتاب از نظر متن و به ویژه رسم‌الخط، به ویرایش نیاز داشته که این مهم انجام نگرفته است. در مورد رسم‌الخط باید دانست که اکنون سال‌هاست در کتاب‌های درسی علامت جمع «ها» و نیز، بسیاری از حروف اضافه و پیشوندها و پسوندها مانند «به، با، بی» جدا نوشته می‌شوند، همچنین همزه‌ی کلمه‌های مختوم به «ه» در ترکیبات اضافی به «ی» تبدیل شده است (خانه‌ی ما ← خانه‌ی ما)
- از نظر حروف چاپی هم ناشر محترم می‌توانست حروف چشم‌نواز و زیباتری را انتخاب کند.
- روشن نیست چرا عنوان دو فصل ۳ و ۴ کتاب یکسان است! طغیان در برابر تاریخ به ذکر محاسن کتاب باز می‌گردیم و اشاره می‌کنیم که مؤلف در این اثر از منابع بسیار متعدد و متنوعی استفاده کرده است که خود بر ارزش کتاب می‌افزاید. و دیگر این که نمایه‌ای در پایان کتاب آورده شامل فهرست آیات قرآن کریم و نیز اعلام (به تفکیک نامه‌های کسان، قبیله‌ها، نژادها، جان‌داران، مکان‌ها، گیاهان، سوره‌های قرآن، ادیان مختلف، کتاب‌ها، داستان‌ها و مقالات). امید است در آینده شاهد چاپ متقن‌تری از این کتاب باشیم.

◀ زیر نویس

۱. سلطانی گرد فرامرزی، علی. رمزهایی از اساطیر ایران در شاهنامه. ناشر: میتکران. چاپ اول. ۱۳۸۶
۲. کاسیرر، ارنتس. اسطوره‌ی دولت. ترجمه: یدالله موقن، انتشارات هنری، چاپ دوم ۱۳۸۲، ص ۶۵
۳. همان
۴. سلطانی گرد فرامرزی، رمزهایی از اساطیر ایران، ص ۱۶
۵. همان. ص ۱۶۹



مهندس محمد حسین متولی
مدیر انتشارات «الگو»



کتاب‌های آموزشی مناسب است. کنکور جدی‌ترین مانع تولید

گفت‌و گو از نصرالله دادار

اشاره

مؤسسه‌ی الگوی توسعه‌ی نمونه یکی از ناشران برگزیده‌ی جشنواره‌ی رشد و طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی است. این مؤسسه از سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴ آغاز به کار کرده و تاکنون توانسته است، ده‌ها جلد کتاب آموزشی تقدیم جامعه‌ی علمی ایران کند.

با آقای مهندس محمد حسین متولی، مدیرعامل این مؤسسه، گفت‌و گویی درباره‌ی مشکلات و مسائل نشر کتاب‌های آموزشی، جشنواره‌ی رشد، نیازسنجی کتاب‌های آموزشی و ... انجام داده‌ایم که در ادامه از نظر شما می‌گذرد.

مؤسسه‌ی الگوی توسعه‌ی نمونه، چگونه و بر اساس چه نیازهایی تأسیس شده است؟

شروع رسمی کار انتشارات ما، از سال ۱۳۸۳ بوده که به طور جدی وارد تولید کتاب‌های آموزشی شدیم. هدف اصلی ما از ورود به این عرصه، به عنوان عده‌ای دبیر که کار آموزشی می‌کنند، وجود یک سلسله خلأهایی بود که در کتاب‌های آموزشی می‌دیدیم. کنکور و آزمون‌های سراسری دانشگاه‌ها، نیاز کاذبی را در سطح کتاب‌های آموزشی ایجاد کرده‌اند که باعث می‌شود، خانواده‌ها در انتخاب کتاب‌های مناسب دچار سردرگمی شوند و تا شناسایی کتاب‌های مناسب، هزینه‌ی زیادی را پرداخت کنند.

علت اصلی ورود ما به عرصه‌ی نشر، این بود که ما به دبیرستان انرژی اتمی منتسب بودیم و این دبیرستان بهترین قبولی‌ها را در المپیاد و کنکور در سطح کشور داشت. مردم از ما می‌خواستند که محتوای آموزشی‌مان را به نوعی صادر کنیم تا سایر دانش‌آموزان کشور هم از آن استفاده کنند. در شهرستان‌ها یا حتی خود تهران، افراد زیادی بودند که می‌خواستند به محتوای آموزشی که در

۲۷/۲۶۹۱۲۹

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۷۸

مدرسه‌ی ما ارائه می‌شد، دست‌رسی پیدا کنند، ولی موفق نمی‌شدند؛ چون نیروهای انسانی ما محدود بود. دبیران و مدرسان ما بسیار معدودند و نمی‌توانند در مدارس زیادی تدریس کنند. بر این اساس تصمیم گرفتیم این مؤسسه‌ی انتشارات را تأسیس کنیم.

چه‌طور شد که به عنوان ناشر برگزیده انتخاب شدید؟

کتاب‌های آموزشی را که الان در بازار عرضه می‌شوند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته کتاب‌هایی هستند که در راستای کتاب درسی نوشته می‌شوند که ما این‌ها را کتاب‌های مصرفی می‌دانیم. این کتاب‌ها دچار مرور زمان می‌شوند. عمر بعضی از آن‌ها کمتر از یک سال است و با تغییر کتاب‌های درسی که آموزش و پرورش اعمال می‌کند، عمر آن‌ها هم به پایان می‌رسد و از چرخه خارج می‌شوند. کتاب‌های حل‌المسائل، راهنما، تست کنکور و ... از این نوع کتاب‌ها هستند.

ما کتاب‌هایی را تولید کردیم که روی مفاهیم کتاب‌های درسی تأکید می‌کنند و هدفشان تکمیل مفاهیم کتاب‌های درسی است و به‌خصوص برای بچه‌هایی مفیدند که می‌خواهند بیشتر از کتاب درسی، مطلب در اختیار داشته باشند

دسته‌ی دوم کتاب‌هایی هستند که در واقع مکمل کتاب‌های درسی محسوب می‌شوند. اغلب این کتاب‌ها مبحثی هستند و روی مفاهیم کتاب‌های درسی تأکید می‌کنند. به علاوه، ما آن‌ها را مصرفی نمی‌دانیم، چون خیلی از آن‌ها که سال‌های قبل منتشر شده‌اند و دیگر به چاپ نمی‌رسند در بازار خرید و فروش می‌شوند و بچه‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند. هدف ما در ورود به عرصه‌ی نشر، بیشتر تولید کتاب‌های گروه دوم بود.

ما کتاب‌هایی را تولید کردیم که روی مفاهیم کتاب‌های درسی تأکید می‌کنند و هدفشان تکمیل مفاهیم کتاب‌های درسی است و به‌خصوص برای بچه‌هایی مفیدند که می‌خواهند بیشتر از کتاب درسی، مطلب در اختیار داشته باشند. در جشنواره‌ی رشد همین کتاب‌های ما از طرف آموزش و پرورش برگزیده شدند. مثلاً کتاب «آنالیز ترکیبی» ما که برگزیده شد، الان چند سال است تجدید چاپ می‌شود و کوچک‌ترین تغییری در آن ایجاد نکرده‌ایم. دانش‌آموزان هم وقتی می‌خواهند آن را بخرند، حتی به سال چاپش نگاه نمی‌کنند. چون وابسته به کتاب درسی و تغییرات کتاب‌های درسی نیست. البته ما برای حضور در بازار مجبور شده‌ایم که کتاب‌های گروه اول را هم تولید کنیم. چون متأسفانه الان در بازار وضعیت به گونه‌ای است که نیاز به آن کتاب‌ها بیشتر احساس می‌شود و این کتاب‌ها بیشتر از کتاب‌های گروه دوم مورد استفاده قرار می‌گیرند. این به خاطر تبلیغات کاذب و در راستای کنکور و گزینش دانشگاه‌هاست.

کدام‌یک از کتاب‌هایی که تاکنون منتشر کرده‌اید، پر فروش تر بوده است؟

همین کتابی که در جشنواره‌ی رشد توانست جایزه بگیرد، «کتاب آنالیز ترکیبی» که در میان کتاب‌های مبحثی، جزو کتاب‌های موفق‌مان بوده است. هم‌چنین، کتاب «مفهوم ادبیات فارسی» و کتاب‌های فیزیک ما هم جزو کتاب‌های پر فروشمان هستند.

کتاب‌هایی را که ذکر کردید، در کتاب‌نامه‌ی رشد معرفی کرده‌اند؟

در سایت رشد بیشتر کتاب‌های ما معرفی شده‌اند، ولی کتاب‌نامه‌ی رشد را من ندیده‌ام.

به نظر شما، داوری مخاطبان کتاب‌های آموزشی و داوری داوران جشنواره‌ی رشد نسبت به کتاب‌ها یکسان است یا خیر؟

مخاطبان کتاب‌های آموزشی یک نوع ارزیابی می‌کنند و داوران جشنواره نوع دیگری. زاویه دید داوران جشنواره‌ی رشد با زاویه دید مخاطبان خیلی یکسان نیست. این در مورد همه‌ی ناشران است، ولی ما ناشری هستیم که یک مقدار مخاطبانمان خاص هستند. نظر مخاطبان کتاب‌های مؤسسه الگوی نمونه‌ی توسعه (انتشارات الگو) به نظر آموزش و پرورش نزدیک است؛ یعنی تفکرات و نوع معیارهایشان، تقریباً همان معیارهای آموزش و پرورش است.

چرا سلیقه‌ی شما با سلیقه‌ی ناشران دیگر متفاوت است؟

من فکر می‌کنم چون مخاطبانمان نسبت به مخاطبان ما عام‌ترند و آن‌ها بیشتر به دنبال کتاب‌های کنکور، حل المسائل، کتاب کار و مانند این‌ها هستند. ما اصلاً این‌گونه کتاب‌ها را تولید نمی‌کنیم و هیچ‌وقت هم چنین کتاب‌هایی را تولید نخواهیم کرد. ما به دنبال فروش نیستیم و کتاب‌هایی که تولید می‌کنیم، دامنه‌ی وسیعی از دانش‌آموزان را در بر نمی‌گیرد. فروش ما سقفی دارد و می‌دانیم که در نهایت، دهک بالای دانش‌آموزی، بیشتر کتاب‌های ما را تهیه می‌کنند.

جشنواره چه باید انجام دهد وقتی که داوری‌اش با داوری مخاطبان متفاوت است؟

این یک پارادوکس است که نمی‌شود آن را کاری کرد. به نظر من، جشنواره حداکثر کاری را که می‌تواند، دارد انجام می‌دهد. مشکل ما مشکل گزینش دانشگاه‌هاست. ببینید معلم که سر کلاس درس می‌رود - من خودم معلم هستم و تدریس می‌کنم - به محض این‌که قدری از مطالب کنکوری فاصله می‌گیرد، بچه‌ها اعتراض می‌کنند. می‌گویند: مطلبی که شما می‌گویید در کنکور نیست و به درد ما نمی‌خورد، وقتی که می‌گویند به درد ما نمی‌خورد، منظورشان فقط کنکور است، در کتاب‌ها هم همین‌طور است. یعنی اگر ببینند مطلبی عنوان شده که یک مقدار از کنکور دور است، نسبت به کتاب نگاه منفی پیدا می‌کنند. این مشکل متأسفانه وجود دارد. مشکل سیاست دانشگاه‌ها و گزینش دانشجویست و باید آن را حل کرد.

الان کتاب پر فروش بازار کتابی است که هیچ‌کس تأیید نمی‌کند، حتی معلمی که آن را معرفی می‌کند، خودش آن را تأیید نمی‌کند و از تدریس آن اکراه دارد. ولی متأسفانه نیاز بازار است و نمی‌شود کاری کرد. اگر کسی بخواهد کنکور قبول شود، مجبور است چنین کتاب‌هایی را بخواند.

هدف جشنواره‌ی رشد این است که به نشر کتاب‌های آموزشی سامان بخشد. آیا موفق می‌شود؟

با وجود بحث کنکور، این کار تقریباً امکان‌پذیر نیست، چون نمی‌شود این‌ها را در کنار یکدیگر قرار داد. کنکور تکنیک است و ما به دنبال مفاهیم هستیم؛ این‌ها با هم متفاوت‌اند. و در حقیقت کار مناسب آموزشی این است که ما روی مفاهیم تأکید کنیم؛ در حالی که مفاهیم محدودند. پس

الان کتاب پر فروش بازار کتابی است که هیچ‌کس تأیید نمی‌کند حتی معلمی که آن را معرفی می‌کند، خودش آن را تأیید نمی‌کند و از تدریس آن اکراه دارد

وقتی می‌خواهیم ۵۵ سؤال جدید طرح کنیم، همه نمی‌توانند مفهومی باشند و مجبوریم یک مجموعه‌ی تکنیکی هم طرح کنیم.

درباره کتاب‌های دوره‌های راهنمایی و ابتدایی نظر شما چیست؟

فکر می‌کنم در دوره‌ی راهنمایی جای کار خیلی بیشتر است. اخیراً بحث این است که امتحان نهایی هم برداشته شود که در این صورت، فضا برای کار بازر می‌شود. برای دوره‌ی راهنمایی کتاب‌های مبحثی هندسه و جبر تولید می‌کنیم که در همین راستا هستند. من فکر می‌کنم برای دوره‌های پایین مثل راهنمایی، خیلی بهتر می‌شود این کار را کرد. حتی تا اول دبیرستان هم می‌شود خوب کار کرد، اما بیشتر از آن واقعا نمی‌شود. به محض این که بالاتر بیایید، کتاب شما به کنکور مقایسه می‌شود. اگر نزدیک به کنکور باشد، بازار آن را تأیید می‌کند و اگر نباشد، تأیید نمی‌شود. یعنی مبنای سنجش کنکور است. دبیران مدارس باید این نوع کتاب‌های مفهومی را پشتیبانی و در مدارس معرفی کنند تا این کتاب‌ها رونق یابند. معلمان هم متأسفانه خیلی از این کتاب‌ها حمایت نمی‌کنند. گاهی خود مدرسه‌ها کتاب‌های حل‌المسائل را سفارش می‌دهند. برای مثال، مدرسه‌ی ما می‌گوید ۸۰ کتاب حل‌المسائل دوم دبیرستان برای ما بفرستید. این خیلی برای یک مدرسه بد است که کتاب حل‌المسائل سفارش دهد.

به نظر شما کتاب‌های ترجمه شده را می‌شود در جشنواره مورد ارزیابی قرار داد؟

بله. الان کتاب‌های مرجعی در سطح دنیا تولید می‌شوند که کتاب‌های خیلی خوبی هستند و خود آموزش و پرورش کتاب‌هایش را تحت تأثیر آن‌ها تغییر می‌دهد. به نظرم کتاب‌های ریاضی ۱ و ۲ خیلی تحت اثر کتاب‌های خارجی هستند. من کتاب‌های کالیفرنیا را دیده‌ام. آن‌ها خیلی به کتاب‌های ما نزدیک هستند و به نظرم در تألیف کتاب‌های ما از آن‌ها استفاده کرده‌اند.

جایزه‌ی کتاب‌های ترجمه شده‌ی آموزشی را به چه کسی باید داد: ناشر یا مترجم؟

جایزه را باید به ناشر بدهند، زیرا این کار در راستای سیاست‌گذاری ناشر است. انتقادی که من به جشنواره داشتم همین بود که از ناشر اصلاً تقدیر نمی‌شود. کتاب خود ما که انتخاب شد، ما فقط دعوت شدیم و از مؤلف ما تقدیر شد. در حالی که این توفیق به خاطر سیاست‌گذاری ناشر است. ما وقتی از مؤلفی می‌خواهیم کتاب تألیف کند، سیاست نشر را به او می‌گوییم و از او می‌خواهیم، طبق شرایط معینی بنویسد. همین مؤلف برای ناشران دیگر هم کتاب نوشته است که مورد تأیید شما نیست. اگر کتابش در این جا نتیجه گرفته، به این دلیل است که در چارچوب سیاست‌های این مؤسسه کتاب نوشته است.

چه انتقاد دیگری از جشنواره دارید؟

فکر می‌کنم سطح داوری‌ها هم قدری سلیقه‌ای است. به نظر من، در این داوری‌ها ناشران



هم باید نماینده داشته باشند.

ناشران یک نماینده در هیئت داورى دارند.

یک نماینده برای انتخاب کتاب نیست و باید از مقدار ناشران بیشتری استفاده شود. حتی در تألیف کتاب‌های درسی و شورای سیاست‌گذاری تألیف کتب درسی، ناشران باید نماینده داشته باشند. من الان بعضی از کتاب‌های درسی، مثل ریاضی ۲ را کتاب‌های مناسبی نمی‌دانم. این باعث می‌شود، مدارس کتاب‌های آموزش و پرورش را طرد کنند و کتاب‌های غیر درسی و یا کتاب‌هایی که خیلی مناسب نیستند، جای این کتاب‌ها را در مدارس بگیرند.

شما برای انتشار کتاب‌هایتان، قبل از انتشار کتاب، نیازسنجی می‌کنید؟

بله. با مدارس خوب بسیاری در تهران در ارتباط هستیم و قبل از تولید کتاب، از طریق مشاوران و دبیران ارزیابی می‌کنیم که آیا تولید کتابی با این مشخصات مناسب است یا نه. اگر مناسب باشد و مشاوران تأیید کنند، کتاب را تهیه و چاپ می‌کنیم؛ چون نگاه ما بیشتر «مشاور محور» است.

چگونه نیازسنجی می‌کنید؟

ما بیشتر کارهایمان را به روش میدانی انجام می‌دهیم. فرمی را به مدارس می‌فرستیم و از بچه‌ها نظرسنجی می‌کنیم و نقاط ضعف کتاب‌ها را می‌گیریم و بر اساس نقاط ضعف آن کتاب‌ها، کتابمان را تولید می‌کنیم. مثلاً بچه‌ها می‌گویند ما در ریاضیات گسسته و نظریه‌ی اعداد مشکل داریم. بعد ما روی آن مبحث کار می‌کنیم.

یعنی هم از مشاور و هم از دانش‌آموز و هم از دبیران در این مورد سؤال می‌کنید؟

بله. اما پایه‌ی اصلی کار ما بر اساس مشاوره است. چون مشاور تمام جهات دانش‌آموز را می‌بیند. معلم فقط درس خودش را می‌بیند و دانش‌آموز هم متأسفانه با این تبلیغات خیلی بدی که بیرون وجود دارد، نمی‌تواند خیلی خوب تشخیص بدهد.

با معلم‌ها هم رابطه دارید؟

بله. صد در صد. ما اول نظر مشاوران را می‌پرسیم و بعد تأیید معلم را می‌گیریم. نظر دانش‌آموزان را درباره‌ی کتابمان، بعد از چاپ می‌گیریم. یعنی وقتی از کتاب استفاده کردند، از آن‌ها نظرخواهی می‌کنیم.

به‌طور کلی در زمینه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟
مشکل اصلی کنکور است. آزمون سراسری متأسفانه اجازه نمی‌دهد، کاری را که می‌خواهیم انجام دهیم. مجبوریم کتاب‌هایمان را با آزمون‌ها هماهنگ کنیم که این معضل اصلی ماست.



مشکل بعدی ما تبلیغات بعضی از ناشران است. آن‌ها کتاب‌های سطحی پایین و نامرغوب تولید می‌کنند و با تبلیغات خیلی زیاد این کتاب‌ها را به فروش می‌رسانند و خانواده‌ها تا بخواهند تشخیص دهند که کتاب خوب نیست، هزینه‌ی زیادی را صرف کرده‌اند. مثلاً کتاب ریاضی ۲ که تألیف می‌شود، خیلی سریع به دست یک ناشر می‌رسد و این ناشر با تبلیغات تلویزیونی در سال اول صد هزار نسخه از کتابش را می‌فروشد. اما در سال دوم، فروش او به ۴۰ هزار نسخه می‌رسد. چرا؟ چون خانواده‌ها این کتاب را خریده‌اند و متوجه شده‌اند که مناسب نیست و سال بعد از آن استفاده نمی‌کنند.



اول
نظر مشاوران را
 می‌پرسیم و بعد تأیید معلم
 را می‌گیریم. نظر دانش‌آموزان
 را درباره‌ی کتابمان، بعد از چاپ
 می‌گیریم. یعنی وقتی از کتاب
 استفاده کردند، از آن‌ها
 نظرخواهی می‌کنیم

بخشی از مشکلات هم به وزارت آموزش و پرورش بر می‌گردد. من فکر می‌کنم گروه تألیف کتاب‌های درسی آموزش و پرورش شفاف عمل نمی‌کند. در نظام نیروی انسانی بالاخره امکان خروج اطلاعات هست و می‌شود آن اطلاعات را خارج کرد. من با آقای دکتر عالمی که صحبت می‌کردم ایشان گفت: ما خیلی بسته عمل می‌کنیم. گفتیم: بالاخره مطالب کتاب ریاضی ۱ شما، زودتر از آن‌چه می‌خواستیم از نظام ما خارج شد. گفت: به همین خاطر، دو نفر را اخراج کردیم. گفتیم: هر سال چند نفر را می‌خواهید اخراج کنید؟ باید نظام را اصلاح کنید. امسال می‌بینم ریاضی ۲ روی سایت آمده است. سه چهار روز بعد، یک ناشر تیزر تبلیغاتی پخش می‌کند. مگر می‌شود یک کتاب را سه روزه تألیف کرد؟ قطعاً توانسته آن کتاب را قبلاً تهیه کند.

چه مشکلات دیگری احساس می‌کنید در نشر کتاب‌های آموزشی وجود دارد؟

یک مشکلمان هم با وزارت فرهنگ و ارشاد است. وزارت ارشاد روی کتاب‌های آموزشی حساسیت چندانی نشان نمی‌دهد و به همه‌ی کتاب‌ها مجوز چاپ می‌دهد. در بخش ممیزی، فقط مسائل سیاسی را وارسی می‌کنند. اگر ببیند کتاب آموزشی بحث سیاسی ندارند، خیلی راحت به آن مجوز می‌دهند. الان متأسفانه هر کتابی توانسته است وارد بازار شود و خانواده‌ها هم خیلی نمی‌توانند تشخیص دهند چه کتابی خوب است و چه کتابی بد. فکر می‌کنم این‌ها عمده مشکلات ما هستند. اما اگر آموزش و پرورش خوب سیاست‌گذاری کند، می‌تواند خیلی از این مشکلات را برطرف سازد.

آموزش و پرورش برای حمایت از کتاب‌های خوب چه می‌تواند انجام دهد؟

یک راه این است که ما به دبیران کتاب‌های خوب را بشناسانیم و بخواهیم کتاب‌های خوب را در مدرسه معرفی و حمایت کنند تا قدری جو دانش‌آموز سالاری از مدرسه خارج شود.

والدین اجازه نمی‌دهند، چون سرنوشت فرزندانشان در کنکور تعیین می‌شود.

من باید به نکته‌ی مهمی در این‌جا اشاره کنم. اتفاقاً بچه‌هایی که بیشتر روی مفاهیم کتاب‌های پایه کار می‌کنند، در کنکور موفق‌ترند. چرا بچه‌های ما در دبیرستان انرژی اتمی موفق‌ترند؟ ما در کنکور، در کشور اول هستیم. ۶۰ تا دانش‌آموز داریم. از این ۶۰ دانش‌آموز، ۳۰ نفر به دانشگاه شریف و بقیه هم به بهترین دانشگاه می‌روند. در حقیقت بهترین قبولی‌ها متعلق به دبیرستان انرژی اتمی است.

علت موفقیت ما این است که ما نقش المپیاد را در سال‌های اول، دوم و سوم خیلی پر رنگ می‌کنیم و در واقع به اسم المپیاد به بچه‌ها خوراک می‌دهیم. ما بچه‌ها را تشویق می‌کنیم تا وارد بحث المپیاد شوند و کتاب‌های مفهومی را به عنوان خوراک به آن‌ها می‌دهیم. علت موفقیت آن‌ها این کارهای پایه‌ای است که رویشان انجام شده است، نه تست‌های کنکور. در حالی که اگر از سال اول فقط تست کار می‌کردیم، در کنکور هم نتیجه نمی‌گرفتیم.

یعنی هم خانواده‌ها و هم معلمان باید نسبت به این قضیه توجیه شوند؟

بله. ما معلمان را توجیه کرده‌ایم و به نظرم، آموزش و پرورش هم می‌تواند این کار را انجام دهد و بحث المپیاد را جدی بگیرد. می‌تواند در سطح کشور آزمون‌هایی برگزار کند و بچه‌ها را به این سمت بیاورد. پارسال آزمونی به اسم «کانگورو» به صورت آزمایشی برگزار شد که خیلی آزمون خوبی بود. اگر آزمون‌هایی مثل این در سطح کشور و در پایه‌های اول و دوم راهنمایی برگزار شوند که هدفشان درک مفاهیم کتاب مطالب آموزشی باشد، کتاب‌های مفهومی هم حمایت می‌شوند. دانش‌آموز به واسطه‌ی شرکت در این آزمون‌ها، کتاب‌های مفهومی و مبحثی را که خارج از بحث کنکور هستند، مطالعه می‌کند. به نظر من، این موضوع باید گسترش یابد فقط به المپیاد محدود نباشد و آزمون‌های دیگری هم وجود داشته باشند.

طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، در جهت ترویج کتاب‌های آموزشی مناسب، سایت دارد و کتاب‌نامه و مجله منتشر می‌کند. به نظر شما چه کارهای دیگری می‌توان انجام داد؟

یک مشکل اساسی این است که دسترسی دانش‌آموزان به کتاب‌های نامناسب خیلی آسان است. من گاهی سر کلاس به بچه‌ها می‌گویم که فلان کتاب خوب نیست و کسی آن را نبرد. اما هفته‌ی بعد، بعضی از دانش‌آموزان آن را خریده‌اند و حتی سؤال هم از آن می‌پرسند. چون دسترسی دانش‌آموز به این کتاب‌ها خیلی آسان است. پس دانش‌آموز فقط تحت‌تأثیر ما و شما نیست، تحت‌تأثیر دوستان، محیط پیرامون مثل اقوام، دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر و یا تبلیغات تلویزیون هم هست. تلویزیون را روشن می‌کند و مثلاً رتبه‌ی دوم کنکور می‌گوید: من کتاب فیزیک الگو را خوانده‌ام. دانش‌آموزان تحت‌تأثیر این جو هستند.

بنابراین، اگر شما کتاب‌نامه به او بدهید، حتی شخصاً به تلویزیون ببینید تا اعلام کنید که مثلاً کتاب ریاضی ۲ خوب است، باز هم بچه‌ها کتاب‌های دیگر را می‌خرند و ممکن است حتی کتاب شما را نخرند؛ چون تبلیغات بیرونی خیلی بیشتر است. دانش‌آموز می‌گوید: رتبه‌ی چهارم کنکور گفته است این کتاب را بخرد، چرا باید حرف شما را گوش کنم؟ باید حرف



رتبه‌ی چهارم را گوش کنم. اصلاً شاید شما غرض دارید که این کتاب را معرفی نمی‌کنید. این نگاه‌ها باعث می‌شوند که کار سامان‌بخشی خیلی سخت باشد.

فکر می‌کنم اکنون سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی حدود ۱۰ سال می‌گذرد. طی این ۱۰ سال، شما نتوانسته‌اید فهرستی ارائه کنید و خیلی شفاف بگویید این کتاب‌ها را تهیه کنید. چون اگر فهرستی اعلام کنید و دانش‌آموز و بازار از آن حمایت نکنند، امکان دارد اعتبار طرح شکسته شود. بنابراین کار بسیار سختی است. فکر می‌کنم در این بحث ارتباط شما با ناشران باید خیلی بیشتر شود. لازم است، ناشران کتاب‌های مورد قبول تشویق شوند، دبیران این نوع کتاب‌ها را بیشتر تأیید کنند، و آزمون‌هایی برگزار شوند که بچه‌ها را به تهیه‌ی این‌گونه کتاب‌ها تشویق کنند. از طرف دیگر، معیارهای خود شما مبهم است. مثلاً در مورد کتاب خود ما هم که انتخاب شد، به ما نگفتند بر اساس چه معیاری انتخاب شده است. خیلی کلی به ما گفتند. یعنی اگر من الان بخواهم کتاب درسی دیگری را تولید کنم، نمی‌دانم با معیارهای شما هم‌خوانی دارد یا ندارد.

یک مشکل
اساسی این است که
دست‌رسی دانش‌آموزان
به کتاب‌های نامناسب خیلی
آسان است

معیارهای جشنواره اعلام نشده است؟

خیر. به ما نگفتند با چه معیاری کتاب شما را انتخاب کردیم.

معیارها روی سایت هم نبود؟

اگر هم بوده، اطلاع‌رسانی فراگیر نبوده است که ما متوجه شویم معیارها چیست. من به واسطه‌ی ارتباطاتی که داشتم، می‌دانستم تفکر طرح سامان‌بخشی چیست، والا اطلاع‌رسانی آن چندان فراگیر نبود.

به نظر شما طرح سامان‌بخشی تا به حال چه قدر موفق بوده است؟

به نظر من خیلی اثر نداشته است.

فرقی بین بودن و نبودن طرح سامان‌بخشی نیست؟

گزارش و سندی انتشار نیافته که بفهمیم طرح سامان‌بخشی در این ۱۰ سال چه کرده است. عملکرد آن خیلی مشخص نیست. فقط کتابچه‌ای تهیه کرده بودند که آن هم خیلی کلی بود و خب در اختیار همه‌ی ناشران قرار نگرفت. من شخصاً احساس می‌کنم که کار خاصی انجام نشده است و اگر شده، اجرایی و یا در دسترس نیست.

چه انتظاری از دبیرخانه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و یا جشنواره دارید؟

ارتباط خود را با ناشران بیشتر کند و جلسات مشترک بیشتری را برگزار کند. در جلساتی که شما می‌گذارید، فقط یک نماینده از ناشران آموزشی شرکت دارد، در صورتی که حداقل باید دو یا سه نماینده حضور داشته باشند تا ناشران با اهداف شما بیشتر آشنا شوند و اگر نظری دارند بتوانند به شما منتقل کنند. در مجموع، ارتباط بین ناشران و دفتر سامان‌بخشی خیلی ضعیف است. صرفاً

یک نماینده در جلسات شما حضور دارد که آن هم کار خاصی را دنبال نمی‌کند.

آیا برگزیده شدن شما، اثری روی فروش کتابتان داشت؟

نه.

به طور کلی داوری جشنواره را مناسب می‌دانید؟
نه. چون معیارهایشان خیلی سلیقه‌ای و مشخص است.

کتاب دیگری هم داشتید که حق بود انتخاب شود؟
بله. چون معیارها در مورد کتاب ما خیلی کلی بود و در مورد خیلی کتاب‌های دیگر هم صدق می‌کرد. چرا آن‌ها انتخاب نشدند؟

مثل چه کتابی؟

کتاب نظریه‌ی اعداد، کتاب مکانیک و کتاب المپیاد فیزیک.

نظراتان درباره‌ی کتاب‌هایی که به عنوان راهنما و معیارهای استاندارد از طرف طرح سامان بخشی منتشر شده، چیست؟

خیلی‌ها اصلاً در جریان نیستند که چنین کتاب‌هایی منتشر شده‌اند.

شما که در جریان بودید؟

بله، ما در جریان بودیم و از آن‌ها استفاده کردیم. من احساس می‌کنم این کتابچه‌ها به شرح و بسط بیشتری نیاز دارند و اگر نظرات بهتری روی آن‌ها اعمال شود، راهنماهای خوبی هستند. اما باید بیشتر معرفی شوند، چون خیلی‌ها آن‌ها را نمی‌شناسند و از بین ناشران، تعداد خیلی کمی می‌دانند که چنین راهنماهایی وجود دارند.

این کتابچه‌ها روی کیفیت کتاب‌ها اثر گزار است؟

برای کسی که دنبالش باشد بله. برای کسی که بخواهد کتابش را استاندارد کند، راهنمای خوبی است.

مجله رشد جوانه را دیده‌اید؟ به نظر شما، این مجله توانسته است در مسیر

حمایت از کتاب‌های آموزشی مناسب، درست عمل کند؟

من فقط یک بار این نشریه را دیده‌ام. فکر می‌کنم تاکنون خیلی موفق نبوده است. چون ما تأثیری احساس نکرده‌ایم.

من احساس می‌کنم این کتابچه‌ها به شرح و بسط بیشتری نیاز دارند و اگر نظرات بهتری روی آن‌ها اعمال شود، راهنماهای خوبی هستند

۲۷/۲۶۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۸۶



۲۷/۲۶۹۰۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۸۷

چگونه یک کتاب را نقد و بررسی کنیم



دکتر محمود معافی

اشاره

قضاوت در مورد کیفیت محتوایی یک اثر یا یک عقیده، منافی به این شرح به دنبال دارد:

۱. علم و دانش را در فرایندی پویا قرار می‌دهد که ثمره‌ی آن توسعه‌ی علم است.

۲. مؤلف را به بازنگری در اثر و یا تولید آثار ترغیب می‌کند.

۳. آثار موفق به جامعه معرفی می‌شوند و نویسندگان و مؤلفان در رقابتی سازنده درگیر می‌شوند.

۴. از ورود آثار ضعیف به بازار نشر جلوگیری می‌شود.

همان‌گونه که **فرانسیس بیکن**، با نقدی که بر منطق **ارسطو** کرد، زمینه‌ی پیشرفت علوم تجربی را فراهم آورد، نقد کردن می‌تواند به پیشرفت جامعه و علوم کمک کند. بدون شک، روی‌گردانی از نقد در هر موضوعی، مسائل و مشکلات فراوانی را در جامعه به‌وجود می‌آورد. نویسندگان و مؤلفان نباید از نقد آثار خود بیمناک باشند، بلکه باید از این کار استقبال کنند. نقد کتاب اصول و ضوابط خاصی دارد و از قاعده‌ی معینی پیروی می‌کند. این اصول گرچه در مورد انواع کتاب‌ها اشتراکاتی دارند، اما بسته به موضوع کتاب دارای تفاوت‌هایی هستند. در این مقاله خوانندگان با روش‌شناسی نقد کتاب آشنا می‌شوند.

۱۳۹۱/۲۶/۲۷

بهار و تابستان ۱۳۸۸



نقد چیست؟

«نقد» در لغت به معنای نظر کردن در دراهم است، تا به قول اهل لغت، سره را از ناسره باز شناسیم [تاج المصدا روزنی]. ظاهراً این کلمه از قدیم در مورد شناخت محاسن و معایب کلام به کار رفته است. در فرهنگ اروپایی نیز لفظ «Critick» به معنای رأی زدن و داوری کردن است و شکی نیست که رأی زدن و داوری کردن در مورد نیک و بد امور و شناخت سره و ناسره آن، مستلزم معرفت درست و دقیق آن امور است [زرین کوب، ۱۳۷۴].

از نظر **آبر کرامتی**، معنی انتقاد عبارت است از اعمال قضاوتی منطقی که به ویژه در مورد شیوه‌های سلوک، ادبیات یا محصولات فرهنگی به کار می‌رود. غرض از انتقاد، کشف مفروضات مستتر در یک اثر و یا به طور ساده، پیدا کردن اغلاط و اشتباهات آن است.

بی شک آن‌چه که موجب تداوم جریان خلاقیت و آفرینش آثار فکری، هنری، و فنی می‌شود، همانا روحیه‌ی نقادی و انتقاد است؛ روحیه‌ای که بدون تردید معطوف به بهبود امور است و از این‌روست که هرگز اجازه نمی‌دهند انسان به وضع موجود رضایت دهد و دست روی دست بگذارد.

با وجود وقوف و اذعان به اهمیت ثمرات نقد، فراوان شاهد روی‌گردانی شمار زیادی از افراد در جامعه از نقد و بررسی هستیم. این خود نوعی آسیب و مسئله‌ی

اجتماعی و فرهنگی قلمداد می‌شود و به تبع آن، مسائل و مشکلات زیادی در جامعه به وجود می‌آید. از این‌روست که باید به نقد و نقادی توجه بیشتری شود و به‌عنوان یک مهارت اجتماعی، در کنار مهارت‌هایی مانند تفکر، استدلال، بیان نظرات، گفت‌وگو، همدلی، مباحثه و ... در جریان اجتماعی شدن، در افراد درونی شود.

ویژگی‌های نقد کدام‌اند؟

همان‌گونه که در ابتدای این مقاله متذکر شدیم، نقد شناخت خوب و بد یک چیز است و نباید تصور کنیم که نقد تنها نوعی قضاوت منفی و یا پیدا کردن نقاط عیب یک اثر است (همان‌گونه که عده‌ای به غلط چنین تصور می‌کنند). واقعیت این است که نقد به معنای وارسی و کنکاش در ویژگی‌های یک چیز است که در این صورت، هم ابعاد و جنبه‌های مثبت و مفید و هم جنبه‌های منفی یک اثر بیان می‌شود. نکته‌ی دیگر آن‌که برخی نقد را به دو دسته‌ی نقد سازنده و نقد مخرب تقسیم می‌کنند. واقعیت آن است که نقد همواره باید سازنده و همراه با رهنمود باشد. به‌ویژه در ارزیابی یک اثر و قبل از چاپ، این نکته اهمیت زیادی دارد. نقد مخرب دیگر نقد نیست، بلکه می‌توان آن را با امور دیگری مانند دروغ، بهتان، تهمت و ناسزا همراه دانست. نقد کردن باید با رعایت یک سلسله از اصول و معیارها صورت گیرد؛ از جمله آن‌که:

۱. معطوف به بهبود امور باشد؛
۲. از سر خیرخواهی باشد؛
۳. توأم با ارائه‌ی پیشنهاد اصلاحات و یا راه‌حل باشد؛
۴. توأم با ذکر پیامدها و جنبه‌های مفید و مثبت یک اثر باشد؛
۵. همراه با استدلال سند و مدرک باشد؛
۶. تنگ‌نظرانه نباشد؛



بی شک آن‌چه
که موجب تداوم جریان
خلاقیت و آفرینش آثار
فکری، هنری، و فنی می‌شود
همانا روحیه‌ی نقادی و
انتقاد است

۷. واضح و روشن باشد و مبهم، معلق و پیچیده نباشد؛ به گونه‌ای که به مفسر دیگری برای روشن سازی دوباره‌ی نقد نیاز باشد. این اصل در مورد همه‌ی آثار علمی و آموزشی صدق می‌کند.

۸. احساسی نباشد؛ به این معناکه پیش فرض آن نباید جانب‌دارانه و فردی باشد.
۹. آزمون‌پذیر و عمومی باشد؛ به طوری که دیگران هم بتوانند با استفاده از همان روش و ابزار، به همان نتایج حاصل از انتقاد دست یابند. به عبارت دیگر مهمل و بی‌معنی نباشد.

چه کسی می‌تواند یک اثر را نقد کند؟

آیا هر کس می‌تواند هر کتابی را نقد کند؟ مثلاً آیا نویسنده‌ای که در فیزیک تخصص دارد، می‌تواند کتابی را که در زمینه‌ی خواص میوه‌ها و سبزی‌ها نوشته شده است، نقد کند؟ بی‌شک پاسخ این سؤال منفی است. واضح است که منتقد در زمینه‌ای که نقد می‌کند، باید دارای تخصص، تجربه و دانش قابل قبولی باشد تا ما او را به عنوان داور و ارزیاب بپذیریم و رأی‌زنی او را قبول کنیم. از سوی دیگر، ناقد باید هم سطح مؤلف باشد، به زبان اثر تسلط داشته باشد، از قدرت تحلیل و استنتاج بالایی برخوردار باشد و مشخص کند که آیا همه‌ی اثر را می‌تواند نقد کند یا بخشی از آن را. **لئونارد داوینچی** معتقد است: «هیچ‌کس حق ندارد پیش از رسیدن به شناخت کامل از ماهیت چیزی (یا کسی)، به آن عشق بورزد و یا از آن نفرت داشته باشد.»

نقد در بررسی هر اثر علمی می‌تواند بر اساس دو رویکرد صورت گیرد: **رویکرد ذوقی و رویکرد علمی**. در رویکرد ذوقی، نقاد خود را از قید و بند قانون و قاعده خارج می‌کند. این رویکرد، با توجه به این‌که سلیقه‌ای و فردی است، کلیشه‌ی خاصی ندارد. به همین علت می‌توان برای آن اصول و معیارهای مقبول همگان را مطرح کرد و یا درباره‌ی آن تبلیغ کرد. اما رویکرد علمی دارای قاعده و قانون است. برای مثال، کتاب آموزشی اثری است که باید اهداف مشخصی را دنبال کند و به ناچار از زبان خاصی استفاده کند. نویسنده ناگزیر است که به علاقه‌ها و نیازهای خاص و تعریف‌شده‌ی مخاطب توجه کند. و اگر کتاب آموزشی مکمل باشد، ناچار از به‌کارگیری اصول و معیارهای خاص در گزینش و سازمان‌دهی محتوا است. نقاد نیز ناچار از داشتن ضوابطی خاص برای قضاوت است.

به همین دلیل، به کارگیری رویکرد علمی در نقد و بررسی آثار علمی از مقبولیت بیشتری برخوردار است. اما به هر حال نباید از این نکته غفلت کرد که هر کتاب به هر حال محصول یک ذوق است. بدین لحاظ باید در نقد و بررسی اثر، نمره‌ی خاصی را برای ذوق نویسنده و خلاقیت وی در نظر گرفت.

نقد نه ایراد و خرده‌گیری است و نه اشکال‌تراشی، بلکه علم‌ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی اثر است که مانند سایر رشته‌های علمی، قواعد و اصول خاص خود را دارد و به آن «روش‌شناسی نقد» گفته می‌شود. نقد دارای سه جنبه است: **بیرونی، درونی و تحلیل محتوا**.

الف) عناصر نقد بیرونی

این نقد بیشتر متوجه نویسنده‌ی اثر است. نقاد برای این‌که بتواند درباره‌ی یک اثر و ایده‌های مطرح شده در متن، با دقت بیشتری اظهارنظر کند، ناچار است که تصویری از شخصیت نویسنده

ناقد باید هم
عرض مؤلف باشد، به
زبان اثر تسلط داشته باشد
و از قدرت تحلیل و استنتاج
بالایی برخوردار باشد



در اختیار داشته باشد تا بتواند به پرسش‌هایی که درباره‌ی مؤلف مطرح می‌شود، پاسخ دهد؛ پرسش‌هایی از قبیل این‌که:

■ آیا مؤلف از نظر علمی در سطحی قرار دارد که یک اثر علمی را تولید کند؟

■ گرایش‌های سیاسی، فکری و اقتصادی مؤلف چیست و موقعیت علمی او در محافل آکادمیک به چه میزان است؟

■ اثر در چه فضای گفتمانی و تحت عنوان چه هدفی ایجاد شده است؟

■ در چه شرایط زمانی و مکانی تولید شده است؟

به هر حال هیچ متنی معنای مطلق ندارد. هر متنی عرضی است و تحت تأثیر فرهنگ پذیرفته‌شده‌ی فرد و فرهنگ حاکم در زمان او تولید شده است و مخاطب خاصی دارد.

هم‌چنین، انتشاراتی که اثر را منتشر کرده است، در ارزیابی نقاد از جایگاه اثر، اهمیت خاصی دارد؛ این‌که انتشارات سیاسی است یا غیر سیاسی، دولتی است یا نیمه دولتی، خصوصی است یا نیمه خصوصی، به کارهای علمی آموزش می‌پردازد و یا به امور هنری، فرهنگی و اجتماعی. به علاوه پرسش‌های دیگری نیز مطرح هستند، این‌که: اثر برای چه کسی نوشته شده است و چه طیفی از خوانندگان را در بر می‌گیرد؟ آیا برای طرفدار نوشته شده است یا برای مخالف؟ برای گروه خاصی نوشته شده یا عموم مردم را خطاب قرار داده است؟

ب) عناصر درونی نقد

نقد درونی عناصر زیر را در بر می‌گیرد:

■ **موضوع اثر:** آیا موضوع جامع و مانع است و بار ارزشی دارد؟ آیا موضوع از فرهنگ بیگانه گرفته شده است یا از فرهنگ خودی؟ آیا موضوع

روشن است یا کمی ابهام دارد؟

■ **سابقه‌ی موضوع:** آیا موضوع جدید محسوب می‌شود یا مشابه آن قبلاً وارد بازار شده است؟

■ **محتوای اثر:** هر اثر معمولاً به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود. قصد نویسنده از خرد کردن محتوا به بخش‌های مختلف پاسخ‌گویی به موضوعات ریزتر است تا بتواند به موضوع بزرگ یا عنوان کتاب پاسخ دهد. به این عمل، «مهندسی اثر» می‌گویند. در مهندسی اثر، موضوعات کوچک در نظامی منطقی و روش‌مند، حول یک هسته‌ی معنی‌دار تشکیل می‌گیرد. کشف و فهم هسته‌ی اصلی اثر، وظیفه‌ی اصلی ناقد است و برای دستیابی به هسته‌ی اصلی و نقد آن، ناقد باید محتوای اثر را از دو جهت مورد مطالعه قرار دهد: «برش‌های ریز» و «مهندسی کار».

در یک نوشته، هر پاراگراف باید حکم یک برش کوچک را داشته باشد و به شیوه‌ی قیاس یا استقراء مفهومی را منتقل کند. تبدیل متن نوشته به قطعات ریز، به یادگیری بهتر مفاهیم ریزتر و درک منظور نویسنده کمک می‌کند. این فرایند طی مهندس کار صورت می‌گیرد؛ یعنی چینش منطقی موضوعات به شیوه‌ی متوالی. عدم ارتباط اجزا متن با یکدیگر و بی‌ارتباطی آن‌ها با موضوع

اصلی، به درختی شدن متن منجر می‌شود و از اهمیت نوشته می‌کاهد.

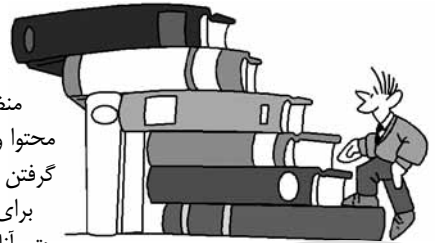
■ **ادبیات نگارش:** بخشی از ادبیات نگارش، به شیوایی و رسایی نشر و بخشی دیگر به اصول و قواعد نگارش، ساختار متن، واژگان و اصلاحات، پاراگراف‌بندی و لحن نویسنده بر می‌گردد. در این جا پرسش‌های دیگری نیز مطرح می‌شود؛ از جمله این‌که: آیا نویسنده برای مخاطب احترام قائل است و اعتماد خواننده را جلب می‌کند یا خیر؟

متن در ذات خود باید اعتماد مخاطب را ایجاد کند. یعنی خواننده در کتاب مشارکت داشته باشد. در بررسی ادبیات نگارش، شایسته است به روش نگارش، انسجام مطالب، شیوه‌ی ارجاع‌دهی، نقل قول، سیستم استدلال و تبیین مستندات تحقیق، عنایت خاصی داشت.

ج) تحلیل محتوا

منظور از تحلیل محتوا دو عمل است: ۱. ژرف‌نگری در کیفیت محتوا، تفسیر محتوا و کشف پیام نهفته در متن. ۲. تحلیل ساختاری که به شکل واژه‌ها و قرار گرفتن آن‌ها در جمله‌ها، و سبک و حجم مطالب بر حسب موضوع توجه دارد.

برای تحلیل محتوا، واژه‌هایی مانند تفسیر، تأویل، تعبیر، تبیین، تحلیل مضمون و حتی آنالیز به کار برده می‌شوند. این واژه‌ها گاه شاخه‌ای از تحلیل محتوا را مشخص می‌کنند و گاه هریک از آن‌ها کاملاً هم‌تراز با اصطلاح تحلیل محتوا، به طور عمومی و یا به شکل کلی به کار می‌رود. رویکرد کلی تحلیل محتوا، در واقع کشف محتوای پنهان داده‌ها یا واحدهای مورد تحلیل و شفاف کردن پیام‌های نهفته در متن از ورای گفته‌ها، تصویرها، نمادها و است.



واضح است که تحلیل هر نوع از انواع متون نوشتاری، مانند متون تاریخی، دینی، علمی، ادبی، ریاضی، فنی، هنری و آموزشی با توجه به موضوع، روش‌شناسی خاص خود را طلب می‌کند. در موارد بسیاری نباید تنها به شکل ظاهری محتوا توجه کرد، بلکه باید از ورای این داده‌ها، به کشف واقعیت نهفته در پیام و ارزیابی آن که هدف اصلی تحلیل محتوا است، پرداخت.

آن پیر، در کتاب «فرهنگ علوم اجتماعی»، واقعیت نهفته در پیام را همانند نقاشی‌های مدرن روی بادبزن‌های ژاپنی می‌داند که جز در صورت گشودن آن، دیده نخواهد شد. وی اضافه می‌کند که تبیین نوشتار، به گشایش و بسط آن‌چه که به منظور ایجاد مبهم مانده است، می‌انجامد.

در هر حال، تبیین یک نوشتار، هم شامل عناصری کلی است، مانند صور متفاوت واژگان یا سایر داده‌هایی که از صورت ظاهر متن قابل تشخیص‌اند، و هم شامل مفاهیم یا عناصری است که در پس آرایش ظاهری واژه‌ها و جمله‌ها پنهان شده‌اند.

هدف و کاربرد تحلیل محتوا: علاوه بر کشف ارتباط درونی اجزا و عناصر تشکیل دهنده‌ی داده‌های مورد تحلیل، هدف از تحلیل محتوا، دست‌یابی به درونه‌ی پنهان یا قصد واقعی تولیدکننده‌ی پیام است، به عبارت دیگر، هدف، یافتن محورهای اصلی فکری پدید آورنده، درک شرایط و اوضاع و احوال محیطی مرتبط با تولید اثر نوشتاری، و در نهایت به دست دادن تفسیری واقع‌گرایانه از آن است. به موارد قبل باید قابلیت وثوق و اعتبار علمی محتوا را نیز اضافه کرد.

لاسی ول و همکاران وی، هدف تحلیل محتوا را شناخت محتوای پیام و در مراحل بعد، مخاطب و چگونگی انتقال پیام و تأثیر آن می‌داند که در بطن خود، مضمون نوعی نقد است. در تحلیل محتوا، نقاد با استفاده از مباحث استدلالی و استنتاج منطقی، مانند روش‌های استقرایی

و آوردن برهان درامر تحلیل، از مرحله‌ی ساده‌پذیری یا سطحی‌نگری فاصله می‌گیرد و به درک عمیق‌تری از موضوع می‌رسد.

فرایند تحلیل: از روش‌های تحلیل که کم و بیش از نقد ادبی یا نقد تاریخی انشعاب یافته‌اند، می‌توان در بررسی متون نوشتاری استفاده کرد. این روش‌ها به طور کلی بر دو نوع‌اند: روش هرمنوتیک (تفسیری) و روش تحلیل ساختاری.

در **روش هرمنوتیک**، هدف، تحلیل و تفسیر داده‌ها و ارزش‌گذاری‌هایی است که نویسنده نسبت به اشخاص، عملکردها، موضوعات و رخدادها ارائه می‌دهد. بدیهی

است، بر حسب موضوع یا شکل واحد مورد تحلیل، نوع روش تحلیل تغییر می‌کند. در رویکرد تفسیری، عکس‌ها یا نگاره‌ها به نحوی تحلیل می‌شوند که تا حدی مشابه تحلیل و تفسیر نوشتاری است. به هر حال، هر روشی که برای تحلیل محتوا برگزیده می‌شود، با توجه به فرضیه‌ی مطرح شده (چنانچه فرضیه‌ای عنوان شده باشد)، انتظارات یا دیدگاه‌ها، تعریف و طبقه‌بندی می‌شوند.

در **روش تحلیل ساختاری** که به آن «تحلیل سمانتیک» کمی (واژه و جمله‌شناسی کمی) نیز گفته می‌شود، واژه‌ها، و معنی‌ها و حالت‌های متفاوتشان، بر حسب بخش‌های گوناگون کلامی، میزان تکرار آن‌ها و کوتاهی و بلندی جمله‌ها، الفاظ، اصطلاحات، حالات نوشتار و ارتباط واژه‌ها و عبارات، شمارش و اندازه‌گیری می‌شوند. گاهی حجم مطالب نوشته‌شده درباره‌ی یک موضوع و

در دوره‌ای معین، مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. البته در بررسی ساختاری ممکن است که فقط یکی از موارد یاد شده موضوع تحلیل باشد. در این روش، رابطه‌ی پیوستگی یا هم‌بستگی واژگان با یکدیگر را می‌توان از طریق فرمول‌های آماری به دست آورد.

پی‌نوشت

■ مقصود از روش‌شناسی نقد، مجموعه‌ی فنون و روش‌هایی است که به وسیله‌ی آن‌ها می‌توان یک اثر را منتقدانه ارزش‌یابی کرد. روش‌شناسی نقد شاخه‌ای از منطق به نام «منطق علمی» است که به کمک آن می‌توان به نتیجه‌ای درست یا نزدیک به واقعیت دست یافت. روش‌شناسی به اصول عمومی شکل‌گیری دانش و نحوه‌ی انجام تجربیات و بررسی‌ها در هر یک از شاخه‌های دانش می‌پردازد.

منابع

۱. بیر، آن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه‌ی باقر ساروخانی. تهران. کیهان.
۲. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۵). کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی. نامه علوم اجتماعی. شماره‌ی ۸ زمستان ۱۳۷۵.
۳. دهقانی، رضا (۱۳۸۸). اصول نقد اثر و تحلیل محتوا.
۴. هارکورت، پیتر (۱۳۸۸). و متنی در نقد فیلم، آشنایی با سینما در مدرسه (آموزش سینمایی) سینما فردا.
۵. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰). با کاروان حله، مجموعه‌ی نقد ادبی.
۶. تاج‌المصادر روزنی



در
تحلیل محتوا، نقاد با
استفاده از مباحث استدلالی و
استنتاج منطقی، مانند روش‌های
استقرایی و آوردن برهان درامر
تحلیل، از مرحله‌ی ساده‌پذیری یا
سطحی‌نگری فاصله می‌گیرد و
به درک عمیق‌تری از موضوع
می‌رسد

ویژگی‌های تولید کتاب‌های آموزشی عربی در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان آمادگی انتشار شد

تازه‌ترین و آخرین راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی که اصول و اهداف کتاب‌های آموزشی عربی در دوره‌های راهنمایی و متوسطه را به بحث می‌گذارد، در پاییز سال جاری تدوین و منتشر شد. این دو راهنما، سی و سی و یکمین سندی است که دبیرخانه‌ی طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، برای آشنایی ناشران و نویسندگان و به‌ویژه معلمان مؤلف منتشر می‌کند.

همان‌گونه که در مقدمه‌ی راهنما گفته شده است، زبان عربی، زبان دین، فرهنگ و تمدن اسلامی است و در طول هزار و چهارصد سال به‌تدریج با زبان و ادبیات فارسی آمیخته شده است. اگر نظام آموزش و پرورش کشور، در آموزش زبان عربی اهمیتی ویژه نشان می‌دهد متأثر از این دیدگاه است که زبان عربی برای ایرانیان نه یک زبان بیگانه، که کلید فهم فرهنگ و معارف اسلامی است و فرهنگ و تمدن بزرگ اسلامی بر آن زبان استوار شده است. چنان‌که شهید **مطهری** می‌گوید: «زبان عربی، زبان یک قوم نیست، زبان اسلام است. از اهم وظایف ما این است که این زبان را حفظ کنیم. هر فرهنگی و هر تمدنی اگر بخواهد زنده بماند، باید زبانش زنده بماند، اگر زبانش مرد، خودش مرده است...»

نویسندگان قانون اساسی ایران، با چنین دغدغه‌ای بود که در اصل شانزدهم این قانون، آموزش زبان عربی را از آغاز دوره‌ی راهنمایی تا پایان دوره متوسطه در تمامی رشته‌ها الزامی کردند. نویسندگان راهنماها، پس از ذکر ضرورت یادگیری زبان عربی و تعمیق آن از طریق منابع متنوع، از رویکردهای گوناگونی سخن به میان می‌آورند که در آموزش زبان عربی وجود دارد و آن‌گاه اهداف کلی آموزش زبان عربی و اصول حاکم بر آموزش زبان عربی را برمی‌شمارند. در بخشی دیگر از این راهنماها، انواع کتاب‌های آموزشی حوزه‌ی زبان عربی احصا و اهداف آموزشی هر دسته از آن‌ها به بحث گذاشته می‌شود و سپس اهداف خاص آموزش زبان عربی در سه حوزه‌ی دانشی، نگرشی و مهارتی به تفکیک پایه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این راهنماها با جدول‌هایی که ارزش‌یابی کتاب‌های آموزشی گوناگون را میسر می‌کنند، به پایان می‌رسد.



۲۷/۲۶۹۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۹۴



۲۷/۲۶۹۰۱۹۳

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۹۵



**Bureau of Educational Aids
Publishing, the Organization of
Research and Educational
Planning
(Ministry of Education)**

“**Javaneh**” is an educational, analytical and research magazine which is published quarterly. It aims at giving information, disseminating research findings and interchanging ideas between scholars and publishers regarding supplementary textbooks and educational aids development process. Considering objectives of the ministry of education, publishers try to improve their knowledge and job’s experience continually. Through this magazine, they also try to promote by using their existing potentials.

۲۷/۲۶۹۱۹۳

بهار و تابستان ۱۳۸۸

۹۶